

خلاصه گزارش

این مطالعه به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار بیان و انتشار ایدئولوژی‌ها و روایت‌های افراطی در افغانستان می‌پردازد. به‌طور خاص، هدف این مقاله بررسی این مساله است که شبکه‌های اجتماعی تا چه میزان برای انتشار و ترویج روایت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی الهام‌گرفته از مذهب استفاده می‌شوند. اصطلاح «افراط‌گرایی» در این متن، برای اشاره به فرایندهای ظهور و تکامل گرایش‌های ایدئولوژیک و تمایلات رفتاری استفاده می‌شود که با تغییری به سمت عدم‌بردباری و سطوح مختلفی از تمایلات به رفتارهای خشونت‌آمیز مشخص می‌شود. افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند، در سه سطح رخ می‌دهد: این فرایند از پندار (تغییر در عقیده) آغاز شده، در ادامه به گفتار (بیان و انتشار دیدگاه‌های متعصب و خشونت‌آمیز) رسیده، و در نهایت ممکن است منجر به کردار (اعمال خشونت‌آمیز) گردد. این مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی در سطح «گفتار» در این روند را بررسی می‌کند.

این مطالعه رویکرد کیفی دارد و از روش‌ها و رهیافت‌های ذیل استفاده می‌کند:

۱) بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب آنلاین پروفایل‌های رسمی گروه‌های شبه‌نظامی و صلح‌طلب الهام‌گرفته از مذهب که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند. هدف این گزارش شناسایی روایت‌های اصلی و گرایش‌های ایدئولوژیکی هستند که توسط فعالان، گروه‌های شبه‌نظامی و افراد اسلام‌گرا منتشر می‌شوند.

۲) توصیف کلی و تجزیه و تحلیل چند نمونه انتخابی از سروردهای طالبان که توسط مردم به‌عنوان زنگ گوشی موبایل استفاده می‌شوند. این آهنگ‌های زنگ به‌عنوان شکلی از رسانه‌های اجتماعی تحلیل می‌شوند که جنبه افراط‌گرایی آن هنوز بررسی نشده است.

۳) ۷۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی از چهار ولایت کابل، جلال‌آباد، هرات و مزار شریف افغانستان. این مصاحبه‌ها بررسی مطالب آنلاین را با رایه جزئیات در زمینه به‌طور خاص جغرافیایی از شیوه‌ی مواجهه کاربران رسانه‌های اجتماعی با مطالب دارای محتویات افراطی در فضای آنلاین، تکمیل کرده است. این مصاحبه‌ها به محققان اجازه داد تا روایت‌هایی روشن که توسط هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب در افغانستان تبلیغ می‌شوند را استخراج کنند.

یافته‌های اصلی

اول) گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و دولت اسلامی (داعش)، به‌طور گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای جنگ اطلاعاتی گسترده خود در برابر دولت افغانستان و متحدان آن استفاده می‌کنند. به نظر می‌آید گروه‌های ستیزه‌جو در افغانستان، از مهارت‌های رسانه‌ای داعش و دقت این گروه برای جانداختن رسانه‌های اجتماعی در استراتژی‌های مربوط به مبارزات اطلاعاتی گسترده خود، تقلید می‌کنند. افزایش مبارزات آنلاین، با رقابت روبه‌رشد میان این گروه‌ها پس از ورود داعش به افغانستان در طول نیمه نخست سال ۲۰۱۵ همراه شد.

دوم) همان‌گونه که سقوط ولایت شمالی قندوز به دست طالبان در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ نشان داد، رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده توسط شورشیان به عنوان یک ابزار جنگی در مبارزات شان در برابر دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی آن استفاده می‌شود. در طی چند ساعت پس از عقب‌نشینی نیروهای دولتی از این ولایت، اخبار و تصاویر شبه‌نظامیان طالبان که بلافاصله شروع به عکس‌گرفتن در مرکز ولایت کردند، در سراسر شبکه‌های اجتماعی در افغانستان منتشر شد. علاوه بر بیانیه سخنگوی طالبان، طالبان محلی به‌شکل گسترده از صفحات محبوبی مانند فیسبوک، برای ارسال عکس‌های سلفی با شهروندان عادی و به‌اشتراک گذاشتن ویدیوی نیروهای جنگی‌شان در حال به‌دست‌گرفتن کنترل ساختمان‌های اصلی شهر استفاده نمودند. تغییر در کانون توجه شورشیان به سمت مراکز شهری، جایی که اکثریت قریب به‌اتفاق کاربران رسانه‌های اجتماعی در آن قرار دارند، اهمیت شبکه‌های اجتماعی را در جنگ اطلاعاتی جاری میان دولت و شورشیان برجسته می‌کند.

سوم) شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه جنبه‌هایی که ارسال پیام‌های فوری و تصاویر را تسهیل می‌کنند، نقش مهمی در بیان و انتشار جهان‌بینی ایدئولوژیک و روایت‌های سیاسی درمورد افغانستان پس از طالبان بازی می‌کنند. باوجود تفاوت‌های قابل‌توجه در روایات و استراتژی‌ها، هر دو گروه اسلام‌گرای صلح‌طلب و ستیزه‌جو، اثر متقابلی در تقویت یکدیگر داشته و در برخی از جنبه‌های مهم دیدگاه‌های ایدئولوژیک و روایات سیاسی‌شان در رابطه با افغانستان پس از ۲۰۰۱، هم‌گرایی دارند. نکته مرکزی روایت‌های گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و داعش، این دیدگاه است که در طول این دوره، افغانستان یک کشور «اشغال‌شده»، و دولت افغانستان یک «دست‌نشانده»ی «مهاجمان»، «صلیبیون» یا «اشغال‌گران» خارجی بوده است. آنچه از

چنین روایت‌هایی برداشت می‌شود، استراتژی خشونت‌بار و تخریب برای سرنگونی دولت افغانستان و اخراج نیروهای بین‌المللی از این کشور است. همچنین این گروه‌ها مواضع ایدئولوژیک خود را با تفسیرهایی از سرخوردگی‌های رایج نسبت به دولت افغانستان، مانند نگرانی‌ها از حکومت‌داری ضعیف و فساد اداری، ترکیب می‌کنند. تجزیه و تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که در مقابل روایت و استراتژی گروه‌های ستیزه‌جو، تعدادی گروه‌های فعال صلح‌طلب نیز وجود دارند که شبکه‌های اجتماعی را برای انتشار روایت‌های استراتژیکی که به گسترده‌شدن فرایندهای افراطی کمک می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌دهند. این روایت‌ها بر نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند تأثیرات فرهنگ خارجی از جمله آزادسازی اجتماعی و فرهنگی و وضعیت و حقوق زنان پس از ۲۰۰۱ متمرکز دارند. اگرچه این گروه‌ها مستقیماً از استراتژی‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه جانب‌داری نمی‌کنند، اما با انتشار روایتی از تصور رایج که افغانستان مورد «تهاجم فرهنگی» قرار دارد، و نیز محکوم‌نکردن تاکتیک‌های خشونت‌آمیز و استراتژی‌های گروه‌های شبه‌نظامی، به فرایند گسترده‌تر افراط‌گرایی کمک می‌کنند.

چهارم) در حالی که تمرکز این مطالعه بر روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی الهام‌گرفته از مذهب است، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به دیگر اشکال افراط‌گرایی، به‌ویژه افراط‌گرایان قومی-ملی و تعدادی از گروه‌های سکولار اشاره کردند که از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های عدم‌بردباری و نفرت‌پراکنی استفاده می‌کنند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به افزایش روایت‌ها و دیدگاه‌های افراطی قومی - ملی‌گرایانه با قطب‌بندی‌های سیاسی در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ اشاره کردند.

پنجم) هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب، از تاکتیک‌های ویژه‌ای در مبارزات رسانه‌های اجتماعی‌شان برای تقویت روایت‌های استراتژیکی خود استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ناشناس‌ماندن و کلیشه‌های جنسیتی، از رایج‌ترین تاکتیک‌هایی هستند که توسط این گروه‌ها استفاده می‌شوند. برای مثال، علاوه بر روایت‌های رسمی که ظاهراً توسط حساب‌های رسمی سازمان‌ها منتشر و اداره می‌شوند، بسیاری از اعضا و هواداران این گروه‌ها، از فرصت‌های فراهم‌آمده توسط اینترنت، برای ایجاد حساب‌های ناشناس استفاده می‌کنند که از طریق آن می‌توانند محتوای روایت‌های رسمی خود را به‌اشتراک گذاشته، حمایت و پشتیبانی کنند. کلیشه‌های جنسیتی نیز به‌طور گسترده در صفحات شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. برای مثال، طالبان در سرودهای خود که در مناطق روستایی افغانستان به‌عنوان زنگ موبایل استفاده می‌شود، کلیشه‌های جنسیتی را

به‌عنوان ابزاری برای مبارزات ارتباطات اجتماعی به‌کار می‌گیرند. این سرودها بر شجاعت و دیگر ویژگی‌های مردانه برای دفاع از کشور تاکید کرده و کسانی که از پیوستن به صفوف آن‌ها خودداری می‌کنند را با زنان مقایسه می‌کند که با خصوصیات چو ضعیف و ترس تعریف می‌شوند.

ششم) پاسخ کاربران فردی رسانه‌های اجتماعی به روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی، به چهار شکل ارایه می‌گردد:

۱) گروهی از پاسخ‌دهندگان تصمیم گرفته‌اند تا آشکارا همراه و در مقابل گروه‌ها و اشخاص در شبکه‌های اجتماعی وارد بحث شوند.

۲) گروهی دیگر از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تنها در مقابل پیام‌هایی که از حساب‌های واقعی و افراد قابل‌شناسایی دریافت می‌کنند گفتگو کنند. آن‌ها خطرات پاسخ‌دادن به افراد و گروه‌های افراط‌گرا با حساب‌های ناشناس را تذکر دادند.

۳) یک گروه متفاوت از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تمام مطالب افراطی را نادیده بگیرند و اعتقاد دارند چشم‌پوشی از این مطالب، محبوبیت گروه‌های افراط‌گرا را در رسانه‌های اجتماعی کاهش می‌دهد.

۴) گروه چهارم، با برجسته‌ساختن خطرات افراط‌گرایی و ارائه شواهد تخریب‌کشور در جریان جنگ، و با ترویج دیدگاه‌های معتدل در رابطه با مذهب، یکپارچگی و بردباری میان گروه‌های قومی کشور و فرقه‌های مذهبی با پیام‌های افراطی مقابله می‌کنند.

هفتم) انتشار روایت‌های افراط‌گرایانه در نبود یک سیاست ضدافراط‌گرایی سیستماتیک توسط دولت افغانستان، رخ می‌دهد. درحالی که ابتکارات از اشخاص برجسته و جامعه مدنی وجود دارد که هدفشان مقابله با گرایش‌های افراطی و ترویج روایتی جامع‌تر و روادارانه‌تر است، افغانستان هنوز به سیاستی برای مقابله با افراط‌گرایی درکل و به‌طور خاص افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی دست نیافته است.

پیشنهادات

به دولت جمهوری اسلامی افغانستان:

۱) آغاز یک مشورت گسترده با تمام طرفهای ذی‌نفع مربوط، شامل جامعه مدنی افغانستان و گروه‌های فعال اسلام‌گرا، رهبران مذهبی، و موسسات آموزشی، با هدف تدوین یک رویکرد و سیاست ضدافراط‌گرایی. سیاست‌های آینده مقابله با افراط‌گرایی باید علاوه بر آسیب‌پذیری افراد و آمادگی آنها برای جذب و بسیج شدن توسط گروه‌های افراطی، روایت‌های راهبردی گسترده‌ای که از افراط‌گرایی حمایت می‌کنند را مورد خطاب قرار بدهند.

۲) گسترش دامنه بحث حاضر در رابطه با قانونمند ساختن شبکه‌های اجتماعی با همکاری جامعه مدنی، موسسات آموزشی، گروه‌های فعال اسلام‌گرا و سازمان‌های رسانه‌ای. یک چارچوب نظارتی و قانونی درمورد شبکه‌های اجتماعی، باید میان مقررات رسانه‌های اجتماعی و نگرانی‌های مرتبط با محدودیت آزادی بیان، توازن برقرار کند.

۳) بررسی روند فعلی ثبت تمام سیم‌کارت‌های موبایل توسط سازمان‌های دولتی مربوطه، به منظور تسهیل پیگیری کاربران جعلی رسانه‌های اجتماعی که روایت‌های افراط‌گرانه را در فضای آنلاین ترویج می‌کنند. به این منظور، همکاری‌های بیشتر و هماهنگی‌های بهتری باید میان دولت افغانستان و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در افغانستان انجام پذیرد.

۴) به‌کارگیری طرح‌های فوری و هماهنگ برای مقابله با روایت‌های افراط‌گرایانه قومی و قطب‌بندی‌های سیاسی که در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهور ۲۰۱۴ شدت گرفت. این طرح‌ها باید دو ائتلاف سیاسی را که حکومت وحدت ملی را در سپتامبر سال ۲۰۱۴ تشکیل دادند، و همچنین گروه‌های جامعه مدنی و رسانه‌های افغانستان را در بر بگیرد.

به جامعه بین‌المللی:

۱) پشتیبانی از دولت افغانستان در تدوین سیاست مقابله با افراط‌گرایی از طریق: ۱. به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌های سیاست‌های افراط‌زدایی در جوامع شکننده و جنگ‌زده مانند افغانستان؛ ۲. ارائه مشورت در رابطه با

بهترین روش مقابله با افراط‌گرایی در فضای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، بدون به‌خطرانداختن آزادی بیان شهروندان.

۲) حمایت از تحقیقات آینده در رابطه با جنبه‌های خاص تر فرایندهای افراط‌گرایی در افغانستان. این جنبه‌ها هم شامل تاثیر روایت‌ها در سطح کلان توسط گروه‌های اصلی افراط‌گرا و هم فرایندهای سطح خرد مانند استخدام افراد، به‌ویژه جوانان، توسط این گروه‌ها می‌باشد.

۳) پشتیبانی از طرح‌های افراد مستقل و جامعه مدنی باهدف مقابله با افراط‌گرایی و افزایش هم‌گرایی میان گروه‌های مذهبی و قومی در افغانستان. به‌طور خاص‌تر، در نظر گرفتن حمایت از طرح‌هایی که می‌توانند به‌عنوان پلی میان گروه‌های فعالان اسلام‌گرا و سازمان‌های سکولارتر جامعه مدنی عمل کنند.

رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

کابل - قوس ۱۳۹۴ خورشیدی





رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

نویسندگان: نعمت‌الله ابراهیمی، مصعب عمر و محمد عرفانی

ویراستار: غلامرضا ابراهیمی

قوس ۱۳۹۴ خورشیدی

آدرس: کارته پروان، قلعه نه برجه، کابل، افغانستان

www.aiss.af

رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

نویسندگان: نعمت‌الله ابراهیمی، مصعب عمر و محمد عرفانی

هماهنگ‌کننده پروژه: مصعب عمر

طرح تحقیق و بازنگری:

● پروفیسور شهرام اکبرزاده: استاد تحقیق دانشکده هنرها و تحصیلات، موسسه دیکین آلفرد، دانشگاه

دیکین استرالیا، ملبورن، استرالیا

● داکتر سارا لوگان: محقق همکار، «دولت، جامعه و حکومت در برنامه ملانزی»، دانشگاه ملی استرالیا،

کانبرا، استرالیا

پژوهشگران ساحوی:

● خالد یوسفزی

● فاضل عبید

● بصیر محب

● بشیراحمد عثمانی

فهرست مطالب

۱	سپاس‌گزاری	۱
۲	علامت‌های اختصاری	۲
۳	واژه‌نامه	۳
۵	خلاصه گزارش	۵
۶	یافته‌های اصلی	۶
۹	پیشنهادات	۹
۹	به دولت جمهوری اسلامی افغانستان:	۹
۹	به جامعه بین‌المللی:	۹
۱۱	مقدمه	۱۱
۱۲	۲. چارچوب مفهومی: رسانه‌های اجتماعی و افراط‌گرایی	۱۲
۱۴	۱.۲. افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند ارتباطی	۱۴
۱۹	۲.۲. رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار سریع و فوری، تعاملی و شخصی ارتباطی	۱۹
۲۱	۳. رویکرد روش‌شناسی تحقیق	۲۱
۲۳	۱.۳. بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب رسانه‌های اجتماعی	۲۳
۲۴	۲.۳. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پیام‌های ارتباطی منتقل‌شده توسط آهنگ‌های زنگ	۲۴
۲۴	۳.۳. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته	۲۴
۲۵	۴. یافته‌های مطالعه	۲۵
۲۵	۱.۴. اهداف و تاکتیک‌های گروه‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی شناسایی شدند	۲۵
۲۹	۲.۴. روایت‌های اصلی که از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بیان می‌شوند	۲۹
۳۰	۱.۲.۴. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان	۳۰
۳۴	۲.۲.۴. دخالت خارجی و توافقنامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده	۳۴
۳۷	۳.۲.۴. نگرانی‌های اجتماعی - فرهنگی	۳۷
۴۳	۴.۲.۴. استراتژی‌ها برای عمل سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌ها در رابطه با جهاد و مجاهدین	۴۳
۴۹	۵.۲.۴. امور امت اسلامی	۴۹
۵۱	۳.۴. نقش سرودها و آهنگ‌های طالبان در تاثیرگذاری و روند جذب نیروی جنگجویان طالبان	۵۱
۵۳	۱.۳.۴. موعظه مردم برای پذیرفتن دین	۵۳
۵۴	۲.۳.۴. انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت	۵۴

۵۵.....	۳.۳.۴. جذب نیروی جوان بیشتر.....
۵۷.....	۴.۳.۴. نفوذ در نیروهای امنیتی.....
۵۸.....	۵.۳.۴. افزایش خودنمایی میان مردم و جامعه بین‌المللی.....
۶۰.....	۶.۳.۴. یادآوری و تجلیل از کسانی که مرده‌اند.....
۶۲.....	۴.۴. درک مردم در مورد روایت‌های رادیکال در رسانه‌های اجتماعی.....
۶۲.....	۱.۴.۴. استفاده از رسانه‌های اجتماعی در افغانستان.....
۶۴.....	۲.۴.۴. استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط عناصر تندرو.....
۶۵.....	۳.۴.۴. مواجهه پاسخ‌دهندگان با روایت‌های رادیکال در رسانه‌های اجتماعی.....
۶۹.....	۴.۴.۴. واکنش جامعه مدنی و مردم به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی.....
۷۳.....	۵.۴.۴. واکنش دولت به روایت‌های افراط‌گرایانه و رویکرد ضد افراط‌گرایی.....
۷۶.....	۶.۴.۴. دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد سیاست‌های دولت برای مقابله با افراط‌گرایی.....
۷۸.....	۵. نتیجه‌گیری.....
۸۱.....	منابع و مأخذ:.....

فهرست تصاویر

- تصویر ۱: یک تویت پست شده توسط ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در رابطه با اشغال شهر قندوز توسط طالبان ۲۷
- تصویر ۲: یک حساب جعلی فیسبوک به نام «دموکراسی نظامی کفری» که بیان می‌کند جنگ ایالات متحده علیه اسلام است نه تروریسم ۲۸
- تصویر ۳: پست فیسبوکی یکی از هواداران طالبان با پیام «ارتش ملی افغانستان برای آمریکا کار می‌کند» ۳۱
- تصویر ۴: تصویر پست شده توسط حزب اسلامی در صفحه رسمی فیسبوکش ۳۴
- تصویر ۵: ویدیو کلیپ پست شده توسط جمعیت اصلاح در یوتیوب، که در آن، عبدالسلام عابد یک عالم مذهبی برجسته و عضو این سازمان، دیدگاه خود را در رابطه با تعامل با غیرمسلمانان توضیح می‌دهد. ۳۶
- تصویر ۶: جمعیت اصلاح اخبار مرگ یک سرباز افغان به نام عظیم خان را در یک حمله «سبز بر آبی» منتشر کرد. تعدادی از مردم اقدامات او را در بخش پیام‌ها ستودند ۳۷
- تصویر ۷: تصویر یک زن که توسط یک حساب جعلی پست شده است و نشان می‌دهد زنان مسلمان چگونه باید لباس بپوشند ۴۰
- تصویر ۸: تصویر پست شده توسط حزب التحریر در صفحه رسمی فیسبوکش، اجتماعی از هوادارانی را نشان می‌دهد که دموکراسی را محکوم کرده و برای تاسیس خلافت اسلامی دعوت می‌کنند. ۴۱
- تصویر ۹: ابو عبیدالله متوکل، یک عالم برجسته دینی در حال توجیه حملات انتحاری در یک ویدیو کلیپ منتشر شده در کانال یوتیوب «خراسان طاغوت شکن» که از سوی هواداران طالبان اداره می‌شود ۴۴
- تصویر ۱۰: ویدیوی پست شده توسط حزب اسلامی در کانال رسمی یوتیوب این گروه، که اتحاد میان طالبان و حزب اسلامی علیه نیروهای ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان را نشان می‌دهد ۴۷
- تصویر ۱۱: ویدیوی پست شده توسط جمعیت اصلاح در کانال یوتیوب رسمی آن که گردهمایی هواداران محمد مرسی (رئیس جمهور برکنار شده مصر از اخوان المسلمین) را نشان می‌دهد ۵۰

- تصویر ۱۲: یک صفحه فیسبوک پر از آهنگ‌های طالبان که مردگانش را تجلیل کرده و تبلیغات علیه دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش را منتشر می‌کنند..... ۶۱
- تصویر ۱۳: یک حساب جعلی فیسبوک که با منسبو کردن پشتون‌ها به قوم بنی اسرائیل، نفرت قومی را علیه آن‌ها ترویج می‌کند ۶۶
- تصویر ۱۴: تصویر پست شده توسط حزب التحریر در صفحه فیسبوک رسمی آن، نشان‌دهنده گردهمایی دانشجویان در محکومیت دموکراسی و نظری از یک کاربر میانه‌رو رسانه‌های اجتماعی که نوشته است: «عجیب است با استفاده از فضای ایجادشده به اساس معیارهای دموکراسی که آزادی بیان را تضمین می‌نماید، گروهی به نام محصل! در تلاش خفه‌نمودن این امکان حداقلی برآمده‌اند»..... ۷۰
- تصویر ۱۵: صفحه فیسبوک ایجادشده توسط تعدادی از فعالان جامعه مدنی که خواستار عدالت برای فرخنده هستند..... ۷۰

فهرست جداول

- جدول ۱: سطوح و مکانیسم‌های منشأ افراط‌گرایی: مک کالی و موسکالنکو، ۲۰۰۸..... ۱۷
- جدول ۲: سطوح و ویژگی‌های افراط‌گرایی در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱..... ۱۸

سپاس‌گزاری

نویسندگان از مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) برای پشتیبانی لجیستیکی و از موسسه ایالات متحده برای صلح (USIP) برای کمک مالی سخاوتمندانه خود به این پروژه سپاس‌گزار هستند.

ما از همکاران ناظرمان، پروفسور شهرام اکبرزاده و داکتر سارا لوگان، برای نظرات اندیشمندانه و کارشناسانه‌شان در طی آماده‌سازی این مقاله تشکر می‌کنیم. از پروفسور شهربانو تاج‌بخش برای توصیه‌هایش در مراحل اولیه این تحقیق و آقای بلال سروری برای تحقیقاتش در رابطه با سرودهای طالبان در افغانستان سپاس‌گزاریم.

ما همچنین سپاس‌گزار تمام پژوهشگران ساحوی‌مان برای کمک‌های خستگی‌ناپذیرشان هستیم: آقای بصیر محب، آقای فاضل عبید، آقای خالد یوسف‌زی و آقای بشیراحمد عثمانی.

علامت‌های اختصاری

مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان	AISS
نیروهای امنیت ملی و نیروهای امنیتی افغان	ANSF
دولت افغانستان	GoA
حزب اسلامی افغانستان	HIA
نیروی بین‌المللی کمک به امنیت (آیساف)	ISAF
دولت اسلامی عراق و شام	ISIS
وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی	MCIT
وزارت اطلاعات و فرهنگ	MoIC
وزارت دفاع	MoD
وزارت معارف	MoE
وزارت امور داخله	Mol
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)	NATO
ریاست امنیت ملی	NDS
مؤسسه ایالات متحده آمریکا برای صلح	USIP

واژه‌نامه

عالم: در جمع علما، محقق و تحصیل کرده در هر یک از علوم اسلامی، مانند: تفسیر قرآن، حدیث، فلسفه و غیره.

اهل سنت: مشتق شده از کلمه عربی سنت، با اشاره به سخنان و اقدامات حضرت محمد آن گونه که در احادیث ثبت شده است. کسانی که از زندگی حضرت محمد پیروی می کنند، اهل سنت نامیده می شوند.

برقع / چادری: پوشش بیرونی کامل که در بعضی از سنت های اسلامی توسط زنان استفاده می شوند تا بدن خود را در بین مردم بپوشانند.

دعوت: هدف از دعوت در الهیات اسلامی، دعوت مردم، مسلمانان و غیرمسلمانان به درک و پذیرش پیام خداوند در قرآن، آموزه های حضرت محمد و اطلاع رسانی به آنها در مورد اسلام است.

فقه: قوانین مربوط به رعایت قواعد اجتماعی در اسلام، و همچنین اجرای تشریفات مذهبی.

حدیث: مجموعه ای از روایت ها که حاوی سخنان حضرت محمد و اعمال روزانه او (سنت) است. حدیث، منبع اصلی راهنما برای مسلمانان بعد از قرآن است.

حجاب: پوشش زنان مسلمان برای پوشاندن سر که نشان دهنده حیا، حفظ حریم خصوصی و اخلاق است.

حزب اسلامی: سازمانی اسلامی که غالباً برای مبارزه با حکومت کمونیستی افغانستان و متحد نزدیک آن، اتحاد جماهیر شوروی، شناخته می شود.

امام: فردی که نقش رهبری در جامعه اسلامی به او سپرده شده است، هم در نمازخواندن در مسجد و هم به عنوان رهبر جامعه.

امارت اسلامی: دولتی که در سال ۱۹۹۶ توسط طالبان تأسیس شد. این دولت با سقوط طالبان در ۲۰۰۱ به پایان رسید.

جمعیت اصلاح: سازمانی ثبت شده در وزارت عدلیه در کابل، با تمرکز بر فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی.

جهاد: با ترجمه تحت‌اللفظی «مبارزه» که نزدیک‌ترین واژه به «جنگ مقدس» است. این اصطلاح می‌تواند در رابطه با درگیری‌های درونی یک فرد باایمان باشد، یا مبارزه برای حفظ و دفاع جامعه مسلمانان و اسلام.

خطیب: فردی که در طول نماز و عبادت روز جمعه، خطبه یا سخنرانی ارائه می‌کند.

کفار: جمع کافر (به زبان عربی) که در اسلام برای ناباوران به دین به کار می‌رود. همچنین این اصطلاح زمانی که توسط اسلام‌گرایان محافظه‌کار علیه غیرمسلمانان استفاده می‌شود، عبارتی به شدت توهین‌آمیز است.

مدرسه: کلمه‌ای عربی است که برای مؤسسات آموزشی استفاده می‌شود. با این حال، استفاده معاصر این اصطلاح، به مدارس مذهبی اسلامی اشاره دارد.

مفتی: متخصص حقوقی اسلامی که قدرت بیان احکام و مسایل دینی را دارد.

مجاهدین: جمع مجاهد، اصطلاحی که به طور کل برای مردمی که جهاد می‌کنند، استفاده می‌شود.

ملا: برگرفته از واژه عربی «مولی» به معنای استاد یا قیم. در بخش‌های بزرگی از جهان اسلام، این اصطلاح به افراد مذهبی محلی یا رهبران مساجد اشاره می‌کند.

نوروز: روز اول بهار یا سال جدید فارسی، زمانی که مردم از جوامع قومی متنوع گرد هم آمده و جشن می‌گیرند.

قرآن: کتاب مقدس اسلام که از طرف خداوند بر حضرت محمد نازل شد. این کتاب شامل ۱۱۴ سوره بوده و در اصل به زبان عربی نوشته شده است.

شریعت: قوانین اسلامی که بر پایه قرآن و حدیث بنا شده، اما تمام قواعد مربوط به وظایف مذهبی و غیرمذهبی و مجازات‌ها را در بر می‌گیرد.

شیعه: یکی از دو بزرگ‌ترین فرقه‌های اسلام است. پیروان این فرقه معتقدند که حضرت علی، پسرعموی حضرت محمد و داماد او، به عنوان امام اول جانشین حضرت محمد پس از وفاتش شد.

امت: کلمه عربی به معنای «ملت» یا اجتماع. در قرآن، امت معمولاً به گروه واحدی که اعتقادات مشترک مذهبی دارند و به طور خاص به کسانی که هدف برنامه‌ای مقدس برای رستگاری هستند، اشاره می‌شود.

خلاصه گزارش

این مطالعه به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار بیان و انتشار ایدئولوژی‌ها و روایت‌های افراطی در افغانستان می‌پردازد. به‌طور خاص، هدف این مقاله بررسی این مساله است که شبکه‌های اجتماعی تا چه میزان برای انتشار و ترویج روایت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی الهام‌گرفته از مذهب استفاده می‌شوند. اصطلاح «افراط‌گرایی» در این متن، برای اشاره به فرایندهای ظهور و تکامل گرایش‌های ایدئولوژیک و تمایلات رفتاری استفاده می‌شود که با تغییری به سمت عدم‌بردباری و سطوح مختلفی از تمایلات به رفتارهای خشونت‌آمیز مشخص می‌شود. افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند، در سه سطح رخ می‌دهد: این فرایند از پندار (تغییر در عقیده) آغاز شده، در ادامه به گفتار (بیان و انتشار دیدگاه‌های متعصب و خشونت‌آمیز) رسیده، و در نهایت ممکن است منجر به کردار (اعمال خشونت‌آمیز) گردد. این مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی در سطح «گفتار» در این روند را بررسی می‌کند.

این مطالعه رویکرد کیفی دارد و از روش‌ها و رهیافت‌های ذیل استفاده می‌کند:

(۱) بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب آنلاین پروفایل‌های رسمی گروه‌های شبه‌نظامی و صلح‌طلب الهام‌گرفته از مذهب که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند. هدف این گزارش شناسایی روایت‌های اصلی و گرایش‌های ایدئولوژیکی هستند که توسط فعالان، گروه‌های شبه‌نظامی و افراد اسلام‌گرا منتشر می‌شوند.

(۲) توصیف کلی و تجزیه و تحلیل چند نمونه انتخابی از سرودهای طالبان که توسط مردم به‌عنوان زنگ گوشی موبایل استفاده می‌شوند. این آهنگ‌های زنگ به‌عنوان شکلی از رسانه‌های اجتماعی تحلیل می‌شوند که جنبه افراط‌گرایی آن هنوز بررسی نشده است.

(۳) ۷۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی از چهار ولایت کابل، جلال‌آباد، هرات و مزار شریف افغانستان. این مصاحبه‌ها بررسی مطالب آنلاین را با اراییه جزئیات در زمینه به‌طور خاص جغرافیایی از شیوه‌ی مواجهه کاربران رسانه‌های اجتماعی با مطالب دارای محتویات افراطی در فضای آنلاین، تکمیل کرده است. این مصاحبه‌ها به محققان اجازه داد تا روایت‌هایی روشن که توسط هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب در افغانستان تبلیغ می‌شوند را استخراج کنند.

یافته‌های اصلی

اول) گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و دولت اسلامی (داعش)، به‌طور گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای جنگ اطلاعاتی گسترده خود در برابر دولت افغانستان و متحدان آن استفاده می‌کنند. به نظر می‌آید گروه‌های ستیزه‌جو در افغانستان، از مهارت‌های رسانه‌ای داعش و دقت این گروه برای جانداختن رسانه‌های اجتماعی در استراتژی‌های مربوط به مبارزات اطلاعاتی گسترده خود، تقلید می‌کنند. افزایش مبارزات آنلاین، با رقابت روبه‌رشد میان این گروه‌ها پس از ورود داعش به افغانستان در طول نیمه نخست سال ۲۰۱۵ همراه شد.

دوم) همان‌گونه که سقوط ولایت شمالی قندوز به دست طالبان در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ نشان داد، رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده توسط شورشیان به عنوان یک ابزار جنگی در مبارزات شان در برابر دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی آن استفاده می‌شود. در طی چند ساعت پس از عقب‌نشینی نیروهای دولتی از این ولایت، اخبار و تصاویر شبه‌نظامیان طالبان که بلافاصله شروع به عکس‌گرفتن در مرکز ولایت کردند، در سراسر شبکه‌های اجتماعی در افغانستان منتشر شد. علاوه بر بیانیه سخنگوی طالبان، طالبان محلی به‌شکل گسترده از صفحات محبوبی مانند فیسبوک، برای ارسال عکس‌های سلفی با شهروندان عادی و به‌اشتراک گذاشتن ویدیوی نیروهای جنگی شان در حال به‌دست‌گرفتن کنترل ساختمان‌های اصلی شهر استفاده نمودند. تغییر در کانون توجه شورشیان به سمت مراکز شهری، جایی که اکثریت قریب به اتفاق کاربران رسانه‌های اجتماعی در آن قرار دارند، اهمیت شبکه‌های اجتماعی را در جنگ اطلاعاتی جاری میان دولت و شورشیان برجسته می‌کند.

سوم) شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه جنبه‌هایی که ارسال پیام‌های فوری و تصاویر را تسهیل می‌کنند، نقش مهمی در بیان و انتشار جهان‌بینی ایدئولوژیک و روایت‌های سیاسی درمورد افغانستان پس از طالبان بازی می‌کنند. باوجود تفاوت‌های قابل‌توجه در روایات و استراتژی‌ها، هر دو گروه اسلام‌گرای صلح‌طلب و ستیزه‌جو، اثر متقابلی در تقویت یکدیگر داشته و در برخی از جنبه‌های مهم دیدگاه‌های ایدئولوژیک و روایات سیاسی‌شان در رابطه با افغانستان پس از ۲۰۰۱، هم‌گرایی دارند. نکته مرکزی روایت‌های گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و داعش، این دیدگاه است که در طول این دوره، افغانستان یک کشور «اشغال‌شده»، و دولت افغانستان یک «دست‌نشانده»ی «مهاجمان»، «صلیبیون» یا «اشغال‌گران» خارجی بوده است. آنچه از چنین روایت‌هایی برداشت می‌شود، استراتژی خشونت‌بار و تخریب برای سرنگونی دولت

افغانستان و اخراج نیروهای بین‌المللی از این کشور است. همچنین این گروه‌ها مواضع ایدئولوژیک خود را با تفسیرهایی از سرخوردگی‌های رایج نسبت به دولت افغانستان، مانند نگرانی‌ها از حکومت‌داری ضعیف و فساد اداری، ترکیب می‌کنند. تجزیه و تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که در مقابل روایت و استراتژی گروه‌های ستیزه‌جو، تعدادی گروه‌های فعال صلح‌طلب نیز وجود دارند که شبکه‌های اجتماعی را برای انتشار روایت‌های استراتژیکی که به گسترده‌شدن فرایندهای افراطی کمک می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌دهند. این روایت‌ها بر نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند تأثیرات فرهنگ خارجی از جمله آزادسازی اجتماعی و فرهنگی و وضعیت و حقوق زنان پس از ۲۰۰۱ تمرکز دارند. اگرچه این گروه‌ها مستقیماً از استراتژی‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه جانب‌داری نمی‌کنند، اما با انتشار روایتی از تصور رایج که افغانستان مورد «تهاجم فرهنگی» قرار دارد، و نیز محکوم‌نکردن تاکتیک‌های خشونت‌آمیز و استراتژی‌های گروه‌های شبه‌نظامی، به فرایند گسترده‌تر افراط‌گرایی کمک می‌کنند.

چهارم) در حالی که تمرکز این مطالعه بر روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی الهام‌گرفته از مذهب است، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به دیگر اشکال افراط‌گرایی، به‌ویژه افراط‌گرایان قومی-ملی و تعدادی از گروه‌های سکولار اشاره کردند که از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های عدم‌بردباری و نفرت‌پراکنی استفاده می‌کنند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به افزایش روایت‌ها و دیدگاه‌های افراطی قومی - ملی‌گرایانه با قطب‌بندی‌های سیاسی در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ اشاره کردند.

پنجم) هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب، از تاکتیک‌های ویژه‌ای در مبارزات رسانه‌های اجتماعی‌شان برای تقویت روایت‌های استراتژیکی خود استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ناشناس‌ماندن و کلیشه‌های جنسیتی، از رایج‌ترین تاکتیک‌هایی هستند که توسط این گروه‌ها استفاده می‌شوند. برای مثال، علاوه بر روایت‌های رسمی که ظاهراً توسط حساب‌های رسمی سازمان‌ها منتشر و اداره می‌شوند، بسیاری از اعضا و هواداران این گروه‌ها، از فرصت‌های فراهم‌آمده توسط اینترنت، برای ایجاد حساب‌های ناشناس استفاده می‌کنند که از طریق آن می‌توانند محتوای روایت‌های رسمی خود را به‌اشتراک گذاشته، حمایت و پشتیبانی کنند. کلیشه‌های جنسیتی نیز به‌طور گسترده در صفحات شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. برای مثال، طالبان در سرودهای خود که در مناطق روستایی افغانستان به‌عنوان زنگ موبایل استفاده می‌شود، کلیشه‌های جنسیتی را به‌عنوان ابزاری برای مبارزات ارتباطات اجتماعی به‌کار

می‌گیرند. این سرودها بر شجاعت و دیگر ویژگی‌های مردانه برای دفاع از کشور تاکید کرده و کسانی که از پیوستن به صفوف آن‌ها خودداری می‌کنند را با زنان مقایسه می‌کند که با خصوصیتی چون ضعف و ترس تعریف می‌شوند.

ششم) پاسخ کاربران فردی رسانه‌های اجتماعی به روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی، به چهار شکل ارایه می‌گردد:

۱) گروهی از پاسخ‌دهندگان تصمیم گرفته‌اند تا آشکارا همراه و در مقابل گروه‌ها و اشخاص در شبکه‌های اجتماعی وارد بحث شوند.

۲) گروهی دیگر از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تنها در مقابل پیام‌هایی که از حساب‌های واقعی و افراد قابل‌شناسایی دریافت می‌کنند گفتگو کنند. آن‌ها خطرات پاسخ‌دادن به افراد و گروه‌های افراط‌گرا با حساب‌های ناشناس را تذکر دادند.

۳) یک گروه متفاوت از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تمام مطالب افراطی را نادیده بگیرند و اعتقاد دارند چشم‌پوشی از این مطالب، محبوبیت گروه‌های افراط‌گرا را در رسانه‌های اجتماعی کاهش می‌دهد.

۴) گروه چهارم، با برجسته‌ساختن خطرات افراط‌گرایی و ارائه شواهد تخریب کشور در جریان جنگ، و با ترویج دیدگاه‌های معتدل در رابطه با مذهب، یکپارچگی و بردباری میان گروه‌های قومی کشور و فرقه‌های مذهبی با پیام‌های افراطی مقابله می‌کنند.

هفتم) انتشار روایت‌های افراط‌گرایانه در نبود یک سیاست ضدافراط‌گرایی سیستماتیک توسط دولت افغانستان، رخ می‌دهد. درحالی که ابتکارات از اشخاص برجسته و جامعه مدنی وجود دارد که هدفشان مقابله با گرایش‌های افراطی و ترویج روایتی جامع‌تر و روادارانه‌تر است، افغانستان هنوز به سیاستی برای مقابله با افراط‌گرایی درکل و به‌طور خاص افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی دست نیافته است.

پیشنهادات

به دولت جمهوری اسلامی افغانستان:

۱) آغاز یک مشورت گسترده با تمام طرفهای ذی‌نفع مربوط، شامل جامعه مدنی افغانستان و گروه‌های فعال اسلام‌گرا، رهبران مذهبی، و موسسات آموزشی، با هدف تدوین یک رویکرد و سیاست ضدافراط‌گرایی. سیاست‌های آینده مقابله با افراط‌گرایی باید علاوه بر آسیب‌پذیری افراد و آمادگی آن‌ها برای جذب و بسیج‌شدن توسط گروه‌های افراطی، روایت‌های راهبردی گسترده‌ای که از افراط‌گرایی حمایت می‌کنند را مورد خطاب قرار بدهند.

۲) گسترش دامنه بحث حاضر در رابطه با قانونمند ساختن شبکه‌های اجتماعی با همکاری جامعه مدنی، موسسات آموزشی، گروه‌های فعال اسلام‌گرا و سازمان‌های رسانه‌ای. یک چارچوب نظارتی و قانونی درمورد شبکه‌های اجتماعی، باید میان مقررات رسانه‌های اجتماعی و نگرانی‌های مرتبط با محدودیت آزادی بیان، توازن برقرار کند.

۳) بررسی روند فعلی ثبت تمام سیم‌کارت‌های موبایل توسط سازمان‌های دولتی مربوطه، به منظور تسهیل پیگیری کاربران جعلی رسانه‌های اجتماعی که روایت‌های افراط‌گرانه را در فضای آنلاین ترویج می‌کنند. به این منظور، همکاری‌های بیشتر و هماهنگی‌های بهتری باید میان دولت افغانستان و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در افغانستان انجام پذیرد.

۴) به‌کارگیری طرح‌های فوری و هماهنگ برای مقابله با روایت‌های افراط‌گرایانه قومی و قطب‌بندی‌های سیاسی که در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهور ۲۰۱۴ شدت گرفت. این طرح‌ها باید دو ائتلاف سیاسی را که حکومت وحدت ملی را در سپتامبر سال ۲۰۱۴ تشکیل دادند، و همچنین گروه‌های جامعه مدنی و رسانه‌های افغانستان را در بر بگیرد.

به جامعه بین‌المللی:

۱) پشتیبانی از دولت افغانستان در تدوین سیاست مقابله با افراط‌گرایی از طریق: ۱. به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌های سیاست‌های افراط‌زدایی در جوامع شکننده و جنگ‌زده مانند افغانستان؛ ۲. رایه مشورت در رابطه با بهترین روش مقابله با افراط‌گرایی در فضای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، بدون به‌خطرانداختن آزادی بیان شهروندان.

۲) حمایت از تحقیقات آینده در رابطه با جنبه‌های خاص تر فرایندهای افراط‌گرایی در افغانستان. این جنبه‌ها هم شامل تاثیر روایت‌ها در سطح کلان توسط گروه‌های اصلی افراط‌گرا و هم فرایندهای سطح خرد مانند استخدام افراد، به‌ویژه جوانان، توسط این گروه‌ها می‌باشد.

۳) پشتیبانی از طرح‌های افراد مستقل و جامعه مدنی باهدف مقابله با افراط‌گرایی و افزایش هم‌گرایی میان گروه‌های مذهبی و قومی در افغانستان. به‌طور خاص‌تر، در نظر گرفتن حمایت از طرح‌هایی که می‌توانند به‌عنوان پلی میان گروه‌های فعالان اسلام‌گرا و سازمان‌های سکولارتر جامعه مدنی عمل کنند.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، افغانستان گسترش چشمگیری در شبکه‌های اجتماعی را تجربه کرده است. افزایش امکان دسترسی به اینترنت در سراسر کشور، فضای جدید و روش‌های تازه‌ای برای برقراری ارتباط و اتصال با یکدیگر و جهان خارج و بیان دیدگاه‌های خود در رابطه با طیف گسترده‌ای از مسایل اجتماعی، سیاسی، و امنیتی فراهم آورده است. طبیعت شخصی و فوری بودن ارتباطات اینترنتی به‌طورکل، و رسانه‌های اجتماعی به‌طور خاص، به‌احتمال زیاد پیامدهای گسترده‌ای برای آینده‌ امور سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور دارد. در رابطه با اقتدارگرایی، برخی از محققان تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی مدرن را یک پتانسیل‌رهای بخش می‌بینند که «می‌تواند آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را گسترش بدهد»^۱. صفحات اینترنتی مانند فیسبوک و تویتر، می‌توانند گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده اجتماعی و سیاسی، مانند جوان و زنان را توانمند ساخته و جامعه را در معرض نیروهای قدرتمند جهانی‌سازی قرار بدهد. گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن، همچنین می‌تواند خطرات قابل ملاحظه اجتماعی، سیاسی و امنیتی با خود داشته باشد؛ هم‌چنان که به‌کارگیری این تکنولوژی‌های ارتباطی توسط گروه‌های افراط‌گرا و ستیزه‌جو مانند طالبان و داعش نشان می‌دهد.

1. Larry Diamond, 'Liberation of Technology', Journal of Democracy, 2010, Volume 21, Issue 3, Pages 69-83

این مقاله نقش رسانه‌های اجتماعی را در فرایندهای افراط‌گرایی در افغانستان نشان می‌دهد. تمرکز آن به‌طور خاص بر نقش رسانه‌های اجتماعی در بیان و انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و افراطی در افغانستان است. این مطالعه به ویژگی‌های شخصی‌سازی و تعاملی تکنولوژی‌های شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه به‌عنوان ابزارهای ارتباطی پرداخته و این سوال را مطرح می‌کند که آیا/چگونه این ویژگی‌ها به ترویج و پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی و خشونت‌آمیز می‌پردازد. علاوه بر تکنولوژی‌های مبتنی بر اینترنت، این تحقیق همچنین محتویات نمونه‌هایی از سرودهای طالبان را مورد بررسی قرار داده است که کارکرد ارتباطی قابل‌توجهی به‌عنوان زنگ موبایل در برخی نقاط افغانستان دارد. در حالی که این تحقیق رویکرد گسترده‌ای به‌سمت افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند سیاسی و اجتماعی ارتباطی دارد، تمرکز ویژه آن بر گروه‌های افراطی الهام‌گرفته از مذهب است.

این مقاله به پنج بخش تقسیم شده است. اولین بحث در رابطه با چارچوب مفهومی این تحقیق، توضیح می‌دهد که چگونه ممکن است رسانه‌های اجتماعی به رشد افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند اجتماعی کمک کند. در بخش دوم، روش‌های تحقیق به‌کار گرفته شده در این مطالعه معرفی شده‌اند. در بخش سوم، نمونه‌هایی از محتویات رسانه‌های اجتماعی در افغانستان و سرودهای طالبان که به‌عنوان زنگ موبایل کاربرد دارند، تجزیه و تحلیل شده‌اند. بخش چهارم شواهد و تصورات عمومی از نقش رسانه‌های اجتماعی بر افراط‌گرایی در افغانستان را مورد بحث قرار می‌دهد. و بخش نهایی، یافته‌های اصلی این تحقیق را با چند نکته اصلی پایانی بازبینی می‌کند.

۲. چارچوب مفهومی: رسانه‌های اجتماعی و افراط‌گرایی

این پژوهش با تایید این که تعریف دقیق رسانه‌های اجتماعی هم‌چنان مورد بحث قرار دارد^۱، پایگاه‌های تکنولوژیک را که برای تسهیل روابط اجتماعی از طریق ارتباطات شخصی و به‌اشتراک‌گذاری و توزیع اطلاعات طراحی شده‌اند به‌عنوان ابزارهای رسانه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. علاوه بر صفحات اینترنتی مانند فیسبوک، گوگل پلاس، توئیتر، یوتیوب و اینستاگرام، اصطلاح «رسانه اجتماعی» در این مطالعه، برای اشاره به تکنولوژی‌های موبایل، مانند زنگ موبایل و بلوتوث نیز استفاده شده است؛ چراکه در افغانستان آن‌ها نیز مانند رسانه‌های اجتماعی، برای به‌اشتراک‌گذاشتن اطلاعات و مضمون‌های مختلف کاربرد دارند. تمرکز این تحقیق بر محتوای سرودهای طالبان است که در سال‌های اخیر به‌عنوان زنگ موبایل مورد استفاده

1. Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayesa, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

قرار گرفته و از طریق بلوتوث به اشتراک گذاشته می‌شوند که آن‌ها را به‌عنوان رسانه‌ای مهم و جایگزین برای برقراری ارتباطات و به اشتراک‌گذاری تبدیل می‌کند. یوتیوب، تویتر، فیسبوک و غیره، بیشتر توسط گروه‌های شهری و تحصیلکرده‌تر استفاده می‌شوند، در حالی که آهنگ زنگ و بلوتوث اغلب برای گروه‌های اجتماعی کاربرد دارد که دسترسی محدودی به موبایل‌های پیشرفته و اینترنت دارند. آهنگ زنگ و بلوتوث، به‌طور خاص برای گروه‌های اجتماعی همواره در حرکت، مانند مسافران دایمی و راننده‌ها کاربرد دارند و در بسیاری از بخش‌های افغانستان ابزارهای مهم ارتباطی در نظر گرفته می‌شوند.

گسترش اخیر دسترسی به تکنولوژی‌های مدرن و اینترنت، یک «فضای مجازی» جدید برای مردم کشور برای بیان دیدگاه‌هایشان و برقراری ارتباط با یکدیگر و سایر نقاط جهان فراهم می‌آورد. در سال ۲۰۰۱، این کشور دارای ۱۵۰۰۰ تلفن آنالوگ بود که تنها برای ۳ درصد از جمعیت کشور قابل دسترس بود. تا پایان سال ۲۰۱۴، به‌گفته وزارت مخابرات افغانستان، ۲۳،۲۱ میلیون کاربر موبایل در این کشور وجود داشت و ۳ میلیون نفر (حدود ۱۰ درصد از کل جمعیت) به اینترنت دسترسی داشتند که شامل ۶۹۷۰۰۰ کاربر مشترک خدمات 3G می‌شد.^۱ با گسترش بیشتر خدمات موبایل 3G در سال ۲۰۱۵، احتمال دارد که تعداد کاربران اینترنت افزایش بیشتری داشته باشد.

بازار رسانه‌های اجتماعی روبه‌گسترش در افغانستان، تحت سلطه فیسبوک قرار دارد. مطالعه اخیر توسط GIZ، آژانس توسعه بین‌المللی آلمانی، تخمین زده است که در کابل و شش ولایت شمالی تحت پوشش این مطالعه، ۸۷،۸ درصد کاربران دارای پروفایل‌های فیسبوک هستند که این رقم با ۱۲،۹ درصد در گوگل پلاس، ۵،۸ درصد در یوتیوب و ۳،۸ درصد در تویتر دنبال می‌شود.^۲ این مطالعه همچنین جنبه‌های دیگری در مورد پروفایل کاربران فعال عادی رسانه‌های اجتماعی در کشور نشان می‌دهد. از گروه نمونه تحت پوشش این مطالعه، ۹،۶۷ درصد درجه دانشگاهی داشتند و ۶۲،۱ درصد انگلیسی صحبت می‌کردند. بعلاوه اکثریت کاربران، کارمند (۶۳،۴ درصد) و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها دانش‌آموز (۲۱،۶ درصد) بودند. یک مساله مهم این بود که رایج‌ترین زبان ارتباطی، زبان انگلیسی بود با ۶۲،۱ درصد، و زبان‌های فارسی (۳۰،۱ درصد) و پشتو (۳،۳ درصد) در ادامه قرار داشتند.^۳ اگرچه رقم کلی کاربران رسانه‌های اجتماعی همچنان در

1. Telecom Sector's Recent Achievements, Official Website of the Ministry of Telecommunication and Information Technology (MCIT), <http://mctit.gov.af/en/page/4876/6005>, Accessed on October 27, 2015

2. Social Media in Afghanistan: Measuring the Usage & Perceptions of the Afghan Population, GIZ, Kabul, 2014, http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social_Media_251114.pdf

3. Ibid

اقلیت است (حدود ۹ درصد از جمعیت)، به احتمال زیاد، کاربران فعال، افرادی تحصیل کرده، به لحاظ سیاسی آگاه، و اشخاصی با زندگی اجتماعی فعال و ظرفیت بیشتر برای شکل دادن به عقاید سایر اعضای جامعه هستند.

در نتیجه، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان واسطه‌های ارتباطی عمده، ابزاری برای بسیج اجتماعی و سیاسی نیز هستند. برای مثال، در ماه مارچ ۲۰۱۵، زنی جوان به‌نام فرخنده پس از درگیری لفظی با یک مقام مذهبی مسجد شاه دو شمشیره، در مرکز کابل، اعدام بدون محاکمه شد. مرگ او تقریباً بلافاصله توسط برخی از مقامات دولتی در رسانه‌های اجتماعی توجیه شد. اما یک روز بعد، و پس از روشن شدن جزئیات مرگ او، صدها شهروند به نشانه اعتراض به خیابان‌های کابل ریختند که شامل تعداد زیادی از زنان می‌شد. سرعت این بسیج نسبتاً غیرمعمول، و نقش زنان و مقامات دولتی در گفتمان‌های فیسبوک‌محور در رابطه با این موضوع، نشان می‌دهد که تاثیر رسانه‌های اجتماعی در این رویداد، قابل توجه بوده است. به‌طور مشابه، در طول انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴، رسانه‌های اجتماعی برای نخستین بار نقش مهمی را به‌عنوان مکان مجازی مبارزات انتخاباتی و بحث‌های داغ میان حامیان نامزدان پیشرو داشتند.

رونق چشمگیر رسانه‌های اجتماعی در افغانستان، با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. برخی به تاثیر توانمندسازی رسانه‌های اجتماعی برای گروه‌های اجتماعی به حاشیه رانده‌شده مانند جوانان و زنان اشاره داشته‌اند.^۱ دیگران، نگرانی‌های خود را در مورد تاثیرات منفی اجتماعی و سیاسی فضای مجازی ابراز کرده‌اند که مهم‌ترین آن بهره‌برداری گروه‌های افراطی و شبه‌نظامی است. ما در این مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی را در بیان و انتشار ایدئولوژی‌ها و روایت‌های خشونت‌آمیز در افغانستان بررسی می‌کنیم. این مقاله با ارایه تصویری کلی از بحث‌های جاری در این زمینه آغاز شده و رویکرد خود نسبت به افراط‌گرایی و رسانه‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد.

۲.۱. افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند ارتباطی

واژه «افراط‌گرا» برای توصیف گروهی از افراد، و واژه «افراط‌گرایی» برای توصیف روندی استفاده می‌شود که افراد به‌عنوان موضوع آن در نظر گرفته می‌شوند. چنین کاربردی می‌تواند معانی و پیامدهای بالقوه

1. Joshi Herrmann, How Social Media is Empowering Young Afghan Women: The Facebook Effect, The Independent, February 10, 2015, <http://www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/features/how-social-media-is-empowering-young-afghan-women-the-facebook-effect-10375022.html>

جنجال‌برانگیزی را به‌همراه داشته باشد.¹ در دوران پس از حملات تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، این عبارت به کلمه راهنما در مطالعات تروریسم و سیاست‌های مبارزه با تروریسم با تمرکز بر گروه‌ها و افراد اسلام‌گرای افراطی تبدیل شد. طبق گفته‌های کوندنانی^۲، در جوامع غربی «مفهوم افراط‌گرایی به مهم‌ترین مشخصه «جنگ با ترور» در سال‌های اخیر تبدیل شده و چشم‌انداز جدیدی برای مشاهده اقلیت‌های مسلمان فراهم آورده است». چنین استفاده‌ی انحصاری از این مفهوم برای گروه‌های نظامی خاص اسلام‌گرا، می‌تواند بالقوه درک از فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری که افراد و گروه‌ها را به سمت ایدئولوژی‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌کشاند محدود کند.

باتوجه به آنچه گفته شد، افراط‌گرایی را می‌توان برای توصیف تمایلات رفتاری و ایدئولوژی‌های متعدد در سراسر جهان به کار برد که مشخصه آن‌ها تغییرات به سمت عدم‌رواداری و سطوح مختلفی از تمایل به خشونت است. در این تحقیق، افراط‌گرایی به‌عنوان تغییرات رفتاری و ایدئولوژیکی فعال در نظر گرفته شده است که در روابط میان افراد و گروه‌ها و در رقابت و تعامل با یکدیگر و محیط اجتماعی و سیاسی‌شان رخ می‌دهد. در نتیجه، تاکید این مقاله بر ابعاد درون‌گروهی افراط‌گرایی است و قسماً از کارهای دلا پورتا^۳ برای بررسی افراط‌گرایی به‌عنوان یک «فرایند ارتباطی» که بر چگونگی نگرش افراد و گروه‌ها به یکدیگر تاثیر می‌گذارد، استفاده شده است. افراط‌گرایی یک «فرایند ارتباطی» است، چراکه همیشه حداقل دو عامل، در نوعی از «روابط ناسازگار» در آن دخیل هستند. بنابراین، افراط‌گرایی به‌عنوان توصیفی از «روابط ناسازگار»، زمانی رخ می‌دهد که طرف‌های درگیر، به‌شکلی فزاینده نسبت به یکدیگر ناپردبار و متعصب شده، رویکردهایی غیر قابل انعطاف را توسعه داده، و برای دفاع از موضع خودشان آماده انجام رفتارهای خشونت‌آمیز باشند.

در این رهیافت گسترده، تمامی اشکال گروه‌ها و کنش‌گران - شامل بازیگران دولتی و غیردولتی، چپ، لیبرال، محافظه‌کار و همچنین گروه‌های سکولار و مذهبی - ممکن است افراط‌گرایی را در روابط و تعاملات خود با یکدیگر و محیط سیاسی و اجتماعی گسترده‌ترشان تجربه کنند. یک برداشت کلیدی از این

1. Peter R. Neumann, *The Trouble with Radicalization*, Chatham House, July 2013, <https://www.chathamhouse.org/publications/ia/archive/view/193091>

2. Arun Kundnani, 'Radicalization: The Journey of a Concept', *Race & Class*, 2012, <http://rac.sagepub.com/content/54/2/3.short?rss=1&ssource=mfr>

3. Della Porta, 'Guest Editorial: Processes of Radicalization and De-Radicalization', *International Journal of Conflict and Violence*, 2012, <http://ijcv.uni-bielefeld.de/index.php/ijcv/article/view/266>

رویکرد، این است که گروه‌های تندرو با انگیزه‌های مذهبی، تنها یکی از انواع این پدیده‌اند؛ اگرچه این گروه‌ها موضوع عمده مباحث سیاسی و دانشگاهی جاری هستند. بنابراین، در حالی که تمرکز ما بر جریان‌های افراط‌گرایی است که ادعا می‌کنند انگیزه‌های دینی دارند، تعریفی که ما پذیرفته‌ایم می‌تواند به دیگر گروه‌هایی که انگیزه‌هایشان از دیگر انواع جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها برخاسته است نیز توسعه یابد.

فرایندها و مسیرهای مشخصی که منتهی به افراط‌گرایی می‌شوند، هنوز مورد بحث و بررسی قرار دارند. باین‌وجود، افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند، مستلزم برخی از ویژگی‌های مشترک فراگیر است. این فرایند با «تغییری شناختی» آغاز می‌شود که به معنای جذب افراد و گروه‌ها به دیدگاه‌های افراطی، ناروادار و خشن است که می‌تواند به تغییراتی رفتاری بینجامد که مشخصه آن گرایش به سمت روش‌ها و استراتژی‌های خشن است. به عبارت دیگر، این فرایند با تغییر در پندار (تغییر عقیده) آغاز شده، با تغییر در گفتار (بیان و تبلیغات) ادامه یافته و ممکن است به کردار (رفتارهای خشونت‌آمیز) ختم شود. برای مثال، افراط‌گرایی در میان دانشجویان افغانستان با تغییر مباحث معمول دانشگاهی در کلاس درس به سوی انواع فعالیت‌ها و اعتراضات به‌عنوان گروه‌های دانشجویی در تعامل با یکدیگر، اعضای هیات مدیره و هیات عملی دانشگاه، و محیط اجتماعی و سیاسی وسیع‌تر در کشور توصیف می‌شود.¹

افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند، در سه سطح اتفاق می‌افتد: فرد، گروه، توده‌ها. این سطوح مختلف افراط‌گرایی، در ترکیب با یکدیگر هر می‌را تشکیل می‌دهند که در قسمت پایین آن ممکن است گروه‌ها و افراد زیادی با پندار، به‌معنای اعتقادات و احساس مشترک وجود داشته باشند، اما تعداد نسبتاً اندکی از آن‌ها به رأس هرم می‌رسند؛ جایی که آن‌ها آمادگی اقدامات لازم برای حمایت از اعتقادات مشترکشان را پیدا می‌کنند. از این‌رو، جنبه‌های کردار و پندار افراط‌گرایی راس و پایه هرم را تشکیل می‌دهند و تعداد زیادی از گروه‌ها و افراد در بخش میانی قرار دارند که افراط‌گرایی را در سطح گفتار یا تنها واژه‌ها تجربه می‌کنند. نکته اصلی آنجاست که افراط‌گرایی یک خصوصیت ذاتی، ضروری و دایمی در افراد و گروه‌ها نیست و آن‌ها ممکن است از طریق تعاملات با محیط اطرافشان، افراط‌گرا یا غیرافراط‌گرا شوند و به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دیگر گروه‌ها واکنش نشان بدهند.

بنابراین، سوال اصلی این است که چه چیزی افراد را برای حرکت از پایه هرم تا راس آن، یعنی حرکت

1. Robert Zaman & Abdul Ahad Mohammadi, Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan, Afghan Institute for Strategic Studies, Kabul, 2014, <http://www.aiss.af/wp-content/uploads/2015/09/English-version-Trends-in-Radicalization-across-Unregistered-Madrassas-in-Afghanistan.pdf>

از پندار افراطی به کردار افراطی، برمی‌انگیزد. مک کالی و موسکالینکو^۱ تعدادی از مکانیسم‌هایی که در زمان این حرکت تاثیرگذار هستند را نشان می‌دهند:

جدول ۱: سطوح و مکانیسم‌های منشأ افراط‌گرایی: مک کالی و موسکالینکو، ۲۰۰۸

مکانیسم‌ها	سطح افراط‌گرایی
۱. قربانی‌سازی شخصی	فرد
۲. نارضایتی‌های سیاسی	
۳. پیوستن به یک گروه رادیکال - شیب لغزنده	
۴. یک گروه رادیکال - قدرت عشق	
۵. حداکثر تغییر در گروه‌های هم‌فکر	گروه
۶. حداکثر انسجام تحت انزوا و تهدید	
۷. رقابت برای حفظ پایگاه پشتیبانی	
۸. رقابت با تراکم قدرت دولت	
۹. رقابت‌های درون گروهی	توده‌ها
۱۰. سیاست جوجیتسو	
۱۱. نفرت	
۱۲. شهادت	

در سطح ابتدایی، افراط‌گرایی احساس قربانی شدن و نارضایتی سیاسی در پی دارد که تصور می‌شود افراد و گروه‌های دیگر مسئول آن باشند. بالقوه گی (دینامیک) این روند زمانی تغییر می‌کند که افراد به گروه‌های افراطی می‌پیوندند یا گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهند. زمانی که گروه‌ها شکل می‌گیرند، بالقوه گی‌های (دینامیک‌های) جدیدی روند افراط‌گرایی را پیش می‌برند. عضویت در گروه بخشی از هویت اعضا و منبع عشق و احساس تعلق جمعی می‌شود. گروه‌ها بر اعضا برای هم‌نوایی و پیروی از هنجارها و آرمان‌های آن و غلبه بر رقابت‌ها و شکاف‌های داخلی فشار می‌آورند. ظاهراً گروه‌ها ممکن است در واکنش به تهدیدات از سوی دولت یا کنش‌گران دیگر نیز به افراط‌گرایی رو بیاورند. گاهی همچنین ممکن است در سیاست مبارزه «جوجیتسو» درگیر شوند که براساس آن، گاهی عمدتاً واکنشی از سوی دولت برمی‌انگیزند که در بخش‌های وسیعی از جامعه مخالفانی داشته باشد و در نتیجه تعداد هواداران و طرفداران گروه را افزایش می‌دهند. گروه‌ها در افراطی‌ترین حالت آن، نسبت به ایدئولوژی‌های نفرت و از خودگذشتگی پذیرا هستند؛ همان‌طور که افزایش اخیر در حملات انتحاری توسط بسیاری افراد گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، القاعده و داعش

1. Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>

نشان داده است.

در شرایط افغانستان، ترکیب‌های مختلفی از این مکانیسم‌ها می‌تواند در موج جدیدی از افراط‌گرایی و خشونت‌های افراطی که پس از حمله به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۱ رخ داد، به کار گرفته شود. این تحقیق در درجه اول متمرکز بر گفتار و جنبه استدلالی افراط‌گرایی و بیان روایت‌های گسترده استراتژیک شامل بررسی نارضایتی‌ها و مشکلات و نیز اقدامات پیشنهادی از جمله افراطی‌ترین اشکال رفتارهای رادیکال مانند حملات انتحاری می‌شود. روایت‌های استراتژیکی که ایدئولوژی‌های با انگیزه مذهبی را با نارضایتی‌ها و سرخوردگی‌های شخصی و جمعی نسبت به دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش ترکیب می‌کنند، برای تجدیدقوای نیروهای شبه‌نظامی در افغانستان پس از ۲۰۰۱ و توانایی آن‌ها برای حفظ یک پایگاه پشتیبانی اهمیت مرکزی دارند. همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، در این مقاله میان گفتار و کردار افراط‌گرایانه تمایزی وجود دارد. کردار افراطی با شورش‌های مسلحانه گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، شبکه حقانی و جناح مبارز حزب اسلامی در برابر دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین‌المللی‌اش نشان داده شده است. در سطح گفتار، افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند، توسط روایت‌های سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیک بیان شده توسط دیگر گروه‌ها و اشخاصی که در شورش‌های مسلحانه شرکت ندارند، تسهیل می‌شود.

جدول ۲: سطوح و ویژگی‌های افراط‌گرایی در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱

ویژگی‌های رفتارها و روایت‌های افراط‌گرایانه	درجه‌های افراط‌گرایی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ مخالفت ایدئولوژیکی با روندهای سیاسی صلح‌آمیز و دموکراتیک مدرج در قانون اساسی ۲۰۰۴ ✓ روایت‌هایی از قربانی شدن مردم افغانستان توسط نیروهای نظامی بین‌المللی و دولت افغانستان ✓ آمادگی‌های رفتاری برای انجام اقدامات خشونت‌آمیز و خراب‌کارانه برای براندازی نظم سیاسی در کشور ✓ عدم رواداری نسبت به وجود و ابراز دیدگاه‌های جایگزین توسط دیگر گروه‌های اجتماعی و سیاسی که روایت‌های شورشیان را به اشتراک نمی‌گذارند. 	<p>گفتار افراطی (گسترش و تبیین یک ایدئولوژی افراطی)</p> <p>رفتار افراطی (آمادگی برای اقدام)</p>

در نتیجه، در راس هرم افراط‌گرایی افغانستان پس از ۲۰۰۱، طالبان، حزب اسلامی، القاعده و اخیراً داعش قرار دارند. با این حال، ممکن است دیگر گروه‌ها و افراد نیز با ترویج دیدگاه‌های خشونت‌آمیز، افراطی

و ناروادارانه و بدون دخالت مستقیم در شورش مسلحانه، به فرایند افراط‌گرایی کمک کنند. از این‌رو، افراط‌گرایی همچنین می‌تواند از کار گروه‌هایی در پایین هرم که باعث افزایش همدردی و حمایت مردم نسبت به گروه‌های ستیزه‌جو و مسلح هستند نیز بهره‌مند شود.

۲.۲. رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار سریع و فوری، تعاملی و شخصی ارتباطی

گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، مدت‌های طولانی است که تعاملات در فضای مجازی را به‌عنوان یک میدان جنگ جدید می‌بینند. در افغانستان، طالبان در بهره‌گیری از فرصتی که با گسترش دسترسی به اینترنت برای ایجاد حضور رسانه‌ای موثر و آنلاین در سال‌های اخیر فراهم آمد، سرعت عمل داشتند. ارتباطات آنلاین آن‌ها به‌حدی تاثیرگذار بود که در سال ۲۰۱۲ باوری وجود داشت که «استفاده آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی، بر نیروهای ناتو و ایالات متحده پیشی گرفته است»^۱. طالبان حتی یک «کمیسون رسانه‌ها» ایجاد کرده است که وظیفه نظارت و هماهنگی بر مبارزات اطلاعاتی آنلاین این گروه را که شامل چندین وبسایت، حساب‌های فیسبوک و تویتر، و کانال‌های یوتیوب است برعهده دارد.^۲

اخیراً گروه شبه‌نظامی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، استراتژی ارتباطی مجازی اتخاذ کرده است که به‌شکل ویژه‌ای تهاجمی و پیچیده است. براساس گزارشی در رابطه با راهبرد تهاجمی مجازی این گروه، که براساس ارزیابی داخلی توسط وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۵ انجام شده است، نتیجه‌گیری شده است که «روایت‌های خشونت‌آمیز «دولت اسلامی» - که روزانه از طریق هزاران پیام اعلام می‌شود-، به‌شکل قابل توجهی از تلاش‌های برخی از ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان «سبقت گرفته است»^۳. مرکز بوکینگز برای سیاست شرق میانه، تخمین زده است که بین ۴ اکتبر و ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴، داعش حداقل ۴۶۰۰۰ حساب در تویتر داشته است.^۴

بسیاری از ابراز نگرانی‌ها در مورد استفاده گروه‌های شبه‌نظامی از رسانه‌های اجتماعی، اغلب در انعکاس

1. Bill Gertz, Inside the Ring: Taliban infiltrate social media, The Washington Times, August 22, 2012
<http://www.washingtontimes.com/news/2012/aug/22/inside-the-ring-taliban-inflate-social-media/?page=all>

2. Bashir Ahmad Gwakh, The Taliban's Internet Strategy, Radio Free Europe Radio Liberty, September 9, 2011,
http://www.rferl.org/content/the_talibans_internet_strategy/24323901.html

3. Mark Mazzetti & Michael R. Gordon, ISIS Is Winning the Social Media War, U.S. Concludes, The New York Times, June 12, 2015, http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?_r=0

4. J. M. Berger & Jonathan Morgan, The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter, Brookings, March 2015, <http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/isis-twitter-census-berger-morgan>

ویژگی‌های خاص استراتژی‌های سایبری ستیزه‌جویان، و این‌که آیا/چگونه گروه‌های شبه‌نظامیان در بهره‌برداری از انجمن‌های مجازی بر دیگران برتری دارند، شکست می‌خورند. در حالی که ارایه تعریف دقیقی از رسانه‌های اجتماعی هم‌چنان مورد بحث قرار دارد^۱، ما بر جنبه‌های فوری، تعاملی و شخصی بودن آن به‌عنوان مجرای ارتباطات جمعی تاکید داریم. اعوان^۲ پیشنهاد می‌کند که رسانه‌های مجازی جهادی‌ها، چهار عملکرد مرتبط با یکدیگر دارند: اخبار، تبلیغات، آموزش و بیان. گروه‌های جهادی از انجمن‌های مجازی برای انتشار اخبار فعالیت‌هایشان، گسترش ایدئولوژی‌شان، و به‌اشتراک گذاشتن دستورالعمل‌های سازمانی و آموزشی‌شان استفاده می‌کنند. در نهایت، انجمن‌های آنلاین همچنین به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان غیرخسونت‌آمیز خشم و سرخوردگی نیز کاربرد دارد.

این‌گرام^۳ نیز روایت تحلیلی مشابهی از این‌که چگونه جنگ اطلاعاتی داعش ارتباط تنگاتنگ و همراستایی با فعالیت‌های سیاسی و نظامی آن دارد، فراهم می‌کند. او سه ویژگی خاص عملیات اطلاعاتی این گروه را شناسایی کرده است: اول) داعش رویکردی چندبعدی نسبت به انتشار اطلاعاتش اتخاذ کرده است تا دسترسی، ارتباط، و انعکاس خود را برای مخاطبان محلی، منطقه‌ای و جهانی به حداکثر برساند؛ دوم) جنگ اطلاعاتی گروه داعش، هماهنگی نزدیکی با اقدامات سیاسی و نظامی واقعی آن دارد؛ سوم) این عملیات اطلاعاتی به صورت استراتژیک بیانگر عمقی نمادین از روایت‌ها و اعمال گروه بوده است.^۴

به‌نظر می‌آید تمرکز بر گروه‌های ستیزه‌جویی که در تکنولوژی مهارت دارند، دیدگاه خوش‌بینانه‌تر نسبت به تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن را که از مطالعات جنبش‌های اجتماعی مترقی و صلح‌طلب ناشی می‌شود به حاشیه رانده است. برخلاف دیدگاه تاریکی که مطالعات سیاست‌های تروریسم و ضدتروریسم ارایه می‌دهند، محققان جنبش‌های اجتماعی بر کارکردهای توانمندسازی و رهایی بخش تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن تمرکز می‌کنند. برای مثال، میلان^۵ در تکنولوژی مدرن «آتش سرقت‌شده» را که پرومته از خدایان

1. Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

2. Akil N. Awan, Radicalization on the Internet? The Virtual Propagation of Jihadist Media and its Effects, RUSI, June 2007, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A46728254DE4AE/#.VhzkAuyqpHw>

3. Haroro J. Ingram, Three Traits of the Islamic State's Information Warfare, RUSI, December 2014, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A54AAAB6F80360/#.VhznIOyqpHw>

4. Ibid., p. 8

5. Stefania Milan, 'Social Movements and Their Technologies Wiring Social Change', Palgrave Macmillan, London, November 2013, <http://www.palgrave.com/page/detail/social-movements-and-their-technologies-stefania-milan/?K=9780230309180>

سرقت کرد می‌بیند که پتانسیل رهایی‌بخشی برای ایجاد «راه‌های جدید سازماندهی اجتماعی به‌منظور خلق جایگزین‌هایی برای رسانه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی موجود» دارد^۱.

چگونه می‌توان این دو دیدگاه را با هم سازگار کرد؟ یک نقطه شروع مهم این است که مکانیسم‌های غیررسمی تأثیرات اینترنت در سیاست را کشف کنیم. فارل^۲ سه نمونه از چنین مکانیسم‌های غیررسمی گسترده را شناسایی می‌کند که از طریق آن اینترنت به‌شکل گسترده‌ای به قطب‌بندی‌های سیاسی در ایالات متحده کمک می‌کند: «کاهش هزینه‌های معامله»، «طبقه بندی هم‌رنگ» (homophilous sorting)، و «مشتبه‌سازی ترجیحات». چنین مکانیسم‌هایی همچنین می‌تواند در هر دو گروه افراطی و ستیزه جو و نیز صلح طلب و مترقی به کار گرفته شود. گسترش جهانی اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن تا حد زیادی هزینه‌های تعاملات اجتماعی را پایین آورده و برقراری ارتباط با دیگران را ارزان‌تر و سریع‌تر و سازمان‌دهی را فوری کرده است. دوم، همان‌گونه که در زندگی اجتماعی به‌طور کل دیده می‌شود، در میان کاربران اینترنت تمایل به همراه‌شدن در گروه‌هایی از هم‌فکران وجود دارد. این بدان معناست که اینترنت امکان تماس با یکدیگر، و به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات و عقاید از طریق انجمن‌های آنلاین را برای افرادی که علائق مشترکی دارند آسان‌تر می‌سازد. سوم این‌که اینترنت احتمال «مشتبه‌سازی ترجیحات» را که حاکی از تمایل افراد برای پنهان کردن ترجیحات واقعی خود است کاهش می‌دهد. از آن‌جا که اینترنت انواع حوزه‌ها برای ابراز وجود و تسهیل جریان سریع‌تر اطلاعات را فراهم می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد ترجیحات اجتماعی و سیاسی حقیقی خود را بیان کنند.

۳. رویکرد روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه، ما نقش رسانه‌های اجتماعی را به‌عنوان ابزار بیان و انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی بررسی کرده‌ایم. مشخصه تمایز رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار ارتباطی، توانایی آن برای تسهیل جریان سریع، شخصی و کم‌هزینه اطلاعات است. در نتیجه، گروه‌های شبه‌نظامی و افراط‌گرا ممکن است انگیزه مهمی برای بهره‌برداری از این ویژگی‌های رسانه‌های اجتماعی برای نادیده‌گرفتن کنترل مقررات رسمی، و انتقال پیام‌هایشان به مخاطبان گسترده‌تر داشته باشند.

1 . Ibid., p. 9

2 .Henry Farrell, 'The Consequences of the Internet for Politics', Annual Reviews, 2012, <http://www.annualreviews.org/doi/full/10.1146/annurev-polisci-030810-110815>

این تحقیق در ۱۵ فروری ۲۰۱۵ آغاز شده و در ۳۱ جولای ۲۰۱۵ به پایان رسید. این مطالعه در ابتدا با یک سری از مشورت‌های فردی و گروهی با مشاوران علمی AISS و تحصیل‌کردگان، سازمان‌های جامعه مدنی و پژوهش‌گران افغانستان شروع شد. مهم‌ترین آن‌ها دو میزگردی بودند که در کابل برگزار شدند. نخستین میزگرد در ۱۵ مارچ ۲۰۱۵ در کابل برگزار شد که هدف اصلی آن، ارائه مفاهیم و روش‌های اولیه تحقیق به گروهی از کارشناسان افغان و بین‌المللی و دریافت نقطه نظرات آنان در رابطه با جهت کلی و رویکرد روش‌شناختی این تحقیق بود. نقطه نظرات و پیشنهادات ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان برای روشن‌سازی و بهبود بخشیدن به مفهوم کلی تحقیق استفاده شدند. میزگرد دوم در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵ در کابل برگزار شد. در جریان این میزگرد، تیم تحقیقاتی یافته‌های تحقیق را ارائه کرده و از شرکت‌کنندگان درخواست کردند تا با نگاهی نقادانه جنبه‌های مختلف این یافته‌ها را مورد بررسی قرار داده و نظرات بیشتری در رابطه با این که این یافته‌ها چگونه تفسیر می‌شوند ارائه دهند. تیم پروژه همچنین از این فرصت برای پرسیدن سوالاتی از شرکت‌کنندگان و تحلیل‌گران اجتماعی در رابطه با کمبودها و نقاط مبهم این تحقیق استفاده کردند.

در ابتدا، تیم تحقیق ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را در نظر گرفت، اما پس از بررسی‌های مشورتی و مصاحبه‌های آزمایشی اولیه در کابل، تصمیم گرفته شد تا به دو دلیل رویکردی کیفی برگزیده شود: اول) به عنوان اولین مطالعه از نوع خود در افغانستان، ما دریافتیم که هیچ آمار و ارقام قابل اعتمادی از کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد که ما بتوانیم نمونه‌هایی برای تحقیق خود برگزینیم. از این رو، در انتخاب یک نمونه مناسب برای مطالعه کمی، ما به مشکلات معمول در پژوهش‌های آنلاین برخوردیم که نتیجه عدم «سرشماری جمعیت» است^۱. مشکل انتخاب یک نمونه الگو در بررسی‌های اولیه ما از حساب‌های شبکه‌های اجتماعی گروه‌های افراط‌گرا آشکار شد؛ چراکه یا امکان ارتباط دادن بیشتر حساب‌ها به گروه‌های مشخص وجود ندارد یا صفحات به‌طور منظم حذف می‌شوند یا بار دیگر زیر نام‌های مختلفی ایجاد می‌گردند. دوم) ما دریافتیم که یک مطالعه کیفی اولیه می‌تواند به شناسایی گرایش‌ها و موضوعات اصلی که در نتیجه می‌توانند در مطالعات کمی مورد استفاده قرار گیرند کمک کند. در نتیجه، این مطالعه به دنبال تولید ارقام کمی جدیدی در مورد افراط‌گرایی و رسانه‌های اجتماعی در افغانستان نیست؛ بلکه هدف آن دستیابی به دو هدف

1 Jennifer Earl, 'Studying Online Activism: The Effects of Sampling Design on Findings', Mobilization, 2013, <http://www.mobilization.sdsu.edu/articleabstracts/184Earl.html>

مشخص است: نخست این که آیا/چگونه روایت‌های افراطی از طریق رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و دوم این که چگونه کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی به این روایات پاسخ می‌دهند.

ما برای دستیابی به این اهداف از روش‌های ذیل استفاده کردیم: الف. نظارت و بررسی محتوای طیف وسیعی از پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی در افغانستان ب. جمع‌آوری و تحلیل طیفی از پیام‌های ردوبدل‌شده از طریق آهنگ‌های زنگ؛ ج. ۷۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با آگاهان اصلی، شامل خبرنگاران، فعالان رسانه‌های اجتماعی، مقامات دولتی، محققان، دانشجویان و دیگر مقامات مربوطه. رئوس اصلی این روش‌ها با جزئیات بیشتری در پاراگراف‌های بعدی شرح داده شده است.

۳.۱. بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب رسانه‌های اجتماعی

بین ۱۵ فبروری ۲۰۱۵ تا ۳۱ جولای ۲۰۱۵، تیم تحقیق بر محتوای تعدادی از پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی در افغانستان نظارت کرده است. بنابر تمرکز خاص این پروژه بر محرک‌های افراط‌گرایی اسلامی، این تیم بر پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی افراد و گروه‌های الهام‌گرفته مذهبی تمرکز کرد، مانند: طالبان (فیسبوک، تویتر، یوتوب)؛ حزب اسلامی (فیسبوک، تویتر، یوتوب)؛ حزب التحریر (فیسبوک، تویتر، یوتوب)؛ جمعیت اصلاح (فیسبوک، تویتر، یوتوب)؛ و علما (پیام فیلم، راشد مسلم، خراسان طاغوت شکن (یوتوب))

تیم تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری «گلوله برفی»، با انتخاب هدفمند پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی از اشخاص و سازمان‌های فعال و برجسته آغاز کرد. لیست اولیه برای شناسایی و پیگیری پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی گروهی از دیگر سازمان‌ها و اشخاص از طریق دنبال‌کردن محتویات به‌اشتراک گذاشته‌شده و ارتباطات در انجمن‌های آنلاین مورد استفاده قرار گرفت.

فهرست ابتدایی شامل پروفایل‌های رسمی رسانه‌های اجتماعی طالبان، حزب اسلامی، جمعیت اصلاح، حزب التحریر افغانستان و تعدادی دیگر از افراد و سازمان‌های کمتر شناخته شده بود این مهم است که تاکید کنیم جناح نظامی حزب اسلامی و طالبان به‌طور فعال در شورش‌های مسلحانه علیه دولت افغانستان درگیر هستند. درمقابل، جمعیت اصلاح سازمانی است که به‌طور رسمی در دولت افغانستان ثبت شده و هیچ ارتباط شناخته‌شده‌ای با شورشیان ندارد. حزب التحریر افغانستان یک نهاد قانونی نیست اما بر تعهد خود نسبت به اقدام‌های سیاسی و اجتماعی غیرخشونت‌آمیز تاکید دارد. همان‌گونه که در ادامه نشان داده خواهد شد، اگرچه این سازمان‌ها به شکل قابل‌ملاحظه‌ای در طیف گسترده‌ای از مسایل به شمول دیدگاه شان نسبت

به شورش‌های مسلحانه تفاوت دارند، با این حال آنها همچنان در روایت‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود شباهت‌های مهمی با یکدیگر دارند.

در طی روند بررسی، مشاهده شد که چگونه این گروه‌ها و فعالان به مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری در افغانستان و خارج از آن پاسخ می‌دهند یا سکوت اختیار می‌کنند. تیم تحقیق صفحات فیسبوک، حساب‌های تویتر و کانال‌های یوتیوب گروه‌های فعال برجسته اسلام‌گرا را دنبال کرده است. این بررسی با سوال مشخص هدایت شده است. نخست، ما صفحات آنها را به طور روزمره برای شناسایی مسایل مذهبی، سیاسی یا اجتماعی یا حوادث اجتماعی که مورد بحث قرار می‌گیرند و روایت‌های ایدئولوژیک و سیاسی که طرح و تبلیغ می‌شوند، پی‌گیری کردیم. دوم، ما به این پرسش پرداختیم که آیا آنها راهکارها و استراتژی‌های خاصی را پیشنهاد می‌دهند و آیا برای مقابله با مشکلات از خشونت استفاده می‌کنند. شناسایی یک «مشکل» و پیشنهاد «اقدام» برای پاسخ دادن به آن، در تحلیل ما از روایت‌های سیاسی و ایدئولوژیک که در ادامه توصیف شده‌اند در کانون بررسی قرار دارند.

۲.۳. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پیام‌های ارتباطی منتقل‌شده توسط آهنگ‌های زنگ

در این بخش تحقیق، از نمونه‌های آهنگ‌های زنگ محبوبی که از طریق بلوتوث به اشتراک گذاشته می‌شوند، برای بررسی تفاوت میان تکنولوژی‌های گوشی‌های هوشمند پیشرفته‌تری که توسط جمعیت شهری به کار برده می‌شوند و کاربرد تکنولوژی موبایل توسط افراد روستایی یا همیشه در سفر مانند رانندگان استفاده شده است.

۳.۳. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته

برای تکمیل تجزیه و تحلیل محتویات مطالب آنلاین و آهنگ‌های زنگ، ۷۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته در شهرهای کابل، مزارشریف، هرات و جلال‌آباد انجام دادیم. این مصاحبه‌ها در طول ماه اگست و جولای ۲۰۱۵ انجام شدند و هدف آنها جمع‌آوری نمونه جامعی از برداشت‌ها و دیدگاه‌ها در رابطه با محتویات و نقش رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بود. در نتیجه، سوالات مصاحبه به گفتگوی نیمه ساختاریافته‌ای با پاسخ‌دهندگان در مورد نمونه‌ها، شواهد و چشم‌اندازهای آینده و تاثیر مطالب رسانه‌های اجتماعی آنلاین اختصاص یافت.

سوالات مصاحبه در مشورت با مشاوران علمی AISS طرح شده بودند و پیش از آن که به پژوهش‌گران

ساحوی AISS فرستاده شوند، در ۱۰ مصاحبه اولیه در کابل و جلال‌آباد آزمایش شده بودند. پاسخ‌دهندگان از میان کاربران فعال شناخته‌شده رسانه‌های اجتماعی، مقامات دولت افغانستان، دانشگاهیان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالان جامعه مدنی انتخاب شده بودند.

۴. یافته‌های مطالعه

۴.۱. اهداف و تاکتیک‌های گروه‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی شناسایی شدند.

به‌طورکل، گروه‌ها و افراد، رسانه‌های اجتماعی را به دو شیوه مورد استفاده قرار می‌دهند: اول) آن‌ها از رسانه‌های اجتماعی برای توزیع و به‌اشتراک‌گذاری موادی از منابع قدیمی‌تر آنلاین مانند وبسایت‌ها که توسط گروه‌های سازمان‌یافته اداره می‌شوند استفاده می‌کنند. مقالات و تفسیرهای منتشرشده توسط فعالان و وبسایت‌های گروه‌های شبه‌نظامی از طریق پروفایل‌های رسمی آن سازمان‌ها در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شوند. دوم) اعضای این سازمان‌ها، اغلب اظهارنظرهای شخصی خود را نیز شامل می‌کنند. پیگیری گروه اول ساده‌تر است؛ چراکه آن‌ها دیدگاه‌ها و مواضع سازمان‌ها را به‌شکلی منظم ارایه می‌دهند. با این حال، به نظر می‌آید به‌اشتراک‌گذاری مطالب آنلاین توسط اعضا یا هواداران، تاثیر دوجانبه‌ای داشته باشد: از یک سو، باعث می‌شود تا آن مطالب در دسترس مخاطبان گسترده‌تری قرار داده شود؛ اما از سوی دیگر، نشان‌دهنده هوادارانی است که تعهد ضعیف یا اندکی با سازمان‌های اصلی دارند. برای منظور این مطالعه، این امر می‌تواند بدان معنا باشد که تعداد قابل‌توجهی از کاربران رسانه‌های اجتماعی ممکن است گاهی اوقات برخی از مطالب سازمان‌های ستیزه‌جو را بدون تعهد فعال و طولانی‌مدت به اهداف گسترده‌تر و ایدئولوژی‌های آنان به اشتراک بگذارند.

در نتیجه، مهم است که تمایزی میان اهداف و انگیزه‌های سازمان‌های شبه‌نظامی و فعالان و سازمان‌های صلح‌طلب در استفاده‌هایشان از رسانه‌های اجتماعی قایل باشیم. گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، از رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های نظامی و سیاسی‌شان استفاده می‌کنند در حالی که سازمان‌های صلح‌طلبی مانند جمعیت اصلاح، رسانه‌های اجتماعی را به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های خود برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی صلح‌آمیز به‌کار می‌گیرند. در مجموع، یافته‌های این تحقیق حاکی است که گروه‌های شبه‌نظامی، رسانه‌های اجتماعی را برای طیف گسترده‌ای از اهداف، شامل انتشار خبرهای مبارزات سیاسی و نظامی، تضعیف روحیه و مشروعیت‌زدایی از دولت افغانستان و دیگر رقبای غیردولتی، تجلیل از جهاد و مجاهدین، و انتشار روایت‌هایی از قربانی شدن مسلمان‌ها به‌طورکل و مردم افغانستان به

طور خاص استفاده می‌کنند.

شیوه‌ها و اهدافی که این گروه‌های شبه‌نظامی رسانه‌های اجتماعی را به کار می‌برند، در طول اشغال شهر شمالی قندوز توسط طالبان، در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵، آشکارتر شد. بیش‌تر از یک هفته قبل از حمله، طالبان از رسانه‌های اجتماعی برای پخش اخبار یک «پیروزی بزرگ» و یک «غافل‌گیری» بزرگ استفاده می‌کردند. برطبق گزارش‌ها، پس از آن‌که طالبان کنترل شهر را به دست گرفتند، یکی از فرماندهان طالبان از رسانه‌های اجتماعی برای صدور دستورالعمل‌ها در رابطه با اشغال بیمارستان‌ها در این منطقه به زیردستانش استفاده کرده بود.^۱ اخبار سقوط شهر نیز در ابتدا از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. شبه‌نظامیان طالبان عکس‌های سلفی خود با داکتران بیمارستان‌های شهر و در میدان‌ها و ساختمان‌های بزرگ منتشر کردند. اخبار سقوط شهر فوراً با عکس‌های منتشر شده، از طریق رسانه‌های اجتماعی در کشور پخش شد و غلبه طالبان بر یک مرکز مهم را برای جمعیت شهری این کشور تبدیل به یک حقیقت کرد.^۲ انتشار جهانی عکس‌ها و متن‌های مربوط به فروپاشی یک شهر بزرگ افغانستان، نقش مهمی در انتقال مواد منبع اولیه مرتبط با این رویداد داشت. اخبار سقوط قندوز با پیام‌های فوری از طریق رسانه‌های اجتماعی گسترش یافته و برای جمعیت شهری این کشور ثابت شد که سقوط مراکز اصلی این شهر به دست طالبان، یک حقیقت بوده است.

1. Borhan Osman, The Fall of Kunduz: What does this tell us about the strength of post-Omar Taliban?, Afghanistan Analysts Network, September 30, 2015, <https://www.afghanistan-analysts.org/the-fall-of-kunduz-what-does-it-tell-us-about-the-strength-of-the-post-omar-taliban/>

/

۲. آصف معروف، جبهه جنگ تبلیغاتی طالبان، بی‌بی‌سی فارسی، ۲ اکتبر، ۲۰۱۵: http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002_taliban_propaganda_war_asif_marroof



تصویر ۱: یک توییت پست شده توسط ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در رابطه با اشغال شهر قندوز توسط طالبان

همچنین یافته های تحقیق نشان میدهد که گروه های شبه نظامی از تاکتیک های خاصی در مبارزات خود در شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. این تاکتیک ها شامل استفاده از کلیشه های جنسیتی، ایجاد حساب های ناشناس متعدد، و به رسمیت شناسی فردی برای مشارکت اعضا در عملیات های نظامی می شود. مشخص شد که گروه های شبه نظامی (در بخش سرودهای طالبان ببینید) بر ویژگی های کلیشه ای مردانه ای مانند شجاعت و فداکاری به هدف استخدام نیرو استفاده کرده و کسانی که پیوستن به صفوف آنها را رد می کنند به صفت های کلیشه ای زنانه مانند بزدلی ارتباط می دهند. در مقابل، گروه های غیرستیزه جو مانند جمعیت اصلاح، بیشتر نگران تاثیرات فرهنگی سکولار و غربی هستند که ممکن است روابط جنسیتی را در کشور تغییر بدهند (زیر عنوان «نگرانی های اجتماعی فرهنگی» ببینید).

در سراسر این تحقیق (هم در بررسی حساب های شبکه های اجتماعی و هم در مصاحبه ها)، معلوم شد که شبه نظامیان و نیز گروه های غیرستیزه جو به طور گسترده ای از ناشناس بودن به عنوان یک تاکتیک استفاده کرده اند. حساب های ناشناس که توسط پاسخ دهندگان به عنوان حساب های «جعلی» نیز توصیف شدند، عمدتاً به دو صورت هستند. اول) کاربر حسابی تحت یک نام معمولی و بدون عکس ها یا دیگر اطلاعات شخصی ایجاد می کند. دوم) بسیاری از کاربران از عناوین عمومی و به طور شخصی غیر قابل شناسایی

استفاده می‌کند؛ مانند صفحه فیسبوکی «خواهران مسلمان»^۱ که پیام‌های اسلامی با تمرکز خاص بر آنچه کاربران به‌عنوان یک زن مسلمان ایده‌آل می‌بینند منتشر می‌کند. نمونه‌های دیگری از این حساب‌ها «تنظیم اسلامی زنان افغانستان»^۲ یا «مجاهد افغان»^۳ هستند. برخی از حساب‌ها، از عناوینی استفاده می‌کنند که در واقع اظهارنظرهای ایدئولوژیک هستند؛ مانند صفحه فیسبوک «دموکراسی نظام کفری» که ظاهراً توسط حامیان حزب التحریر در افغانستان اداره می‌شود.^۴ در سپتامبر ۲۰۱۵، زمانی که این تحقیق در حال پایان‌یافتن بود، ناشناس ماندن به‌عنوان تاکتیکی در رسانه‌های اجتماعی به‌اندازه‌ای رایج بود که تعدادی از سیاستمداران افغانستان گفته بودند که بازیگران خارجی به منافع ملی افغانستان صدمه می‌زنند. یکی از سناتوران ادعا کرد که ۸۰۰۰ حساب جعلی به‌منظور ترویج تفرقه‌افکنی و درگیری‌های قومی و مذهبی در افغانستان ایجاد شده است.^۵



تصویر ۲: یک حساب جعلی فیسبوک به نام «دموکراسی نظامی کفری» که بیان می‌کند جنگ ایالات متحده علیه اسلام است نه تروریسم

تاکتیک سوم مهم مربوط به استفاده از ویژگی‌های رسانه‌های اجتماعی مانند اشتراک‌گذاری عکس‌های اعضای برجسته یا کسانی که در نبرد با نیروهای امنیتی افغان و بین‌المللی کشته می‌شوند با گزارش‌های

۱. خواهر مسلمان، صفحه فیسبوک، دیده شده در ۶ اکتبر، ۲۰۱۵

۲. تنظیم اسلامی زنان افغانستان، صفحه فیسبوک، دیده شده در ۶ اکتبر، ۲۰۱۵

۳. مجاهد افغان، صفحه تویتر، <https://twitter.com/mujahidafghan>، دیده شده در ۶ اکتبر، ۲۰۱۵

۴. دموکراسی نظام کفری، صفحه فیسبوک، دیده شده در ۲۲ جولای، ۲۰۱۵

۵. نداء، مخالفان با ایجاد صفحات جعلی در فیسبوک میان افغان‌ها تفرقه‌اندازی می‌کنند، رادیو آزادی، ۷ اکتبر، ۲۰۱۵:

<http://da.azadiradio.org/content/article/27292802.html>

فوری، به منظور به رسمیت سناساندن آن‌ها به عنوان قهرمان است (به مورد عظیم خان در ادامه ببینید). درحالی که فرایند انگیزه‌بخشی به افراد برای پیوستن به گروه‌های شبه‌نظامی شامل عوامل شخصی و اجتماعی متعددی می‌شود، معرفی شخصی و به رسمیت شناختن قهرمانان و ارزش قایل شدن برای فداکاری اعضا، به معنای ایجاد نقش نمونه ای است که دیگر اعضا می‌توانند به شیوه‌ای شخصی با آن رابطه برقرار کنند.

۲.۴. روایت‌های اصلی که از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بیان می‌شوند.

نقش رسانه‌های اجتماعی محدود به جنگ اطلاعاتی در جریان یک واقعه مشخص از درگیری‌های مسلحانه مانند اشغال قندوز توسط طالبان در ۲۸ سپتامبر، نمی‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی است که رسانه‌های اجتماعی برای بیان روایت‌های گسترده سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی فرهنگی نیز استفاده می‌شود که حمایت اخلاقی و توجیه سیاسی مورد نیاز را برای شورش و دیگر اشکال خشونت فراهم می‌کند. در بررسی این روایت‌های گسترده، شباهت‌ها و تفاوت‌های مهمی میان گروه‌های اسلام‌گرای صلح‌طلب و ستیزه‌جو مشاهده شد. برعکس تمرکز نظامی گروه‌هایی مانند طالبان، گروه‌های صلح‌طلب بیشتر بر روایت‌هایی از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی خارجی در دوره پس از ۲۰۰۱ تمرکز دارند. همان‌طور که در ادامه نشان داده خواهد شد، هر دو گروه ب روایت مشابهی تأکید می‌کنند؛ اما تمرکز اولی بر نفوذ سیاسی و نظامی خارجی‌ها است، درحالی که دومی از تأثیرات منفی فرهنگ‌های بیگانه می‌گوید.

بررسی حساب‌های رسانه‌های اجتماعی، موجب شناسایی مسایل مهم و امور جاری که بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند شد. در مجموع ۱۲۴ گزاره که طیفی گسترده از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی جامعه افغانستان را پوشش می‌دهند، استخراج شدند. ۵ دسته‌بندی که در ادامه می‌آید، مضمون غالب مباحث در سراسر حساب‌های مورد بررسی را تشکیل می‌دهند:

۱. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان

۲. حضور نیروهای خارجی در افغانستان، توافقنامه امنیتی دوجانبه (BSA) با آمریکا و تلفات افراد ملکی.

۳. مسایل اجتماعی اقتصادی: تأثیر فرهنگ خارجی، نقش زنان و ماهیت جامعه مدنی در افغانستان

۴. استراتژی عمل اجتماعی، سیاسی و نظامی: جنگ، جهاد و بمبگذاری‌های انتحاری

۵. امور امت اسلامی

مطالب آنلاینی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، به بررسی روایت‌های افراطی عمده‌ای که جنبه‌های گفتاری یا استدلالی افراط‌گرایی را تشکیل می‌دهند کمک می‌کند. این روایات در رابطه با جنبه‌های مشخصی از حوادث و مسایل جاری بیان شده‌اند. اگرچه تمرکز اولیه تحلیل این مطالب، جنبه‌های گفتاری افراط‌گرایی بود، اما این بررسی به فهم جنبه‌های رفتاری افراط‌گرایی با اشاره به راه‌حل‌ها و استراتژی‌های پیشنهادشده توسط این گروه‌ها برای مقابله به مشکلاتی که بیش از همه آن‌ها را نگران کرده است، کمک کرده است. این بررسی به‌طور خاص در پی پاسخ این سوال است که این مشکلات چگونه شناسایی شدند و بر کدام جنبه‌های مشکلات تاکید شده و به‌طور خاص، کدام اقدامات سیاسی و اجتماعی -خشونت‌آمیز یا صلح‌آمیز-، به‌عنوان ابزار پاسخ‌گویی به آن نارضایتی‌ها استفاده می‌شوند. شناسایی مشکلات، هسته اصلی روایت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی افراطی است. درحالی که بسیاری از گروه‌ها نارضایتی‌های مشترکی را در میان می‌گذارند و مشکلات و نگرانی‌های مشابه یا یکسان (مانند عدم مشروعیت دولت افغانستان یا دموکراسی انتخاباتی) را شناسایی می‌کنند، آن‌ها بر سر استراتژی‌های مربوط موردنیاز برای پاسخگویی به این مشکلات اختلاف دارند. از این‌رو، تنها برخی از گروه‌ها به مرحله سوم افراط‌گرایی یعنی «کردار» افراطی می‌رسند که با میل به پیوستن به شورش‌های مسلحانه علیه دولت توصیف می‌شود. هم‌چنان که توسط مک کالی و موسکالینکو (۲۰۰۸) تذکر داده شده است^۱، گروه‌های افراطی در هر کدام از این سه مرحله مختلف هرم افراط‌گرایی، ممکن است با توسعه و تدوین روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی در تلاش برای برتری‌یافتن نسبت به گروه‌های دیگر رقیب، به فرایند گسترده‌تر افراط‌گرایی کمک کنند. با توجه به این مساله، بخش‌های بعدی تحلیلی از پنج مضمون اصلی است که ما از بررسی‌هایمان استخراج کرده‌ایم.

۴.۲.۱. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان

گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان و جناح مسلح حزب اسلامی که شورش‌های کنونی را در افغانستان هدایت می‌کنند، دیدگاه روشن و منسجمی نسبت به روند سیاسی در افغانستان پس از ۲۰۰۱ دارند. این کشور توسط مهاجمان خارجی اشغال شده و دولت افغانستان، یک رژیم دست‌نشانده است و این ضرورت یک استراتژی شورش مسلحانه برای سرنگونی دولت افغانستان و اخراج نیروهای خارجی را نشان می‌دهد. باین‌وجود، دسته بزرگی از دیگر گروه‌های فعال اسلام‌گرا وجود دارند که در هر دو تعریف کشور به‌عنوان

1. Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>

«اشغال شده» و دولت افغانستان به عنوان «دست‌نشانده» و یا در توافق با شورش مسلحانه برای سرنگونی دولت و یا در هر دو این موارد، از شورشیان متفاوت هستند. این گوناگونی دیدگاه‌ها به‌طور گسترده‌ای در محتوای رسانه‌های اجتماعی گروه‌های فعال شبه‌نظامی و غیرسستیزه‌جو انعکاس داده شده است.



تصویر ۳: پست فیسبوکی یکی از هواداران طالبان با پیام «ارتش ملی افغانستان برای آمریکا کار می‌کند».

برای طالبان و جناح مبارز حزب اسلامی، تعریف دولت افغانستان به عنوان «دست‌نشانده»، به معنای تعریف کسانی که در دولت کار یا همکاری می‌کنند به عنوان دشمن است. بنابراین، کارمندان یا همکاران دولت، ممکن است مورد حملات توجیه‌شده قرار بگیرند. به عنوان مثال در ۴ می سال ۲۰۱۵، طالبان پیامی در فیسبوک ارسال کردند (درکنار عکس‌هایی از اجساد نیروهای امنیتی که ظاهراً توسط طالبان کشته شده بودند) با این استدلال که: «امارت اسلامی افغانستان از تمام سربازان و نیروهای امنیتی می‌خواهد تا دیگر خود را به خاطر اهداف شوم آمریکایی‌ها به هلاکت نیندازند. آن‌ها نباید خود را برای حفاظت از چهره‌های فاسد و حلقه‌به‌گوشی که صاحب خانه و قصر در دبی، آمریکا و دیگر کشورهای غربی هستند قربانی کنند!».

در موارد خاص، تعدادی از حساب‌های مورد مطالعه، خواستار استعفای اعضا و هواداران‌شان از همکاری با دولت افغانستان شدند. برای مثال، در تاریخ ۲۳ جون ۲۰۱۵، حزب اسلامی مطلبی را در فیسبوک منتشر کرده و پرسیده بود: «آیا اعضای حزب اسلامی در مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟». نویسنده با اشاره به

۱. الاماره، صفحه رسمی طالبان در فیسبوک، دیده شده در ۴ می، ۲۰۱۴

اعضای مهم حزب اسلامی که با دولت افغانستان کار می‌کنند^۱ استدلال می‌کند: «من اعضای حزب اسلامی را به خلاص شدن از این دولت بی‌ثبات و ناکارآمد فرا می‌خوانم. این فقط نام‌های شما است که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، در حالی که شما در تصمیم‌گیری دخیل نیستید و آن‌ها به نظرات شما اهمیت نمی‌دهند [...] این یک دولت فاسد است؛ فاسدترین دولت در جهان، که از خاینان، منافقان و دزدان تشیل شده است»^۲.

تنها گروه مهمی که در رابطه با اعتبار و مشروعیت دولت افغانستان دیدگاه مشابه با طالبان و شاخه نظامی حزب اسلامی دارد اما در استراتژی خود برای ایجاد تغییر از آنها متفاوت است، حزب التحریر است. این سازمان چندملیتی از سال ۲۰۰۳ در افغانستان فعال بوده است. این سازمان علنا اظهار می‌کند که استراتژی غیرخسونت‌آمیزی را برای احیای خلافت فراملی در سراسر جهان اسلام دنبال می‌کند. در نتیجه، این سازمان به شدت مخالف ملی‌گرایی و ایده بنیادین دولت-ملت است. این گروه دولت را برای همکاری با دولت‌های غربی سرزنش کرده و آن‌ها را متهم می‌کند که برنامه‌های استعماری و سرمایه‌داری را در جهان اسلام به اجرا درمی‌آورند. اگرچه حزب التحریر دعوت به مبارزات مسلحانه نمی‌کند، اما گاهی به روشنی با طالبان و سایر سازمان‌های نظامی هم‌نوایی نشان می‌دهد. در تاریخ ۱۰ مارچ ۲۰۱۵، حزب التحریر در واکنش به گزارشی از موافقت طالبان نسبت به مذاکرات صلح با دولت افغانستان مقاله‌ای در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد با عنوان: «فرایند صلح در افغانستان، خودکشی سیاسی است!». در این مقاله آمده بود: «باتوجه به این واقعیت که امت مسلمانی دولت مشروعی ندارد که از آرمان‌های امت نمایندگی کند، هرگونه مذاکرات صلح با کفار استعمارگر و متخاصم، در هر دو سطح فردی و سازمانی، در هر کدام از بخش‌های اشغال شده سرزمین‌های اسلامی، ممنوع است. درواقع، این خیانتی به اصول شریعت است و بنابراین این عمل، خودکشی سیاسی محسوب می‌شود»^۳.

مخالفت گروه‌های اسلامی با دولت افغانستان، صرفاً ایدئولوژیک نیست. این گروه‌ها پیام‌های خود را با ارجاعات واقعی به سرخوردگی عمومی نسبت به فساد و ناکارآمدی نهادهای دولتی و دوره‌های بحران

۱. قطب‌الدین هلال، یکی از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴، محمدخان، معاون رییس اجراییه حکومت وحدت ملی؛ هادی ارغندیوال، وزیر سابق اقتصاد؛ و خالد فاروقی، رییس جناح ثبت‌شده حزب اسلامی.

۲. عابد، آیا حزب اسلامی ته منصوب نور دولتی مامورین با استعفا ورکری؟ (آیا اعضای حزب اسلامی در مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟)، شهادت، افغانستان، ۲۳ جون، ۲۰۱۵، http://www.dailyshahadat.com/site/lekani_details/1106

3. Saifullah Mustanir, The Peace Process in Afghanistan is a Political Suicide, The Khilafah, March 9, 2015, <http://www.khilafah.com/the-peace-process-in-afghanistan-is-political-suicide>,

سیاسی مانند آنچه در زمان انتخابات ریاست‌جمهور ۲۰۱۴ اتفاق افتاد ترکیب می‌کنند. برای مثال، در ۳ اپریل ۲۰۱۵، حزب اسلامی به مناسبت چهل و ششمین سالگرد تاسیس آن پیامی از رهبری گلبدین حکمتیار، در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد. در این پیام با اشاره به بحران انتخابات ۲۰۱۴ بیان شده است:

«ما شاهد انتخاباتی بودیم که با تقلب برگزار شده بود و این نشان می‌دهد که اشغال‌گران قادر به ایجاد یک دولت پایدار نیستند. نظام دموکراتیک نمی‌تواند مشکلات افغان‌ها را حل کند یا منجر به رفاه مردم افغانستان شود. من از تمامی مجاهدین می‌خواهم که متحد شده و سازماندهی بهتر از قبل داشته باشند... مردم افغانستان باید مطمئن باشند که انشاءالله تمام نیروهای خارجی از کشور عزیز ما بیرون رانده خواهند شد و در یک افغانستان آزاد و مستقل، ما یک دولت اسلامی را برای سعادت مردم تاسیس خواهیم کرد»^۱.

در حالی که جمعیت اصلاح نسبت به دولت افغانستان منتقد است، اما از بعضی سیاست‌های آن حمایت می‌کند. برای نمونه، در اپریل ۲۰۱۵، تصمیم دولت افغانستان برای حمایت از جنگ به رهبری عربستان سعودی در یمن را ستود. این سازمان بر آوردن تغییرات در سطح ریشه‌ای متمرکز بوده و از طرح‌های دولت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی پشتیبانی می‌کند. در ۱۳ جولای ۲۰۱۵، جمعیت اصلاح مقاله‌ای را در فیسبوک منتشر کرد با عنوان «چرا عضویت شانگهای برای افغانستان مهم است؟». در این مقاله استدلال شده بود: «روسیه و چین که از قدرتی تعیین‌کننده در سازمان همکاری شانگهای بهره می‌برند، به دنبال راه‌های جایگزینی برای حفظ ثبات در منطقه از طریق افغانستان هستند. از سوی دیگر، در کنار مسایل امنیتی، اعضای سازمان همکاری شانگهای در حال تلاش برای کار بیشتر در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی هستند و این برای افغانستان اهمیت دارد [...] با استفاده از این فرصت‌های ایجادشده توسط کشورهای قدرتمند و توسعه‌یافته در منطقه، افغانستان می‌تواند از مزایای موقعیت استراتژیک خود از طریق جاده ابریشم جدید و اتحادیه یوراسیا بهره‌برد»^۲.

۱. حزب اسلامی افغانستان، صفحه رسمی فیسبوک، دیده شده در ۳ اپریل، ۲۰۱۵

۲. عضویت دایمی شانگهای، برای افغانستان چرا مهم است؟ اصلاح آنلاین، افغانستان ۱۳ جولای، ۲۰۱۵، <http://www.eslahonline.net/?p=59573>



تصویر ۴: تصویر پست‌شده توسط حزب اسلامی در صفحه رسمی فیسبوکش

جمعیت اصلاح همچنين بر تلاش‌های ریشه‌ای و مسئولیت شهروندان در مبارزه با فساد تاکید می‌کند. در ۲۰ مارچ ۲۰۱۵، این سازمان مقاله‌ای را در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد به نوشته «نصیراحمد نویدی» رئیس کمیته مرکزی سازمان، باعنوان «سال نو، امیدهای نو». در این مقاله آمده است: «ما همه از فساد که پیرامون ما را گرفته است خسته‌ایم [...] همه ما شکایت می‌کنیم، اما آیا هرگز به هیچ راه‌حلی برای این مشکل اندیشیده‌ایم؟ نقش ما در مقابله با تمام این‌ها چیست؟ بیایید به‌منظور ریشه‌کن کردن فساد بسیج شویم و از خود آغاز کنیم».

۴.۲.۲. دخالت خارجی و توافقنامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده

در رابطه با حضور نیروهای خارجی در افغانستان و توافقنامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده، بیشتر گروه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، روایت‌های مشابهی را به اشتراک می‌گذارند: مداخله غرب در افغانستان را رد می‌کنند. برای طالبان و حزب اسلامی، خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان یکی از پیش‌شرط‌ها برای هرگونه مذاکره صلح با دولت افغانستان است. سایر گروه‌های فعال اسلام‌گرا شامل حزب

۱. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در ۶ می، ۲۰۱۵

التحریر و جمعیت اصلاح، نیروهای غربی در افغانستان را به عنوان کفار و استعمارگران محکوم می کنند. در مباحثی که علیه حضور نیروهای خارجی در افغانستان و توافقنامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده مطرح می شود، این گروه ها با استناد به تلفات ملکی که نیروهای خارجی باعث آن شده اند یا اتهام توهین غربی ها به ارزش های اسلامی، اشارات واضحی به ناامیدی های موجود نسبت به چالش های جنگ می کنند.

در ۶ می ۲۰۱۵، طالبان بیانیه رسمی خود را در رابطه با گفتگوهای صلح پاگواش در قطر، در صفحه فیسبوک خود منتشر کردند. در این بیانیه آمده بود: «آمریکا و دوستانش بر یک کشور مستقل " افغانستان " تجاوز نظامی کرده اند، در اینجا هزاران تن را به شهادت رسانده اند، زندانی کرده اند، به مقدسات دینی ملت توهین و بی حرمتی کرده اند، خانه ها، باغ ها و زمین هایشان را ویران ساخته اند، پس باید مادر تمام این مصائب که اشغال است، در قدم نخست پایان یابد تا زمینه صلح و تفاهم اجتماعی بین افغان ها مساعد گردد... بناء دوام اشغال به معنای ادامه جنگ است.»^۱

جالب این جاست که فعالانی که مستقیماً با سازمان های شبه نظامی مرتبط نیستند نیز چنین دیدگاهی دارند. بحث مشابهی توسط عبدالظاهر داعی، عالم مذهبی برجسته افغان، از طریق کانال یوتیوب پیام حق (یک کانال یوتیوب که عمدتاً شامل سخنرانی های مذهبی توسط علمای افغانستان است) مطرح شد. در یکی از سخنرانی های داعی بر روی کانال یوتیوب، او تأکید کرد: «حضور نیروهای خارجی در افغانستان دلیل ادامه جنگ است [...] زمانی یک خبرنگار گفت که جنگ افغانستان، جنگی میان آمریکا و طالبان است، اما من گفتم که نه، شما فریب خورده اید. این جنگی میان ملت مسلمان و کفار است [...] این جنگی علیه امت مسلمان است»^۲.

در ۱۶ مارچ ۲۰۱۵، عبدالسلام عابد، یک محقق مذهبی برجسته و عضو جمعیت اصلاح در کانال یوتیوب این سازمان، اصلاح آنلاین، دیدگاه خود را در مورد تعامل با غیرمسلمانان چنین بیان کرده بود:

«ایمان داشته باشید و شکایت نکنید که چرا دشمن قرآن را سوزانده است؟ چرا دشمن به من توهین کرده است یا به حضرت محمد توهین کرده است؟ شما باید درک کنید که ما نمی توانیم از دشمنان انتظار خوبی داشته باشیم [...] دشمنان ما اسلام را خصم خود می بینند اما متأسفانه مسلمانان یا مسلمان نماهایی هستند که

۱. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در ۶ می، ۲۰۱۵

۲. عبدالظاهر داعی، قوت های خارجی در افغانستان باید نباشد، پیام حق، <https://www.youtube.com/watch?v=3RVb1or9cPM>، دیده شده در ۱۷

دسامبر، ۲۰۱۵

سعی می‌کنند ما را آشتی بدهند. آن‌ها تلاش دارند تا دشمنان ما را به‌عنوان دوستانمان معرفی کرده و ما را وادار کنند با آن‌ها تعامل داشته باشیم. من می‌خواهم این را روشن بسازم که کسانی که مسلمان نیستند، دشمن ما هستند و ما بر همین اساس با آن‌ها مقابل خواهیم شد.^۱

در ۹ جون ۲۰۱۵، حزب التحریر در واکنش به تلفات ملکی در نتیجه حمله یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در ولایت خوست، مقاله‌ای را با‌عنوان «دست‌نشاندها و سرورانشان در حال بازی با خون ما هستند» در صفحه فیسبوکش منتشر کرد. در این مقاله آمده است: «در روز نخست سال ۲۰۱۵، اوپاما پایان عملیات نظامی در افغانستان را اعلام کرد. اما از آن روز تاکنون، هواپیماهای بدون سرنشین در حال بمب‌افکنی هستند و هر روز به غیرنظامیان حمله کرده، خانه‌ها را جستجو کرده و مردم را دستگیر می‌کنند».^۲



تصویر ۵: ویدیوکلیپ پست‌شده توسط جمعیت اصلاح در یوتیوب، که در آن، عبدالسلام عابد یک عالم مذهبی برجسته و عضو این سازمان، دیدگاه خود را در رابطه با تعامل با غیرمسلمانان توضیح می‌دهد.

مثال روشن این مسئله حملات به‌اصطلاح «سبز بر آبی» است. این حملات زمانی اتفاق می‌افتند که اعضای نیروهای امنیتی افغانستان، مریبان و مشاوران خارجی یا همکاران افغان خود را مورد حمله قرار می‌دهند. گروه‌های شبه‌نظامی دلایل روشنی برای تحریک چنین حملاتی دارند. در ۸ اپریل ۲۰۱۵، یک سرباز افغان به‌نام عظیم خان، در جلال آباد بر نیروهای آمریکایی آتش گشود و یکی از افسران ارتش آمریکا

۱. عبدالسلام عابد، چگونه از قرآن دفاع کنیم؟، <https://www.youtube.com/watch?v=YLKmqQevncg>، افغانستان، دیده شده در ۱۶ مارچ، ۲۰۱۵
2. The Puppets and Their Masters are Playing With Our Blood, The Khilafah, June 9, 2015, <http://www.khilafah.com/the-puppet-rulers-and-the-crusader-invaders-are-equally-playing-with-our-blood/> Afghanistan

را کشته و چندین نفر دیگر را پیش از کشته شدنش زخمی کرد. اندکی بعد، صفحات رسانه‌های اجتماعی حزب اسلامی ادعا کردند که عظیم خان یکی از اعضای آن‌ها بوده است و از او به‌عنوان شهید تجلیل کردند. عکس‌های او در صفحات فیسبوک حزب اسلامی منتشر می‌شد و صدها نفر از طرفداران حزب اسلامی آن پیام‌ها را به‌اشتراک گذاشته و او را به‌عنوان یک قهرمان ستایش می‌کردند. در یکی از پیام‌ها که نشان می‌دهد چگونه این گروه‌ها اعضای خود را مانند قهرمان تشخیص می‌دهند، یکی از پیروان حزب اسلامی اظهار داشت: «بزرگ‌ترین آرزوی شهید عظیم خان در طول عمرش این بود که آمریکایی‌ها را بکشد و شهید شود. او زمانی که هشت آمریکایی را به جهنم فرستاد و خودش به شهادت رسید، به هدف خود دست یافت»^۱. جالب توجه است که جمعیت اصلاح، اخبار حمله را بدون موضع‌گیری صریحی منتشر کرد، اما صدها نفر از بازدیدکنندگان صفحه فیسبوک این سازمان، اقدامات عظیم خان را با ارسال نظرات ستایش‌آمیز تجلیل کردند.



تصویر ۶: جمعیت اصلاح اخبار مرگ یک سرباز افغان به نام عظیم خان را در یک حمله «سبز بر آبی» منتشر کرد. تعدادی از مردم اقدامات او را در بخش پیام‌ها ستودند.

۳.۲.۴. نگرانی‌های اجتماعی – فرهنگی

گروه‌های اسلام‌گرا، هم فعالان صلح‌طلب و هم گروه‌های ستیزه‌جو، در نگرانی‌های خود در رابطه با امور اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان اشتراک دارند و تمرکز ویژه آن‌ها بر آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در

۱. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در ۸ اپریل، ۲۰۱۵

افغانستان پس از ۲۰۰۱ است. این نگرانی‌ها طیف گسترده‌ای از مسایل را پوشش می‌دهند که شامل تاثیرات فرهنگ خارجی مانند برنامه‌ها و جشنواره‌های موسیقی در کانال‌های تلویزیونی خصوصی کشور و مراسم سنتی که اسلامی به حساب نمی‌آیند مانند جشن نوروز (جشن سنتی سال جدید در ۲۱ مارچ) می‌شود. صفحات رسانه‌های اجتماعی برای ترویج تفسیرهای بنیادگرایانه از اسلام و محکوم کردن اعمالی که گفته می‌شود در تضاد با تفاسیر سخت‌گیرانه از اسلام هستند استفاده می‌شوند.

فضای نسبتاً آزاد اجتماعی فراهم‌شده در دوران پس از ۲۰۰۱ در مراکز شهرهای مهم افغانستان، در حساب‌های مورد بررسی به‌عنوان عرصه اصلی نگرانی‌های بیان‌شده به شمار آمده است. یکی از مهم‌ترین این نگرانی‌ها در رابطه با موسیقی‌ها و آوازخوانی‌ها، به‌خصوص آهنگ‌های خوانندگان زن بود که توسط کانال‌های رادیو و تلویزیون کشور پخش می‌شود. پس از سال نو افغانستان در ۲۱ مارچ ۲۰۱۵، جمعیت اصلاح مقاله‌ای از عبدالله استانکزی با‌عنوان «پایان سال ۱۳۹۳ و آغاز سال ۱۳۹۴ با برهنگی و ذلالت» منتشر کرد. در این مقاله استدلال شده بود: «نهاد‌های کثیر کمونیستی دیروز و دموکراتیک امروز توسط برنامه‌های مختلف طرح شده توسط بزرگان شان کوشش دارند تا جوانان ما را از مسیر بشریت، افغانیت و اسلامیت دور کنند و تمام انرژی و وقت خویش را در خدمت این فساد قرار دادند و ما احزاب، نهاد‌ها، بنیاد‌ها و سایر جمعیت‌های بزرگ اسلامی کشور که خود را پیروان نهضت اسلامی دیروز میدانیم امروز فقط مصروف بعضی از بازی‌های مشروع و نامشروع سیاسی هستیم ... بالای ما فرض است که به جوانان و این ملت برنامه‌های تربیوی داشته باشیم تا هیچ دسیسه‌ی بیرونی و سیکولری بالای این ملت تاثیر گزار نباشد.. ما توانمندسازی خویش و سایر جوانان را در پروگرام‌های مانند "ستاره افغان" [رقابت سالانه آوازخوانی زنده که توسط کانال تلویزیون خصوصی طلوع برگزار می‌شود] و سایر پروگرام‌های بی‌ناموسی جایکه ارزش‌های یک جوان و جوانی زیر پا می‌شود نمیدانیم»^۱.

گاهی این نگرانی‌های اجتماعی-فرهنگی در رابطه با برنامه‌های مشخصی که توسط فعالان و جوانان انجام می‌شود مطرح می‌گردند. برای مثال در ۶ مارچ ۲۰۱۵، گروهی از فعالان مرد تلاش کردند با ظاهرشدن در مرکز شهر کابل با پوشش چادری (حجاب سنتی زنان افغانستان که سر تا پا را پوشش می‌دهد) توجه عمومی را جلب کنند. این حرکت با واکنش شدیدی از سوی بیشتر گروه‌های اسلام‌گرای برجسته از جمله طالبان، حزب اسلامی و جمعیت اصلاح مواجه شد که آن را محکوم کردند. قابل ذکر است که این گروه‌ها

۱. اصلاح آنلاین، صفحه‌ی فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در ۲۱ می، ۲۰۱۵

در مخالفت با پذیرش آزاد سازی، از همان عبارتهایی استفاده می‌کنند که برای اهریمن جلوه‌دادن و سلب مشروعیت از دولت افغانستان و نیروهای خارجی به کار می‌گیرند. برای مثال، در واکنش به این اعتراض سمبولیک، حزب اسلامی مقاله‌ای در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد که می‌پرسید: «چرا کفار و منافقان چادری را اجبار می‌بینند؟». در این نوشته بحث می‌شود: «دیروز در کابل یک گروه شیطانی به حجاب اسلامی توهین کرد. این گروه ملعون استدلال می‌کردند که چادری بر زنان تحمیل می‌شود. چادری یک حجاب کامل است که شامل تمام ویژگی‌های حجاب می‌شود»^۱.

بیشتر گروه‌های فعال اسلامگرا، در مورد موقعیت اجتماعی زنان و شیوه ظاهر شدن آنها در انظار عمومی، نگرانی جدی مشترک دارند. برای مثال، در ۳۰ مارچ ۲۰۱۵، جمعیت اصلاح مقاله‌ای را در صفحه فیسبوکش منتشر کرد که به زنان در رابطه با نیت‌های شیطانی مردان اخطار می‌داد. این مقاله تاکید می‌کرد «مردانی که به سوی زنان نگاه می‌کنند؛ همانند درندگانی هستند که به دور گوشت‌ها می‌چرخند». این مقاله به زنان توصیه می‌کند: «اگر برای نیازهای ضروری قصد کردی به بازار بروی به شرط رعایت پاره‌ای از آداب مهم اشکالی ندارد: ۱- اجازه گرفتن از ولی؛ والدین یا شوهر ۲- یکی از محارم تو را همراهی کند و جایز نیست با راننده تنها باشی ۳- پس نباید با فروشنده و دیگران به نرمی و با عشو به سخن بگویی؛ ۴- از اختلاط با مردان در فروشگاه‌ها و راه‌ها بپرهیز»^۲.

باین حال، گروه‌های اسلام‌گرا همچنین علاقه دارند بر حقوق زنان در چارچوب قانون شریعت تاکید کنند. در اعلامیه‌ای مطبوعاتی که در ۶ می ۲۰۱۵ در یک صفحه فیسبوک منتشر شد، طالبان تاکید کردند: «[امارت اسلامی] در تمام بخش‌های زندگی به تمام حقوق زنان خود را متعهد میدانند که دین مبارک اسلامی برایشان داده است. زن در اسلام حق انتخاب شوهر را دارد. حق ملکیت دارد، حق میراث دارد، حق آموزش علم و کار را دارد. امارت اسلامی این حقوق زنان را طوری محفوظ خواهد نمود که نه حقوق جانشینان زیر پا گردد و نه هم کرامت انسانی و ارزش اسلامی شان با تهدید مواجه گردد». به همین ترتیب، حزب التحریر وعده خلافت اسلامی می‌دهد که در آن زنان می‌توانند به تمام حقوق خود دست یابند. در مارچ ۲۰۱۵، این سازمان مقاله‌ای در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد با عنوان «زنان در خلافت اسلامی؛ چالش روایت‌های مربوط به زنان و حقوق اقتصادی آنها». مقاله عنوان کرده بود: «تصویر کلی به دست آمده از تاریخچه‌های

۱. حزب اسلامی افغانستان، صفحه ی فیسبوک رسمی، دیده شده در ۶ مارچ، ۲۰۱۵

۲. خواهرم! مواظب باش، بازار کمین‌گاه گرگ‌هاست، اصلاح آنلاین، ۷ اپریل، ۲۰۱۳، <http://www.eslahonline.net/?p=42317>

مختلف عثمانی، نشان می‌دهد که در خلافت عثمانی زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، شامل کار کشاورزی و انواع صنایع دستی مانند ریسندگی و بافندگی فعال بوده‌اند. آن‌ها می‌توانند محصولات خود را در بازارها بفروشند، مسایل مالی دیگر را مدیریت کنند، پول قرض بدهند، قرارداد ببندند، کسب‌وکار، سازمان و موسسه راه‌اندازی کنند، کارمند یا کارفرما باشند و در فعالیت‌های مختلف اقتصادی شرکت کنند»^۱.



تصویر ۷: تصویر یک زن که توسط یک حساب جعلی پست شده است و نشان می‌دهد زنان مسلمان چگونه باید لباس بپوشند.

یک عنصر مهم روایت گروه‌های اسلامی در مورد امور اجتماعی-فرهنگی، نسبت‌دادن مسئولیت آن چیزی که آن‌ها به‌عنوان تاثیرات فرهنگی و اجتماعی بیگانه و فاسد می‌بینند به غربی‌ها و ارزشهای ایشان است. مسئولیت این مسایل اجتماعی مانند نقض حقوق زنان، بیکاری و حتی افزایش جمعیت معتادان به موارد مخدر، اغلب به ارزش‌های غربی و سکولار نسبت داده می‌شود. برای مثال در ۱۲ می ۲۰۱۵، مطالعه‌ای با بودجه ایالات متحده به این نتیجه رسید که استفاده از مواد مخدر در افغانستان ۱۱ درصد افزایش یافته است و در مجموع ۳ میلیون مصرف‌کننده در کشور وجود دارد. حزب التحریر مقاله‌ای در فیسبوکش منتشر کرد با عنوان «تحفه‌ای دیگر از استعمار: سه میلیون نفر معتاد به مواد مخدر هستند». در این مقاله گفته شده بود:

1. Women Under the Uthmani Khilafah: Challenging the Myths Women and Their Economic Rights, The Khilafah, March 8, 2015, <http://www.khilafah.com/women-under-the-uthmani-khilafah-challenging-the-myths-women-and-their-economic-rights-part-2/>

«مشکل اصلی ما این است که غرب و دولت دست‌نشانده‌اش مردم را با پول و دیگر اندیشه‌های غربی مانند کسب سود مشغول نگه می‌دارند که معیارهای سنجش هر چیزی شده‌اند... در نتیجه زمانی که رابطه شما با خدا قطع می‌شود، طبیعی است که درنهایت به مواد مخدر رو می‌آورید»!



تصویر ۸: تصویر پست‌شده توسط حزب التحریر در صفحه رسمی فیسبوکش، اجتماعی از هوادارانی را نشان می‌دهد که دموکراسی را محکوم کرده و برای تاسیس خلافت اسلامی دعوت می‌کنند.

قابل توجه است که برخی از گروه‌های فعال اسلام‌گرا، ایده جامعه مدنی را هم به این بهانه که غربی است رد می‌کنند. اهمیت مساله آن‌جاست که بسیاری از گروه‌های فعال اسلام‌گرا نیز به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی افغانستان در نظر گرفته شده و از آزادی‌های اجتماعی و سیاسی دوران پس از ۲۰۰۱ بهره برده‌اند. با این حال، آن‌ها اغلب جامعه مدنی را ترکیبی از سازمان‌های غیردولتی و فعالان سکولار غرب‌زده می‌بینند. آن‌ها فعالان جامعه مدنی را برای رویکرد سکولاری که نسبت به مشکلات اجتماعی دارند محکوم می‌کنند. در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۴، یک بمب‌گذار انتحاری بر یک نمایش تئاتر در لیسه استقلال در کابل حمله کرد که در اعتراض به حملات انتحاری روی صحنه رفته بود. طالبان، درست پس از حمله بیانیه‌ای منتشر کردند و هشدار دادند: «امارت اسلامی به تمامی کارشناسان اجیر تلویزیونی، رسانه‌های تبلیغاتی دشمن، رسانه‌های بی‌بندوبار و تمامی ارگان‌هایی که زیر عنوان فعالان مدنی و دیگر شعارها بر ضد مجاهدین، ارزش‌های اسلامی و ملی نشرات می‌نمایند، راه‌پیمایی و تظاهرات می‌کنند، گردهمایی بر پا می‌نمایند و در

۱. هادف، تحفه‌ای دیگر از استعمار: سه میلیون نفر معتاد به مواد مخدر هستند، حزب التحریر افغانستان، ۱۹ می، ۲۰۱۵، <http://ht-afghanistan.com/article.php?lang=dari&parent=42&category=5&aid=4000>

کارهای فحشاء، موسیقی و بخش فساد مصروف‌اند، به‌ویژه کسانی را که برای گمراهی و انحراف جوانان افغان تلاش می‌نمایند، هوشدار می‌دهد که از این ببعد در برابر همچو فعالیت‌هاشان، مجاهدین ما بی‌تفاوت مانده نمی‌توانند و با استفاده از هرراه ممکن، حملاتی را علیه آنان به راه می‌اندازند تا فساد را از کشور ریشه‌کن و هسته آن را محو و نابود سازند»^۱.

مشاجره در مورد معنا و نقش جامعه مدنی، یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی بود که به دنبال حادثه ۲۰ مارچ ۲۰۱۵، قتل بدون محاکمه زنی ۲۷ ساله به نام فرخنده توسط گروهی از مردم در مرکز کابل شکل گرفت. گروه‌های حقوق زنان و جامعه مدنی، تظاهراتی در کابل به راه انداختند و خواستار محاکمه کسانی شدند در این کشتار دخیل بودند. تعدادی از آنها مشروعیت و روایات نظام مذهبی را به چالش می‌کشیدند. برخی از فعالان زن، مراسم ختم فرخنده را سازمان‌دهی کرده و علیه سنت‌های رایج، پیکر او را از خانه به قبرستان حمل کردند که خشم بسیاری از ملاهای محافظه‌کار را برانگیخت.

در ۲۷ مارچ ۲۰۱۵، «پیمان فیلم» (یک کانال یوتیوب که عمدتاً شامل سخنرانیهای مذهبی توسط علمای افغانستان است) یک کلیپ ویدیویی از سخنرانی دکتر عبدالله نور عباد، عالم مذهبی برجسته را به مناسبت کشته شدن فرخنده به دست ارادل و اوباش منتشر کرد: «در نظر من حمل تابوت فرخنده توسط بعضی فعالان [زنان] جامعه مدنی توهین شدید به جسد فرخنده بود، به مراتب بدتر از ضرب و شتم مردان او را به مرگ. ما کجا در تاریخ اسلام می‌بینیم که زنان تابوت حمل کنند؟»^۲.

گروه‌های اسلام‌گرا، همچنین بسیاری از اعمال سنتی و محلی را که آنها را اسلامی نمی‌دانند محکوم می‌کنند. برای مثال، تجلیل سال نو افغانستان (نوروز) در سال‌های اخیر، بحث‌های داغی را در میان بسیاری از گروه‌ها برانگیخته است. در ۲۰ مارچ ۲۰۱۵، در شامگاه نوروز ۱۳۹۴، حزب اسلامی ویدیو کلیپی از ابو عبیدالله متوکل منتشر کرد که می‌گفت: «مردم برای تجلیل نوروز جمع می‌شوند و بعضی ملاها هستند که آن را تایید می‌کنند. این نوع مسلمانان ادعا می‌کنند که آنها اسلام و حضرت محمد را دوست دارند اما دروغ می‌گویند و حضرت محمد آنها را لعنت می‌کند»^۳.

۴.۲.۴. استراتژی‌ها برای عمل سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌ها در رابطه با جهاد و مجاهدین

۱. محمد عرفانی، آخرالزمان فرهنگ، پدیدارها، http://padidarha.blogspot.com.es/2015/01/blog-post_97.html، دیده شده در ۲۰ جولای، ۲۰۱۴.
۲. عبدالله نور عباد، حادثه شهادت خواهر فرخنده زیر ذره بین اسلام و موقف علما در قبال آن، پیمان فیلم، [www.youtube.com/watch?v=Jtkv"ykpTknA](http://www.youtube.com/watch?v=Jtkv)، به‌روزشده در ۲۷ مارچ، ۲۰۱۵.
۳. ابو عبیدالله متوکل، نوروز و ملاهای شکم‌پرست، راشد مسلم، ۱۶ مارچ ۲۰۱۵، <https://www.youtube.com/watch?v=iOy15FGJKaA>.

هم طالبان و هم حزب اسلامی، در مقاومت علیه اشغال افغانستان توسط شوروی در دهه ۱۹۸۰ ریشه دارند. قابل ذکر است که حزب التحریر نیز همین ارجاعات را به دوران جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی می‌کند، علی‌رغم این حقیقت که هیچ‌گونه حضور یا دخالتی در جهاد در آن زمان نداشته است. این سازمان اگرچه میراث کلی جهاد علیه اشغال شوروی را به رسمیت می‌شناسد، رهبران سابق مجاهدین و گروه‌هایی که به همکاری با دولت افغانستان پس از ۲۰۰۱ توافق کرده اند را محکوم می‌کند. جمعیت اصلاح نیز خود را به‌عنوان یک سازمان اسلامی در نظر می‌گیرد که براساس ارزش‌های جهادی تاسیس شده است. نکته اصلی این‌جاست که این گروه‌ها در برجسته‌سازی ارتباطشان با جهاد افغانستان علیه اشغال شوروی، خود را به‌عنوان مدافع منافع ملی به‌تصویر کشیده و مشروعیت مجاهدین سابق را که در توافقات سیاسی پس از ۲۰۰۱ شرکت دارند، زیر سوال می‌برند.

برای مثال، در ۱۴ و ۱۵ مارچ سال ۲۰۱۵، سالگرد قیام ۱۹۷۹ در هرات علیه رژیم کمونیستی وقت کابل، جمعیت اصلاح چندین مقاله برای تجلیل به‌طور کل منتشر کرد. یکی از مقاله‌ها با عنوان «نگاهی نو به انقلاب ۲۴ حوت ملت مسلمان هرات» بحث کرده است که هدف از قیام هرات، دفاع از ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی مردم افغانستان بود. نویسنده ابراز نگرانی کرده است که آن ارزش‌ها و اعتقادات ارزشمند، بار دیگر مورد تهدید قرار گرفته‌اند: «آنچه امروز روح آن شهدا را آزار می‌دهد: ملت ما به نام زبان، سمت، ملیت و نژاد متفرق و چند پارچه شده است؛ در حالی که ایشان در آن روز به ما اتحاد و یک پارچگی را در میدان عمل آموختند». نویسنده تاکید می‌کند: «امروز تحت سیطره بیگانگان و تهاجم فرهنگی آنان قرار داریم؛ در حالی که ایشان به خاطر آزادی و استقلال و حفظ فرهنگ دینی ما به قربان گاه رفتند. در حال حاضر نه تنها که ایادی رژیم کمونیستی وقت، که قاتلان اصلی دو ملیون هموطنان ما اند مجازات نشدند که بلکه عده بی از ایشان دوباره بر کرسی قدرت قرار گرفته و در بدنه دولت نفوذ کرده اند. بانک‌های سودی، رسانه‌های مبتذل، بی‌حجابی و بی‌بندوباری، فساد و برادرکشی در جامعه ما بیداد می‌کند؛ در حالی که آنان برای نجات ما از چنین خطراتی جان‌های عزیزشان را فدا کردند. و مشکلاتی از این دست.»^۱

برای طالبان و جناح مسلح حزب اسلامی، بزرگداشت تاریخ جهاد، دلایل فوری‌تری دارد. آن‌ها معتقد هستند که جهاد در حال انجام است و هرگونه اقدام مسلحانه و خشونت‌آمیز علیه دولت افغانستان و هدف‌های غربی در کشور، از جمله بمب‌گذاری‌های انتحاری، حملات مسلحانه مستقیم، ترورها و حملات

۱. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در ۱۵ مارچ، ۲۰۱۵

سبز بر آبی را، توجیه و تشویق می‌کنند. در این میان، حملات انتحاری شدیدترین شکل افراط‌گرایی است و اوج هرم افراط‌گرایی را نشان می‌دهد. گروه‌های ستیزه جو عباراتی مانند «عملیات استشهادی/ شهادت‌طلبانه»، «مجازات اعدام» و در مورد حملات سبز بر آبی، عبارت «اقدامات قهرمانانه» را برای توصیف و توجیه چنین عملیات‌هایی استفاده می‌کنند. این دیدگاه همچنین توسط بعضی از علمای افراطی برجسته‌ای که وابسته به گروه‌های شبه‌نظامی نیستند نیز به اشتراک گذاشته شده است. برای مثال، ابو عبیدالله متوکل، عالم مذهبی معتبر، در ویدیو کلیپ منتشر شده در «خراسان طاغوت شکن» (یک کانال یوتیوب)، حملات انتحاری را توجیه کرده و استدلال می‌کند: «خودکشی در اسلام حرام است اما عملیات استشهادی متفاوت است... امروز برای سرکوب دشمنانی که صاحب تجهیزاتی پیشرفته هستند، راهی غیر از این نوع حملات انتحاری وجود ندارد. اگر امروز کفار شکست خورده‌اند، به دلیل این نوع حملات است. آن دسته از علما که عملیات استشهادی را محکوم می‌کنند، به جهنم می‌روند»^۱.



تصویر ۹: ابو عبیدالله متوکل، یک عالم برجسته دینی در حال توجیه حملات انتحاری در یک ویدیو کلیپ منتشر شده در کانال یوتیوب «خراسان طاغوت شکن» که از سوی هواداران طالبان اداره می‌شود

نکته مهم‌تر در این ویدیو رد ادعاهایی است که می‌گویند مهاجمان انتحاری اشخاصی هستند که علاقه خود را برای ادامه زندگی از دست داده‌اند. همچنین شورشیان کشته‌شدن غیرنظامیان در چنین حملاتی را انکار می‌کنند. حزب اسلامی، برای رد گزارش‌ها مبنی بر تلفات ناشی از بمب‌گذاری انتحاری در میان جمعیت غیرنظامی در تاریخ ۱۶ اپریل ۲۰۱۵، بیانیه‌ای از گلبدین حکمتیار (رهبر حزب اسلامی) در صفحه

۱. ابو عبیدالله متوکل، حکم عملیات انتحاری، استشهادی، فدایی؟ خراسان طاغوت شکن، <https://www.youtube.com/watch?v=sT6xNrHpq-4>، دیده شده در ۱۶ اپریل، ۲۰۱۵

فیسبوک خود منتشر کرد. حکمتیار استدلال می‌کند: «کسانی که تجربیات نظامی دارند می‌دانند که بمب‌گذاری‌های کنارجاده‌ای و عملیات استشهادی (شهادت‌طلبانه) نه تنها موجب تلفات ملکی نمی‌شود بلکه از چنین تلفاتی پیشگیری می‌کند»^۱.

ترور مستقیم مقامات دولتی و نیروهای رقیب، توسط طالبان و حزب اسلامی به‌عنوان اقدام‌های توجیه‌شده براساس قانون شریعت انجام و تشویق می‌شوند. برای مثال، در ۱۷ جولای ۲۰۱۵، طالبان در صفحه فیسبوک خود پیامی گذاشتند و خبر کشته‌شدن رییس پلیس منطقه دهرآود ولایت ارزگان را اعلام کردند. در پیام آمده بود: «حاجی طالب سه سال به‌عنوان رییس امنیت برای دشمن خدمت کرده است و در طول این زمان مردم را سرکوب و شکنجه نموده و بسیاری از هم‌وطنان عزیزمان را کشته است. الحمدلله امروز او سزای اعمالش رسید»^۲.

در ۱ جولای ۲۰۱۵، حزب التحریر به عملیات نیروهای ائتلاف به‌رهبری آمریکا بر انبار سلاح فرمانده پیشین مجاهدین در پروان واکنش نشان داد. این عملیات واکنش‌های شدیدی از سوی رهبران جمعیت اسلامی، از جمله عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت وحدت ملی برانگیخت. یکی از متن‌های منتشرشده در فیسبوک از سوی این سازمان، نیروهای خارجی را بخاطر انجام حملات و عبدالله را بخاطر واکنش‌های گزینشی اش نسبت به وضعیت مجاهدین محکوم کرد: «ما حملات هوایی اشغال‌گران استعمارگر و بیانیه عبدالله را به‌شدت محکوم می‌کنیم! ... این شرم‌آور و منجرکننده است که وقتی مسلمانان ستم‌دیده افغانستان شامل زنان، کودکان و افراد مسن، و مبارزان حقیقی علیه اشغال‌گران، در دیگر بخش‌های افغانستان کشته می‌شوند، نه عبدالله و نه هیچ‌کدام از مقامات دولتی دیگر صدای خود را علیه اشغال‌گران بلند نمی‌کنند. با این حال، زمانی که چنین حوادثی برای حامیان خودشان رخ می‌دهد، آن‌ها شروع به ساختن بیانیه‌های میان‌تهی و بیهوده کرده و از فرمانده نیروهای نظامی اشغال‌گران می‌خواهند تا در مورد این حادثه توضیحات ارائه دهد. این واکنش یک‌جانبه و بیانیه عبدالله نشان‌دهنده تعصب او است که بر پایه‌ای قبیله‌ای، زبانی و حزبی بنا شده است. همچنین این مساله برای ملت مجاهد و مسلمان افغانستان روشن می‌سازد که این حاکمان تنها زمانی که منافع شخصی و حزبی خودشان در خطر باشد تکان می‌خورند. ما همه می‌دانیم که او یکی از به‌اصطلاح جهادگرانی است که جهاد را ترک کرده و با نیروهای آمریکایی و ناتو امضا قرارداد کرده است. با

۱. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در ۱۶ اپریل، ۲۰۱۵

۲. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در ۱۷ جولای، ۲۰۱۵

انجام این کار، او به خون شهدا، یتیمان و بیوه‌های جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی که همه چیز خود را قربانی کرده بودند خیانت کرد^۱.

اگرچه گروه‌های اسلامی بررسی شده در این مطالعه، اشتراکات مهمی در جهان بینی ایدئولوژیک خود دارند، آن‌ها با یکدیگر بر سر جذب منابع مالی و نظامی، و به دست آوردن حمایت اجتماعی میان مردم عادی رقابت می‌کنند. همان‌گونه که مک کالی و موسکالنتکو (۲۰۰۸) نشان داده اند، رقابت میان گروه‌هایی که با انگیزه‌های مشابه یا یکسان شکل گرفته‌اند، می‌تواند ترغیب کننده ایشان برای شکست دادن همدیگر در تلاش برای دستیابی به پایگاه‌های حمایت اجتماعی یکسان یا مشابه باشد و در نتیجه فرایندهای افراط‌گرایی را تشدید کند.

علی‌رغم تفاوت‌های مهم در شناسایی مشکلات و استراتژی‌های عمل، آن‌ها تشابهات ایدئولوژیکی مهمی دارند. اهمیت این ریشه‌های ایدئولوژیک با انتشار خبر مرگ ملا عمر رهبر طالبان در پایان جولای ۲۰۱۵ مشخص شد. جمعیت اصلاح که بر امور اجتماعی و فرهنگی متمرکز بوده و یک سازمان قانونی ثبت شده در کابل است، پیام‌های هم‌دردی خود را برای مرگ ملا عمر در صفحه فیسبوکش منتشر کرد. حزب اسلامی نیز پیام تسلیت گلبدین حکمتیار را در صفحه فیسبوک گذاشت: «ملت افغانستان و امت اسلامی، یک رهبر مجاهد راستین را در زمان نیاز از دست دادند... مجاهدین باید برای آزادی کشور خود و خروج فوری و بدون پیش شرط نیروهای اشغال‌گر مبارزه کنند. ما باید به اتحاد مسلمانان ایمان بیاوریم. به‌عنوان یک امت اسلامی که در جنگ علیه صلیبیون قرار دارد، مجاهدین باید تلاش‌هایشان را با هم پیوند بزنند. آن باید در مقابله با اشغال‌گران آمریکایی همان کاری را انجام بدهند که در برابر اشغال‌گران روسی انجام دادند [...] استقلال افغانستان، آرزوی ملا محمد عمر مجاهد بود و با کمک خداوند ما آن را به حقیقت می‌رسانیم»^۲.

پیش از آن، در تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۱۵، حزب اسلامی نامه‌ای سرگشاده (نوشته شده توسط حبیب‌الله حکمتیار پسر گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی) به ملا عمر رهبر طالبان در فیسبوک منتشر کرد. در سال ۲۰۱۵، صفحه فیسبوک پسر رییس حزب اسلامی، پایگاه مهمی برای انتقال روایت‌های افراطی حزب اسلامی

1. We Strongly Condemn the Airstrike of the Colonialist Invaders and the Statement of Abdullah, Hizb ut-Tahrir, June 30, 2015, <http://ht-fghanistan.com/article.php?lang=english&parent=43&category=13&aid=4315,Afghanistan>

۲. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در ۲ اگست، ۲۰۱۵

بود.^۱ او با همان رویکرد پدرش مقالاتی انتقادی منتشر کرده و برای جهاد علیه کفار فراخوان داده است. در نامه سرگشاده به ملا عمر حبیب الرحمان از او و گروهش بخاطر تلاش برای منزوی کردن دیگر گروه‌های جهادی انتقاد کرده بود: «بسیاری از مجاهدین، با انگیزه‌های مذهبی جهاد را آغاز کردند اما سوال این جاست که آیا جبهه شما تنها جبهه مشروع برای انجام جهاد است؟ کسانی که اختلافاتی با امارت اسلامی داشته باشند، حقی برای جهاد ندارند؟ [...] شما ادعا می‌کنید که یک هزار عالم دینی با شما بیعت کرده‌اند اما در انتخابات رهبری حزب اسلامی یک میلیون مجاهد افغان، شامل صدها و هزاران عالم شرکت داشتند. پس چرا شما مخالف حزب اسلامی هستید؟ شما که این حق را برای خود ادعا می‌کنید [رهبری امارت اسلامی] چرا علیه ابوبکر البغدادی [رهبر داعش] که ادعای خلافت دارد مبارزه می‌کنید؟ چرا شما علیه آنها می‌جنگید؟ آیا جهاد به این شکل موفق شده است یا از طریق همکاری و برادری [میان مجاهدین]؟ [...] من از شما می‌خواهم با احزاب افغانستان سازش کرده و یک زمینه منطقی برای درک متقابل ایجاد نمایید»^۲.



تصویر ۱۰: ویدیوی پست شده توسط حزب اسلامی در کانال رسمی یوتیوب این گروه، که اتحاد میان طالبان و حزب اسلامی علیه نیروهای ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان را نشان می‌دهد

با این حال، با وجود این مشترکات، رقابت درون‌گروهی میان گروه‌های شبه‌نظامی بعد از ظهور دولت اسلامی یا داعش در نقاطی از افغانستان، تشدید شد. از میان گروه‌های شبه‌نظامی اصلی، تنها حزب اسلامی

۱. حبیب الرحمان، صفحه فیسبوک، دیده شده در ۱۸ جولای، ۲۰۱۵

۲. حزب اسلامی افغانستان، صفحه‌ی فیسبوک رسمی، دیده شده در ۱۸ جولای، ۲۰۱۵

حمایت خود را از گروه‌های وابسته به داعش در افغانستان اعلام کرد. در ۱۳ جولای ۲۰۱۵، حزب اسلامی با انتشار مقاله‌ای در حمایت از داعش در صفحه فیسبوکش، این سوال را مطرح کرد: «به نظر شما حزب اسلامی باید چه موضعی اتخاذ کند؟». در این مقاله آمده است: «همه می‌دانند که طالبان با حمایت ایران، برای کشتار مجاهدین وابسته به داعش اعلام جنگ کرده است... همه می‌دانند که این گروه مجاهدین بیش از همه علیه صلیبیون جنگیده اند... اگر این مجاهدین توسط عملیات مشترک طالبان و آمریکایی‌ها کشته شوند، ایالت متحده دیگر هیچ مشکلی با طالبان نخواهد داشت. اکنون شما چه فکر می‌کنید؟ آیا حزب اسلامی که برای جوانمردی‌اش شناخته شده است نیاز دارد تا به برادران مجاهدش در داعش کمک کند یا نه؟ ... افغان‌هایی هستند که فکر می‌کنند مجاهدین داعش همان فعالیت‌های غیرانسانی را در افغانستان انجام می‌دهند که در عراق انجام دادند، اما حوادث در عراق واکنشی به جنایات بی‌شمرانه متعددی بودند که توسط مزدوران ایرانی در عراق انجام شدند که عملاً نسل‌کشی انجام دادند. افراد وابسته به داعش در افغانستان، به این دلیل [از طالبان] جدا شدند که طالبان وابسته به سازمان استخباراتی همسایه هستند. همچنین به دلیل عدم حضور ملا عمر و ترس از این‌که جهاد آن‌ها با معاملات تقسیم قدرت با آمریکا تضعیف نشود».

حضور این گروه بیش از همه تهدیدی برای طالبان بود که ادعا می‌کنند جنبش اصلی مجاهدین در افغانستان هستند. در جون ۲۰۱۵، طالبان نامه‌ای در صفحه فیسبوک خود خطاب به ابوبکر البغدادی رهبر داعش منتشر کرد که در آن علیه راه‌اندازی یک جهاد جداگانه در افغانستان اخطار داده بود. مخالفت طالبان به ظهور داعش، از این نگرانی برمی‌خاست که ممکن بود برخی از جناح‌های ناراضی خود این گروه، جذب تاکتیک‌های افراطی‌تر و خشن‌تری شوند که توسط داعش استفاده می‌شود. تاکتیک‌های وحشیانه داعش آن‌قدر شدید بود که برای دیگر گروه‌های افراطی نیز قابل‌توجه نبود. جمعیت اصلاح، در محکومیت خشونت داعش، متنی بر روی صفحه فیسبوکش منتشر کرد. یکی از گروه‌هایی که به‌وضوح موضع مخالف خود را بیان کرد، حزب التحریر بود. مخالفت حزب التحریر در برابر داعش از این‌رو اهمیت دارد که ادعاهای داعش مبنی بر این‌که این گروه در حال حاضر خلافتی تحت امر ابوبکر البغدادی تاسیس کرده است، در واقع برای دهه‌ها، ایده مرکزی و هدف نهایی التحریر بوده است. در نتیجه، حزب التحریر آن را به‌عنوان طرح مورد حمایت آمریکا محکوم می‌کند. در ۱۳ مارچ ۲۰۱۵، حزب التحریر مقاله‌ای را در صفحه فیسبوکش منتشر کرد با عنوان «فصل جدیدی از جنگ افغانستان» که در آن گفت می‌شود: «آمریکا حضور استعماری

۱. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در ۱۳ جولای، ۲۰۱۵

۲. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در ۱۵ جون، ۲۰۱۵

بلندمدت خود را در افغانستان، زیر یک سناریوی جدید ایجاد فضای وحشت و خطر برای مردم حفظ می‌کند. حضور داعش در افغانستان، می‌تواند به‌عنوان زیرشاخهٔ چنین سناریویی طبقه‌بندی شود. چراکه تهدید داعش و حضور بلندمدت آمریکا، جنگ و نفرت را میان مردم تشدید می‌کند. بنابراین، برنامهٔ جدیدی برای کشتار وجود دارد به‌نام داعش و مبارزه با داعش، و سال‌ها خونریزی در انتظار مردم افغانستان است. آمریکایی‌ها، می‌خواهند با تفاوت‌هایی جزئی، به‌منظور شکل دادن فصل دیگری از نسل‌کشی و کشتار، همان فاجعه‌ای را در افغانستان خلق کنند که در عراق اتفاق افتاد^۱.

۴.۲.۵. امور امت اسلامی

گروه‌های اسلامی خود را به‌عنوان بخشی از امت مسلمان دانسته و در نتیجه تمرکز آن‌ها بر محیط‌های رسانه‌ای جهانی‌تر است. آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی در مورد امور امت مسلمان، از دو جنبه نظر می‌دهند: الف) آن‌ها با ملت‌های مسلمان علیه غربی‌ها و آنچه به‌عنوان «جهان کفر» می‌شناسند همراهی می‌کنند. ب) آن‌ها رهبران کشورهای اسلامی را به‌خاطر فساد و ستمگری، یا تنها به‌دلیل اجرای برنامه‌ای سکولار مورد انتقاد قرار می‌دهند. برای مثال، زمانی که رهبران اخوان‌المسلمین در مصر محکوم به اعدام شدند، حزب اسلامی و جمعیت اصلاح، پیام‌های خود را در محکومیت این عمل و اعلام حمایت کامل از اخوان‌المسلمین در فیسبوک منتشر کردند. در ۲۱ می ۲۰۱۵، جمعیت اصلاح مقاله‌ای از نصیر احمد نویدی، رییس کمیتهٔ مرکزی جمعیت منتشر کرد. در این مقاله با عنوان «عدالت را نجات دهید» بحث شده است: «موضع سیاسی آمریکا و بیشتر دولت‌های اروپایی در این رابطه، چیزی غیر از تایید فیصله‌های شرم‌آور دادگاه‌های مصر و دادن فرصت بیشتر به رژیم کودتایی مصر در جهت سرکوب آزادی و دموکراسی نیست [...] بنابراین، تمام کسانی که باور حقیقی به آزادی و عدالت دارند، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و جنسیت، باید از مرسی و پیروانش دفاع کنند [...] در غیر این صورت، آن‌ها در دنیا و آخرت در پیشگاه خداوند محکوم بوده و نسل‌های بعدی آن‌ها را نخواهند بخشید»^۲.

۱. د حزب التحرير ولایه افغانستان مطبوعاتی دفتر، صفحهٔ فیسبوک رسمی حزب التحرير، دیده شده در ۱۳ مارچ، ۲۰۱۵

۲. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در ۲۱ می، ۲۰۱۵



تصویر ۱۱: ویدیوی پست شده توسط جمعیت اصلاح در کانال یوتیوب رسمی آن که گردهمایی هواداران محمد مرسی (رییس‌جمهور برکنار شده مصر از اخوان المسلمین) را نشان می‌دهد

حتی طالبان که به شدت مخالف گسترش داعش در افغانستان است، برای نشان دادن همراهی با داعش در رابطه با مبارزه با کفار درنگ نکرد. نامه‌ای سرگشاده از طالبان به رهبر داعش که در فیسبوک منتشر شده بود، با ستایش جهاد علیه اشغال‌گران آمریکایی شروع شده و سرآغازی چنین دارد: «آقای ابوبکر البغدادی و تمام مجاهدین مبارز علیه اشغال‌گران آمریکایی، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. ما از خدا می‌خواهیم که تمام مجاهدین در مسیر خود برای پیاده‌سازی یک نظامی اسلامی براساس قانون شریعت پیروز شوند».^۱

مفهوم امت اسلامی برای گروه‌های اسلام‌گرای شبه‌نظامی و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا در افغانستان، در رویکرد آن‌ها نسبت به مشکلات سیاسی و اجتماعی، نقشی محوری دارد. در ۲۱ جولای ۲۰۱۵، هر دو حزب التحریر و جمعیت اصلاح، به مناسبت عید فطر پیام‌هایی تبریکی در فیسبوک منتشر کردند و هم‌زمان هم‌دردی خود را با مسلمانان بخاطر رنج ناشی از آن‌چه آن‌ها توطیه علیه مسلمانان در سراسر جهان می‌نامند ابزار کردند. حزب التحریر در پیام خود نوشت: «اگرچه ما این جشن‌ها را تجلیل می‌کنیم، مهم است که بر فجایع متعددی که مسلمین جهان با آن روبرو هستند نیز تامل داشته باشیم. کشتارهایی که در سوریه، عراق و یمن رخ می‌دهند، بی‌عدالت‌های بی‌شماری هستند که توسط غرب و عوامل آن علیه امت اسلامی ارتکاب یافته‌اند».^۲ در ۱۶ جولای ۲۰۱۵ جمعیت اصلاح، با ترکیب ارزیابی خود از اوضاع افغانستان با ارزیابی‌اش از

۱. الاماره، صفحه ی فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در ۱۶ جون، ۲۰۱۵

۲. د حزب التحریر ولایه افغانستان مطبوعاتی دفتر، صفحه‌ی فیسبوک رسمی حزب التحریر، دیده شده در ۲۱ جولای، ۲۰۱۵

درگیری در سایر کشورهای مسلمان این پیام را ارسال کرد: «متأسفانه هم‌چنان که عید نزدیک می‌شود، میزان فقر و افسردگی بالاتر از گذشته است و جوانان ما از بیکاری رنج می‌برند. افغانستان با چالش‌های سیاسی و نظامی تازه‌ای مواجه است و مردم نیز از ثبات بهره‌ای ندارند. دولت وحدت ملی و حامیان آن مردم را ناامید کرده‌اند. چشم‌انداز صلح مبهم است. در همین حال، بسیاری از برادران در ملت‌های اسلامی در حال رنج بردن هستند: رژیم کودتای مصر در حال کشتار مردم بی‌گناهی است که برای آزادی و کرامت خود مبارزه می‌کنند. توطئه بین‌المللی برای تداوم بحران و تخریب تدریجی سوریه جریان دارد. طرح یهود علیه قبله اول مسلمانان (اورشلیم) ادامه دارد [...] مسلمانان میانمار هنوز هم توسط بودایی‌های افراطی کشته می‌شوند [...] چین، بار دیگر امسال از روزه گرفتن مسلمانان سین کیانگ جلوگیری کرد. از سوی دیگر، توطئه جدیدی علیه لیبیا و تونس وجود دارد و دشمنان اسلام، از درون و بیرون جوامع مسلمان، جنبش‌های اسلامی و فرزندان امت را از مراکش تا اندونزی تحت فشار قرار می‌دهند تا بتوانند آن‌ها را منزوی کرده و ثروتشان را مورد سوءاستفاده قرار دهند»^۱.

آن‌ها با تعمیم مشکلات اجتماعی-سیاسی مردم مسلمان سراسر جهان، با اهریمنی جلوه‌دادن غیرمسلمانان و تبلیغات درمورد توطیه‌های ضداسلامی طراحی شده توسط کفار، خود را به‌عنوان تنها نیروهایی که می‌توانند برای مشکلات مختلف راه‌حل ارائه بدهند معرفی کردند.

۳.۴. نقش سرودها و آهنگ‌های طالبان در تاثیرگذاری و روند جذب نیروی جنگجویان طالبان

ایده‌های افراطی که با استفاده از آهنگ‌های مذهبی توسط طالبان گسترش می‌یابند، معمولاً سرودهای طالبان نامیده می‌شوند. این آهنگ‌ها از طریق بلوتوث و توسط افرادی که معمولاً در مناطق روستایی افغانستان زندگی می‌کنند منتشر می‌شوند. بنابراین آن‌ها راه‌های مهمی برای درک جنبه‌های گفتاری شورش طالبان و استراتژی‌های بسیج‌سازی اجتماعی آن‌ها ارائه می‌دهند. این سرودها نیز مانند پلت‌فورم‌های رسانه‌های اجتماعی در مناطق شهری، پیام‌های طالبان را به گروه‌های اجتماعی که دسترسی اندکی به اینترنت دارند منتقل می‌کنند. آن‌ها جایگزین کم‌هزینه‌ای برای رسانه‌های اجتماعی هستند، به‌ویژه در مناطق جغرافیایی روستایی افغانستان که دسترسی وجود ندارد. با این حال، در این تحقیق دریافتیم که این سرودها به‌طور فزاینده‌ای از طریق صفحات شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و یوتوب نیز منتشر می‌شوند. تا زمان انتشار این مقاله، تحقیقات قابل توجهی بر روی استفاده از سرودهای طالبان وجود نداشته است. با این وجود

۱. اصلاح آنلاین، صفحه‌ی فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در ۱۶ جولای، ۲۰۱۵

این مطالعه نتیجه می‌گیرد که این سرودها براساس گفته‌ها، با نگرانی‌هایی که درمورد افراط‌گرایی وجود دارد مرتبط هستند.

سرودهای طالبان موزیک ندارند و محتوای آن‌ها مذهبی هستند. بسیاری از آن‌ها جوانان افغانستان را به مبارزه علیه دولت و نیروهای دولتی فرا خوانده و ادعا می‌کنند که مبارزه علیه این حکومت و حامیان آن، وظیفه هر فرد است. درحقیقت، طالبان به‌گونه‌ای فزاینده از این سرودها برای تشویق جوان استفاده می‌کنند تا سلاح به دست بگیرند و با استفاده از احساسات جوانان، آن‌ها را برای جنگیدن در خط مقدم تشویق می‌کنند. اغلب سرودها به زبان پشتو هستند و از ساختارهای زبانی ساده‌ای استفاده می‌کنند که آن‌ها را برای افرادی با سطح سواد پایین، که شامل بسیاری از اعضای نیروهای امنیت ملی افغانستان^۱ نیز می‌شود، قابل درک می‌سازد. در نتیجه این سرودها تاثیرگذاری فوق‌العاده‌ای دارند چراکه تقریباً برای تمام افراد در سطوح مختلفی از آموزش قابل فهم هستند.

اگرچه طالبان سرودهای شناخته‌شده متعددی دارند، در این تحقیق ۱۱ سرودی که ایدئوژی‌های زیر را منتشر می‌کنند، تحلیل شده‌اند:

- (۱) موعظه مردم برای پذیرفتن دین
- (۲) انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت
- (۳) جذب نیروی جوان بیشتر
- (۴) نفوذ در نیروهای امنیتی
- (۵) افزایش خودنمایی میان مردم و جامعه بین‌المللی
- (۶) یادآوری و تجلیل از مرده‌هایشان.

اگرچه محتوای این سرودها به راحتی قابل فهم هستند، اما خود این سرودها در بسیاری از مناطق در مقابل پولی اندک به فروش می‌رسند. اغلب این پیام‌ها در بازارهای شهر پیشاور تولید شده و در ابتدا در آن بازارهای موسیقی فروخته می‌شوند.^۲ علاوه بر آن بازارهای موسیقی، این سرودها در فضای آنلاین نیز در

1. Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>, Accessed on July 21, 2015

۲. مصاحبه با یک خبرنگار افغان، سپتامبر ۲۰۱۵

وبسایت‌های مختلفی شامل یوتیوب و وبسایت امارت اسلامی طالبان و دیگر پلت‌فرم‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک منتشر می‌شوند. آن‌ها از طریق نوارهای کاست و در کارت‌های حافظه، مخفیانه به افغانستان منتقل می‌شوند. این سرودها در مغازه‌های موبایل‌فروشی، کامپیوترفروشی و موزیک نیز موجود هستند و می‌توانند در بدل کمتر از ۲ دالر در این مغازه‌ها منتقل شوند.^۱

۴.۳.۱. موعظه مردم برای پذیرفتن دین

طالبان یک سازمان مذهبی سنت‌گرا بوده و تصریح دارد که موسیقی در اسلام منع شده است. طالبان در دوران حکومت خود موزیک‌ها را سانسور و فعالیت‌های هنری را محدود کردند. آن‌ها چنین طرح‌هایی را به‌عنوان تفریحاتی که موجب حواس‌پرتی و عمل‌نکردن به اسلام اصیل و عبادت واقعی می‌شوند در نظر می‌گرفتند. در طول حکومت طالبان، مغازه‌های موسیقی مجاز به فروش هیچ نوع موسیقی غیر از سرودهای طالبان و دیگر آهنگ‌های مذهبی نبودند. آن‌ها استدلال می‌کردند که موسیقی در اسلام حرام است، چراکه اعتقادات فرد را تضعیف کرده و باعث می‌شود خدا را فراموش کند. طالبان سرودهای مذهبی را جایگزینی برای موسیقی می‌دانند و در طول حکومت خود تلاش کردند موسیقی‌های محبوب را با سرودهای طالبان که توسط مولوی فقیر محمد و قاری سراج‌الدین و افراد دیگری خوانده می‌شد جایگزین کنند. آن‌ها در طول حکومت خود به‌طور منظم از سرودهایشان در جلسات رسمی، تجلیل روزهای ملی و تمرین‌ها و رژه‌های نظامی استفاده کردند.

این سرودها مردم را به اسلام دعوت کرده و بر اهمیت فقه و اعتقادات اسلامی تاکید دارند. همچنین در آن‌ها خصوصیات خداوند و حضرت محمد و نشانه‌هایی از جنت (بهشت) از نکات اصلی هستند. اشاراتی به سفر مذهبی حج به مکه و انجام دیگر امور مذهبی نیز وجود دارد. این سرودها به‌صورت محلی «نات شریف» نامیده می‌شوند. سرود زیر یکی از نمونه‌هایی است که به خصوصیات حضرت محمد اشاره می‌کند:

محمد، نماد حقیقی عدالت بود

محمد، تو آرامش قلب‌های عاشقی

با آمدنت، نور عدالت زمین گستر شد

تاریکی رفته بود، تو نور و روشنایی هستی

تو آرامش قلب‌های عاشقی

در این سرود، طالبان با نامیدن حضرت محمد به‌عنوان نماد حقیقی عدالت، در تلاش برای برجسته‌ساختن فعالیت‌های او هستند و از مردم می‌خواهند گام‌های او را دنبال کنند. سرودهایی با پیام‌های مذهبی، مخصوصاً در ستایش حضرت محمد، میان مسلمانان در دیگر کشورها نیز محبوب هستند. با این حال، طالبان از آن‌ها برای به‌دست‌آوردن حس هم‌دردی مردم به نفع خودشان استفاده می‌کنند. این سرودها از لحاظ احساسی، برای یک مسلمان معتقد بسیار جذاب هستند و زمانی که آن‌ها شروع به گوش دادن به آهنگ‌های مذهبی می‌کنند، به آهنگ‌هایی برمی‌خورند که نه تنها در مورد مذهب و حضرت محمد صحبت می‌کنند، بلکه ایده‌های افراطی‌تری نیز در آن‌ها مطرح می‌شوند. طالبان از این آهنگ‌ها به‌عنوان تاکتیک‌هایی برای تاثیرگذاری بر نسل‌های جوان افغانستان به‌منظور استخدام آن‌ها استفاده می‌کنند.

۲.۳.۴. انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت

به‌نظر می‌آید در سال‌های اخیر، طالبان هدف‌قراردادن دولت را با این سرودهای مذهبی، افزایش داده باشند. طالبان در این سرودها به فساد، حکومت‌داری ضعیف، اقدامات سوء مدیریتی اشاره کرده و مقامات دولت افغانستان را دست‌نشانده کشورهای غربی می‌نامند. همچنین آن‌ها سرودهایی نوشته‌اند که افراد سرشناس را هدف قرار می‌دهد و از آن سرودها به‌عنوان ابزاری برای نفوذ مثبت بر مخاطبان هدف خود استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در سرود زیر، طالبان از رییس‌جمهور سابق حامد کرزی می‌خواهند تا خارجی‌ها را اخراج کنند.

ای کرزی، تو باید انگلیسی‌ها از این کشور بیرون کنی

آنها ممکن است مهمان تو باشند، اما دشمنان مرا اخراج کن

ای کرزی، بگو تو رنجرها و هواپیماهای آنها را نیاز نداری

من یک مسلمان خالص هستم، و نه دلارهای آن‌ها و نه کمک‌هایشان را نمی‌خواهم، این را به کرزی بگو

در این سرود طالبان می‌گویند خارجی‌ها افغانستان را اشغال کرده‌اند و به‌عنوان مهمانان رییس‌جمهور کرزی، کارهای زیادی انجام داده‌اند. هدف طالبان در این جا تحریک احساسات در میان افغان‌ها علیه حکومت و خارجی‌ها است.

طالبان سرود دیگری در مورد دلارهای آمریکایی منتشر کردند. در این جا هم طالبان با اشاره به فساد، ادعا کردند که این پول‌ها افرادی که به‌اصطلاح رهبران مردم هستند منحرف کرده‌اند. شعر این است:

شما بسیاری از مردم را منحرف کرده‌اید

دلارهای شما - شما یک شعبده‌باز هستید و جذابیت‌های زیادی دارید

کسی که دیروز رهبر و همچنین واعظ ما بود

امروز او برده شما است، آه، جادوی دلارهای شما، شما جذابیت‌های زیادی دارید

این سرود، انتقال‌دهنده این پیام است که بسیاری از مردم ثروت خود را به شکل غیرقانونی در ۱۵ سال گذشته به دست آورده‌اند - از طریق دولتی که توسط خارجی‌ها راه‌اندازی شده است. همچنین طالبان می‌خواستند پیامی برای مردمی بفرستند که افراد سرمایه‌داری که صاحب ارزهای خارجی شده‌اند، نشانه‌ای دیگر از دخالت آمریکا در امور جنگ داخلی افغانستان هستند که تعداد زیادی از مردم کشور را به فساد کشیده‌اند.

۴.۳.۳. جذب نیروی جوان بیشتر

شواهد قابل توجهی وجود دارند که جوانان، هم در مناطق روستایی و هم در شهرهای بزرگ افغانستان، از این سرودها الهام گرفته و نقش فعالی در انتشار آن‌ها از طریق بلوتوث و پلت‌فورم‌های شبکه‌های اجتماعی دیگر دارند. برای مثال، در یکی از گزارش‌های رادیو آزادی، با چند مردم جوان در کابل در مورد استفاده آن‌ها از سرودهای طالبان مصاحبه شده است و تمام آن‌ها می‌گویند که این سرودها به آن‌ها انگیزه مبارزه داده است. شواهد به‌طور روزافزون نشان می‌دهند که مردم در شهرهای بزرگ از جمله کابل، به سرودهای طالبان گوش می‌دهند. یک جوان به رادیو آزادی گفته بود که از گوش دادن به سرودهای طالبان لذت می‌برد چراکه به او کمک می‌کنند درک بهتری از این داشته باشد که چرا باید به طالبان ملحق شود. جوان مصاحبه‌شده دیگری توسط رادیو آزادی ادعا کرده بود این سرودها باعث شدند او برای شرکت در جهاد ترغیب شود. براساس این گزارش، تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از جوانان افغانستان این سرودها را در موبایل‌های خود دارند و آن‌ها را به راحتی از طریق بلوتوث با دیگران شریک می‌کنند.^۱

تمرکز عمده سرودهای طالبان بر جذب نیروهای جدید است. از آنجا که سرودهای طالبان در حال حاضر در اینترنت قابل دسترس هستند، بالقوه این قابلیت را دارند تا بر جوانانی که دسترسی آسان به اینترنت دارند، و همچنین جوانانی که از طریق بلوتوث در مناطقی که دسترسی به اینترنت وجود ندارد این سرودها را دریافت می‌کنند، تاثیر بگذارند. بعلاوه، طالبان از این سرودها و آهنگ‌های مذهبی در پس‌زمینه بعضی از ویدیوی خود به عنوان بخشی از استراتژی جذب نیرو استفاده می‌کنند. مردم عادی فیلم‌های تبلیغاتی طالبان

۱. سمیع بصری، چرا شنیدن ترانه‌های طالبان در میان جوانان افغان بیشتر شده است؟ رادیو آزادی، افغانستان، ۱۰ جولای، ۲۰۱۱،

<http://da.azadiradio.org/content/article/24261145.html>

را تماشا کرده و به سرودهای آنها در موبایل‌های خود گوش می‌دهند. برای نمونه، در سرود زیر، طالبان جوانان را خطاب قرار داده و بحث می‌کنند که «نشستن در خانه کاری است که زنان انجام می‌دهند» و این که «مردان باید باید به میدان نبرود بروند».

برو چوری بیانداز، مانند زنان

گلدانی بردار، مانند زنان و آب بیاور

اگر نمی‌خواهید مبارزه کنید، به چه درد می‌خورد موهای بلندتان

تمام آن چه انجام می‌دهید فقط خوردن است

و کسانی که در جنگ سهم نمی‌گیرند، باید به سرهایشان شلیک شود

کسانی که شرکت نمی‌کنند در جنگ، در سایه می‌خوانند

کرزی لباس‌هایی به رنگ‌های مختلف می‌پوشد تمام روز

او می‌خورد و می‌نوشد و می‌خوابد

و آنها که به میدان جنگ نمی‌روند

سرود دیگری که برای جذب و استخدام جوانان استفاده می‌شود می‌گوید:

کاش کفش‌های خدمتی داشتم و راکتی سبز بر شانه‌هایم می‌گذاشتم

آرزو می‌کنم کاش فقط یک دختر نبودم

آرزو می‌کنم فقط یک دختر نبودم و می‌جنگیدم علیه یهودها در کوه‌ها

آرزو می‌کنم فقط یک زن نبودم و زندگی من پر از مبارزات بود

آرزو می‌کنم کاش فقط یک زن نبودم و می‌توانستم ماشه بکشم با استفاده از گلوله‌های خودتان

محمداسماعیل یون، صاحب رسانه ژوندون و رییس جنبش ملی، در مصاحبه با رادیو آزادی گفت که این سرودها امکان خلق خشم و نارضایتی میان جوانان علیه دولت و نیروهای خارجی نیز دارند. این آهنگ‌ها احساسات آنها را تحریک کرده و حس هم‌دردی با طالبان خلق می‌کنند. به گفته آقای یون، گوش دادن به این آهنگ‌ها مانند «پخش موسیقی برای مار» است و می‌تواند تاثیر شدیدی بر مردم داشته باشد و نتیجه‌های آن به نفع افغانستان نیست. او همچنین اضافه می‌کند که توافق نظری وجود دارد که طالبان از این سرودها به‌عنوان ابزار تاثیرگذاری برای ترویج برنامه‌های خود استفاده می‌کنند. این یک واقعیت آشکار است. از آنجا که اکنون طالبان نمی‌توانند از رادیو یا تلویزیون برای تبلیغات خود استفاده کنند، بنابراین با تولید نوارهای کاست حاوی این سرودها، جایگزینی برای دسترسی به جمعیت بزرگ‌تر فراهم می‌کنند.

طالبان از این سرودها، زمانی که گروه‌ها را جمع کرده و با آن‌ها ملاقات دارند، به‌عنوان ابزار موثری استفاده می‌کنند. در مصاحبه‌ای^۱ با یکی از ساکنان منطقه چهاردره ولایت هلمند، مشخص شد که طالبان گاه‌گاهی به مسجدهای محلی سر می‌زنند و این سرودها را با استفاده از بلندگوهای مساجد منتشر می‌کنند. او همچنین اضافه کرد که در ابتدا علاقه‌ای به گوش دادن به این سرودها نداشته است. با این حال، پس از اصرار از سوی برخی از اعضای طالبان، او شروع به گوش دادن به این سرودها کرده بود. به تدریج علاقه بیشتری به آن‌ها پیدا کرده و این اندیشه در او شکل گرفته بود که باید از طریق مبارزه علیه کفار به خداوند خدمت کند. این نمونه، نشان می‌دهد که این سرودها چگونه بر مردمی که به‌طور منظم به آن‌ها گوش می‌دهند تاثیر می‌گذارد. چندین عامل وجود دارد که چرا مردم تحت تاثیر این سرودها قرار می‌گیرند. محتوای این سرودها برای مسلمانانی که در افغانستان زندگی می‌کنند بسیار جذاب هستند. برای مثال، سرودی که در بالا ذکر شد، در مورد رییس‌جمهور قبلی افغانستان حامد کرزی بود که تعلیمات اساسی دین اسلام را دنبال نمی‌کند. در این سرود، طالبان ادعا می‌کنند که کرزی با زندگی مرفه خود مشغول است و می‌خواهد و شراب می‌نوشد. نکته مهم آن‌جاست که در اسلام، هر شکلی از الکل حرام است و طالبان این مسایل را در مورد مقامات دولتی برجسته می‌کنند تا رنجش و خشم مردم علیه آن‌ها را که در نهایت به نفع طالبان تمام می‌شود، افزایش بدهند.

۴.۳.۴. نفوذ در نیروهای امنیتی

شواهد نشان می‌دهند که سرودهای طالبان در میان نیروهای امنیتی، عمدتاً به دلیل سطح پایین سواد در میان آن‌ها، محبوب هستند. بیشتر کارکنان بخش امنیتی در افغانستان یا از سطح پایین آموزش برخوردارند یا هیچ‌گونه آموزش رسمی ندیده‌اند.^۲ برطبق یافته‌های طلوع‌نیوز، نزدیک به ۷۰ درصد کارمندان وزارت داخله بی‌سواد هستند.^۳ سرودهای طالبان به زبانی ساده نوشته شده و پیام‌های آن‌ها برای مخاطبانشان کاملاً روشن هستند. نیروهای امنیت ملی افغانستان، مانند سایر مردم این کشور، دسترسی آسانی به این سرودها دارند. این سرودها مستقیماً، به‌عنوان دلیل حداقل یکی از حملات «سبز بر آبی» که در نوامبر ۲۰۱۰ اتفاق افتاد ذکر می‌شوند. در این حمله^۴، عزت‌الله وزیرول یکی از پلیس‌های مرزی، که تحت آموزش آمریکایی‌ها بود، به تعدادی از مریبان خود که در حال استراحت بودند حمله کرد. او پیش از آن‌که توسط سایر نیروهای

۱. مصاحبه با یک خبرنگار افغان، ۱۵ سپتامبر، ۲۰۱۵

2. Farid Hussainkhail, 60,000 Afghan Police Are Illiterate, Tolonews, April 22, 2015, <http://www.tolonews.com/en/afghanistan/19181-60000-afghan-police-are-illiterate>, Afghanistan

3. Ibid

4. Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, October 21, 2011, <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>

امنیتی کشته شود، ۶ سرباز آمریکایی را کشت. یک تحقیق بی‌بی‌سی که پس از آن انجام شد، فاش کرد که عزت‌الله این حمله را پس از آن که تحت تاثیر طالبان قرار گرفته بود انجام داد. یکی از دوستان نزدیک او به بی‌بی‌سی گفته بود که در آن زمان، عزت‌الله به سرودهای طالبان گوش می‌داد. این مساله پس از تحقیقات توسط نیروهای امنیت ملی افغانستان نیز تایید شد و آن‌ها سرودهای طالبان را که چنین حملاتی را تشویق می‌کرد، از موبایل او بازیابی کردند. دو سرود زیر از موبایل عزت‌الله بازیابی شده است:

برو چوری بیانداز، مانند زنان

گلدانی بردار، مانند زنان و آب بیاور

اگر نمی‌خواهید مبارزه کنید، به چه درد می‌خورد موهای بلندتان

تمام آن چه انجام می‌دهید فقط خوردن است

زمانی که خبر شهادت تو را شنیدم، اشک از چشمانم جاری شد

مرگ تو مرا در میان غم و اندوه قرار داد، در سراسر لغمان اشک و ماتم بود

تلاش کردم خودم را آرام کنم، اما نمی‌توانم

به خدا سوگند، نمی‌توانم تحمل کنم

سرودهای طالبان، به‌وضوح جوانان را فرا می‌خواند تا اسلحه به دست گرفته و به‌منظور مبارزه با کفار به صفوف طالبان بپیوندند. در سرود اول، طالبان مردان جوانی را که در جنگ در کنار طالبان سهم نمی‌گیرند، با زنان مقایسه کرده‌اند. جوانانی که در جامعهٔ مردسالاری مانند افغانستان زندگی می‌کنند، هرگز نمی‌خواهند با زنان مقایسه شوند. بنابراین، این سرودها برای آن طراحی شده‌اند که احساسات جوانان را تحریک کرده و آن‌ها را برای اثبات شجاعتشان تشویق به پیوستن به طالبان کنند.

۴.۳.۵. افزایش خودنمایی میان مردم و جامعهٔ بین‌المللی

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، طالبان دسترسی منظم و مستقیم به امکانات رسانه‌ای معتبر مانند تلویزیون، رادیو یا نشریه‌ای که آن‌ها را قادر بسازد پیام‌هایشان را منتشر کنند ندارند. شواهد نشان می‌دهد که طالبان چند ایستگاه‌های رادیویی در مکان‌های محدودی دارند. با این حال، یک ابزار عمده برای انتشار ایدئولوژی افراطی، که همچنین کارآمدترین، امن‌ترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه برای انتشار پیام‌هایشان به حساب می‌آید، از طریق سرودها است. آن‌ها پیام‌های روشنی برای دولت افغانستان و جامعهٔ بین‌المللی درمورد

1. Ibid

مسائل مختلفی از جمله این که چرا طالبان علیه آنها می‌جنگند، می‌فرستند. سرود زیر به جامعه بین‌المللی توضیح می‌دهد که چرا طالبان علیه آنها مبارزه می‌کنند:

من شب‌های تاریک را مخفیانه در کوه‌ها به سر می‌برم

با این حال، شما مرا سرزنش می‌کنید

خانه‌ام بمباران شده است و کودکانم آواره

و شما مردم جهان، هنوز هم مرا سرزنش می‌کنید

این بیگانگانه به خانه‌ام تجاوز کردند

آنها مرا وادار به جدایی از دینم می‌کنند

شما مهاجمان

این شاید برای شما مسأله اندکی باشد، اما برای من مهم است

و شما مردم جهان هنوز هم مرا سرزنش می‌کنید

طالبان در این سرود به روشنی بیان می‌کنند که نیروهای بین‌المللی به افغانستان تجاوز نموده، خانه‌های بسیاری از مردم را بمباران کرده، و برای تغییر اعتقادات مردم افغانستان تلاش می‌کنند. همچنین طالبان این مسأله را تأکید می‌کنند که هدف اصلی نیروهای خارجی نه آوردن صلح، بلکه هدف پنهانی دیگری است. آنها استدلال خود را بر این حقیقت بنیاد نهاده و جهاد علیه نیروهای خارجی را توجیه می‌کنند.

طالبان در سرود دیگر از موفقیت‌های خود در برابر نیروهای خارجی صحبت می‌کنند. طالبان تلاش دارند تا به مردم بگویند آنها قوی و در حال پیروزی هستند و می‌توانند با نیروهای افغان و حامیان بین‌المللی شان مبارزه کنند.

این پیام‌ها و سرودها به سرعت گسترش پیدا کرده و دیگر محدود به این منطقه نیستند. با توجه به تحقیقات اخیر توسط رادیو افغان، سرودهای طالبان در حال گسترش به اروپا و ایالات متحده هستند. این گزارش افزوده است، اگرچه لحن و پیام سرودهای طالبان در حال شدت گرفتن هستند و تعداد بیشتری با آنها آشنا می‌شوند، حقیقت این است که دسترسی تعداد بیشتری در خارج از منطقه به این رودها یک پدیده جدید است. دو تفسیرگر بین‌المللی برجسته (فلیکس کوهن و الکس استرایک) یک مجموعه از سرودهای طالبان را ترجمه کرده‌اند که توسط یک شرکت انتشاراتی بریتانیایی منتشر و توزیع شده است - صدها نسخه در غرب و اروپا به فروش رفته‌اند. این کتابها و متون چاپ‌شده مشابه، بحثی در مورد میزان توجه و حمایت

آن‌ها در غرب آغاز کرده‌اند. باین‌حال، خواندن سرودهای طالبان به زبان انگلیسی دشوار است و این‌که چقدر این شعرها در افراط‌گرایی افراد و سوق‌دادن آن‌ها به سمت اهداف طالبان تاثیر دارند، ناشناخته می‌ماند.

۴.۳.۶. یادآوری و تجلیل از کسانی که مرده‌اند

سرودهای طالبان همچنین شهادت در عملیات‌ها را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها و لحظات افتخارآمیز تجلیل می‌کنند. برای مثال، سرود زیر از یکی از فرماندهان طالبان به نام فرمانده ملا شهزاد که اخیراً در ولسوالی نوزاد طالبان کشته شده است ستایش می‌کند:

ای قبرستان، عزیزان ما را فراموش نکنی
ملا شهزاد، نماد موفقیت ما را فراموش نکنی
یک شاخه گل رز سفید از قلب «نوزاد» بیرون آمده است
او نتیجهٔ سرکوب و تهاجم است
او در آغوش تو پناه می‌جوید
نباید جنگ‌جویان و مسافران را فراموش کنی
نباید ملا شهزاد، نماد موفقیت ما را فراموش کنی

طالبان در این سرود از غرور و افتخار برای فرماندهان خود صحبت می‌کنند. این سرود فرمانده را یک شهید نامیده و ادعا می‌کند این بهترین راه مردن است. طالبان همچنین تلاش کردند تا دیگران را متقاعد سازند به این‌که مبارزه علیه بدی‌ها و به‌خاطر سپاردن مردگان، وظیفهٔ آن‌ها است. بخش دیگری از سرود طالبان به ستایش جنگ‌جویان اختصاص یافته است. به نمونهٔ بعدی توجه کنید:

آه، مسافر کوه‌های بلند که در هجوم بادهای قوی هستی
من خود را برای شما قربانی می‌کنم
من خود را برای سرباز دین قربانی می‌کنم
شما بسیار رنج برده‌اید
من خود را برای شما قربانی می‌کنم
اما هربار، شما در میدان‌های جنگ بوده‌اید
من خود را برای شما قربانی می‌کنم
شما مدافع در مانده‌ها بوده‌اید

من خود را برای شما قربانی می‌کنم
 شما سرباز دین بوده‌اید
 شما سرکوب‌گران را نگه داشته‌اید
 من خود را برای شما قربانی می‌کنم
 شما سرباز دین هستید
 من خود را برای شما قربانی می‌کنم.

باز هم در این سرود اشاره‌های مهمی به میدان جنگ شده است و این‌که چگونه مردم تشویق به برداشتن سلاح شده و به میدان جنگ می‌روند. این شعر از کسانی که در میدان‌های نبرد رنج برده و با وجود سپری کردن دورانی دشوار، هنوز میدان جنگ را ترک نکرده‌اند ستایش می‌کند. در این سرود، کسانی که از سرکوب‌شدگان دفاع می‌کنند، ناجی درماندگان نامیده می‌شوند که علیه سرکوب‌گران می‌جنگند. این بدان معناست که طالبان مبارزان خود را به‌عنوان جنگ‌جویان و قهرمانانی می‌بینند که از فقیران و درماندگان درمقابل نیروهای امنیتی دولتی و خارجی دفاع می‌کنند.



تصویر ۱۲: یک صفحه فیسبوک پر از آهنگ‌های طالبان که مردگانش را تجلیل کرده و تبلیغات علیه دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش را منتشر می‌کنند

۴.۴. درک مردم در مورد روایت‌های رادیکال در رسانه‌های اجتماعی

هدف این بخش برجسته‌کردن تصورات و تجارب مردم افغانستان در مورد روند افراط‌گرایی در

رسانه‌های سراسر ۴ ولایت افغانستان - هرات، جلال‌آباد، کابل و مزارشریف - است. به‌منظور پشتیبانی از اطلاعات مبتنی بر واقعیتی که در بخش‌های قبلی این مقاله برجسته شده‌اند، ما برای درک بیشتر از شیوه‌های که افراد و گروه‌های افراطی پیام‌های خود را منتشر می‌کنند، با کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی در شهرهایی که ذکر شد مصاحبه کرده‌ایم. برای دستیابی به دیدگاه‌های مختلف در رابطه با این موضوع، ۷۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ژرف‌کاوانه با افرادی شامل دانشجویان، خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی، رهبران مذهبی، دانشجویان و مقامات دولتی و امنیتی صورت گرفت. با این حال، ما می‌دانیم که مصاحبه با ۷۲ کاربر شبکه اجتماعی، از تمام جمعیت کاربران در افغانستان نمایندگی نمی‌کند. اما این بخش تصویری کلی از دیدگاه و برداشت مردم در مورد انواع مختلف روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

۴.۴.۱. استفاده از رسانه‌های اجتماعی در افغانستان

محبوب‌ترین پلت‌فورم رسانه‌های اجتماعی در میان مصاحبه‌شوندگان فیسبوک، به‌دنبال آن توئیتر، یوتیوب، اینستاگرام و گوگل‌پلاس هستند. کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در هرات، جلال‌آباد، کابل و مزارشریف، عمدتاً از فیسبوک برای برقراری تماس با خانواده‌ها و دوستانشان، و همچنین پیگیری اخبار و امور جاری و تبادل نظر در امور سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کنند. تنها تعداد کمی از شرکت‌کنندگان در جلال‌آباد باور داشتند که رسانه‌های اجتماعی برای بسیج سیاسی و اجتماعی در افغانستان، مانند تظاهرات‌های خیابانی و غیره، استفاده می‌شود. برخی از دانش‌آموزان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، از رسانه‌های اجتماعی برای ارتباط داشتن با تعدادی از چهره‌های آکادمیک برجسته در کشورهای غربی استفاده می‌کنند، در حالی که تعداد اندک دیگری، فعالانه در انجمن‌های مختلف برای مقابله با انتشار ایدئولوژی‌های افراطی سهم می‌گیرند. مردم مصاحبه‌شده در کابل، هرات و مزارشریف، عمدتاً از رسانه‌های اجتماعی برای پی‌گیری اخبار و امور جاری، تبادل دیدگاه در مورد امور اجتماعی و سیاسی و برقراری ارتباط با خانواده‌ها و دوستانشان استفاده می‌کنند.

با افزایش استفاده از اینترنت در افغانستان، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی نیز افزایش یافته است. پاسخ‌دهندگان در هر چهار شهر نشان دادند که جوانان تا حد زیادی برای به‌روزرسانی اخبار به رسانه‌های اجتماعی وابسته هستند و به‌راحتی توسط روایت‌های مختلف افراطی در رسانه‌های اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. برای مثال، یک استاد دانشگاه مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، ادعا کرد که در سال ۲۰۱۴، در طول درگیری‌ها بر سر ریاست‌جمهوری میان عبدالله عبدالله و اشرف غنی، او تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در میان

جوانان جامعه‌اش مشاهده کرده است. این اظهارنظر توسط تعداد دیگری از استادان انشگاه جلال آباد نیز تایید شد. آن‌ها گفتند که فیسبوک در گذشته به‌عنوان یک ابزار سرگرمی دیده می‌شد اما مردم اخیراً بحث و گفت‌وگو در رابطه با مسایل سیاسی را آغاز کرده‌اند که پس از سردرگمی‌ها بر سر انتخابات پارلمانی، برای چندین ماه ادامه داشت. به‌عبارت‌دیگر، انتخابات ۲۰۱۴ نقطه‌عطفی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای بیدارسازی سیاسی و مدنی در افغانستان بود.

یکی از استادان در جلال‌آباد گفت که بازدید از پلت‌فورم‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی، یک عمل رایج میان دانش‌آموزان شده است و ادعا کرد که ۱۰۰ درصد دانش‌آموزانی که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند، توسط مسایل افراطی جاری، به یک شکلی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. وی افزود که مشاهده می‌شود بیشتر جوان‌ها در پست برخی چهره‌های شناخته‌شده در فیسبوک لایک و نظر می‌گذارند و اکثریت این جوانان تعدادی از پست‌ها را بدون بررسی هیچ‌کدام از اطلاعاتی که در آن‌ها ذکر شده است به‌اشتراک می‌گذارند. چندین مصاحبه‌دیگر نشان دادند که جوان‌ها توسط عناصر مختلف افراطی در فیسبوک و دیگر پلت‌فورم‌های رسانه‌های اجتماعی فریب خورده و ناخودآگاهی نظراتی هم‌راستا با عناصر تندرو بیان می‌کنند. اکثریت پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد، در پاسخ به این سوال که آیا رسانه‌های اجتماعی برای بسیج اجتماعی در افغانستان استفاده می‌شود، اکثریت پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد ادعا کردند که شبکه‌های اجتماعی تنها به‌عنوان ابزاری برای سرگرمی و منبع خبری استفاده می‌شود. با این حال، چندتن از پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد ادعا کردند که در گذشته، رسانه‌های اجتماعی در شهرها برای اعلام مسایلی مثل خاموش برق و تظاهرات علیه سوزاندن قرآن استفاده شده است. در هرات و کابل، کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده، فعالانه از رسانه‌های اجتماعی برای بسیج اجتماعی از طریق اعلام برنامه‌های رویدادهای عمومی در فیسبوک و تویتر استفاده می‌کنند. اطلاع‌رسانی به افراد هم‌فکر در زمینه‌های مختلف، و بحث‌و بررسی مشکلات جاری که مردم در جوامع خود با آن مواجه هستند از طریق رسانه‌های اجتماعی، ساده‌تر است. یکی از فعالان جامعه مدنی در هرات ادعا کرد که او و دوستانش از رسانه‌های اجتماعی برای پرکردن شکاف میان افراد لیبرال و مذهبی استفاده می‌کنند، در حالی که تعداد کمی از مردم مصاحبه‌شده در مزار ادعا کردند که آن‌ها در مقابله با ایدئولوژی‌های افراطی، برای افشای مردمی که حساب‌های جعلی می‌سازند تلاش می‌کنند. یکی از فعالان جامعه مدنی مصاحبه‌شده در مزارشریف گفت که او در همکاری با سازمان‌های مختلف جامعه مدنی، برای بسیج مردم و بالابردن سطح آگاهی عمومی علیه عناصر افراطی در بین مردم و در رسانه‌های اجتماعی، از

این رسانه‌ها استفاده می‌کند.

۲.۴.۴. استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط عناصر تندرو

تنها چند نفر از پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت معتقد بودند که گروه‌های تندرو از رسانه‌های اجتماعی به منظور جذب نیرو استفاده می‌کنند. باین‌حال، اتفاق‌نظر میان تمام کاربران شبکه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده این بود که عناصر تندرو از رسانه‌های اجتماعی عمدتاً برای به‌دست‌آوردن حمایت نسبت به اهدافشان استفاده می‌کنند و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند. یکی از خبرنگاران مصاحبه‌شده در کابل ادعا کرد که رسانه‌های اجتماعی عمدتاً برای شستشوی مغزی و استخدام جوانان برای عمال خشونت‌آمیز به علت‌های مختلف استفاده می‌شوند. او به مبارزه آنلاین داعش برای جذب نیرو از میان جنگ‌جویان خارجی اشاره داشت.^۱ به گفته وی، طالبان نیز از رسانه‌های اجتماعی به هدف جذب نیرو استفاده می‌کنند. او هشدار داد که اگر دولت افغانستان سیاست‌های مناسبی برای جلوگیری از فعالیت‌های عناصر افراطی در رسانه‌های اجتماعی اجرا نکند، این می‌تواند به مشکلاتی جدی برای آینده افغانستان بینجامد. یک دانش‌آموز و یک کارمند دولت مصاحبه‌شده در کابل، ادعا کردند که عناصر افراطی حساب‌های جعلی با استفاده از عکس‌های جعلی و نام دختران می‌سازند و از آن برای جذب جوانان استفاده می‌کنند. دارندگان این حساب‌ها سعی می‌کنند دخترانی را به‌تصویر بکشند که برای مردان جوان جذابیت دارند، در حالی که ایده‌های افراط‌گرایانه خود را انتشار می‌دهند، تا زمانی که در متقاعدکردن جوانان به پیوستن به آن‌ها موفق شوند.

یک محقق مصاحبه‌شده در کابل گفت که گروه‌های رادیکال پیام‌هایی را تبلیغات می‌کند که بر ایده‌هایی با ریشه‌های عمیق در متون مذهبی مسلمانان تکیه دارند. او اشاره کرد که واژه‌هایی مانند جهاد و کافر و جملاتی مانند «اسلام در خطر است» معمولاً در صفحات رسانه‌های اجتماعی متعلق به عناصر افراطی که هدفشان عمدتاً ایجاد انگیزه برای جوانان برای پیوستن به آن‌ها است استفاده می‌شود. او بحث می‌کند که ممکن است جذب نیرو توسط عناصر افراطی برای دستیابی به اهدافشان، آشکارا دیده نشود، اما پیام‌های آن‌ها کاملاً روشن هستند؛ تندروان نه تنها خواستار هم‌دردی و حمایت هستند، بلکه همچنین مردمی را می‌خواهند که کنار آن‌ها در میدان مبارزه کنند.

۱. ویس بارکزی، جلب و جذب برای داعش از طریق فیسبوک، صفحه رسمی فیسبوک،

<https://www.facebook.com/WaisBarakzai/videos/vb.367376293298903/891482617554932/?type=2&theater>، دیده شده در ۷

اگست، ۲۰۱۵

۴.۴.۳. مواجهه پاسخ‌دهندگان با روایت‌های رادیکال در رسانه‌های اجتماعی

اکثریت پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت، ادعا کردند که آن‌ها روزانه با پیام‌های افراط‌گرایانه در رسانه‌های اجتماعی برخورد می‌کنند. به‌طورکلی، کاربران رسانه‌های اجتماعی با دو نوع پیام افراط‌گرایانه مواجه می‌شوند: (۱) پیام‌های افراطی مذهبی که برای جهاد و استقرار دولت اسلامی فراخوان می‌دهند؛ (۲) پیام‌های افراطی قومی که تنفر قومی را میان گروه‌های مختلف قومی تحریک می‌کنند. پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد ادعا کردند که آن‌ها با انواع روایت‌های افراطی برخورد می‌کنند که توسط افراط‌گرایان مذهبی منتشر می‌شوند، در حالی که پاسخ‌دهندگان در کابل و مزار شریف با پیام‌های افراطی که هدف آن‌ها گروه‌های قومی مختلف در رسانه‌های قومی و تحریک نفرت‌های نژادی هستند نیز مواجه می‌شوند. به‌علاوه بر این دو نوع روایت‌های افراطی یافت‌شده در رسانه‌های اجتماعی، پاسخ‌دهندگان در هرات ادعا کردند که آن‌ها به روایت‌های افراط‌گرایانه‌ای از سوی افراد سکولار که آشکارا اعتقادات مذهبی را نقد می‌کنند نیز برمی‌خورند. پیام‌های مذهبی، عمدتاً برای ایجاد دولت اسلامی (خلافت) و جنگ علیه کفار، حجاب برای زنان، محکومیت عملیات‌های ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان و دیگر کشورهای مسلمان سراسر جهان، و همچنین محکوم کردن رسانه‌ها برای برنامه‌های علیه ارزش‌های اسلامی فراخوان می‌دهند.

موضوعات دیگری نیز در رابطه با عقاید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک گروه‌های مختلف در رسانه‌های اجتماعی بحث می‌شود. یک فعال جامعه مدنی در هرات ادعا کرده است که حامیان اشرف غنی و عبدالله، با توجه به اختلافات مختلفی که میان رییس‌جمهور و رییس‌اجرای دولت وحدت ملی وجود دارد، در حال نفرت‌پراکنی میان پشتون‌ها و تاجیک‌ها هستند. به‌علاوه، پاسخ‌دهندگان در هرات باور داشتند که تنش‌های جدیدی میان نوگرایان و سنت‌گرایان به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک آن‌ها وجود دارد.

یک فعال مدنی مصاحبه‌شده در مزار ادعا کرد که گروه‌های افراطی، مذهبی مذهب و قومیت را ترکیب می‌کنند. او پیام‌های علیه پشتون‌ها را با برچسب زدن این قوم به‌عنوان بمب‌گذار انتحاری توصیف کرد، در حالی که اقوام دیگر برای تبدیل خود به مسیحیت سرزنش می‌شوند. یکی از فعالان جامعه مدنی دیگر که در هرات مورد مصاحبه قرار گرفته بود ادعا کرد که گروه‌های افراطی، به‌منظور گسترش نفرت میان اقوام مختلف، تصاویر فتوشاپ‌شده‌ای را به هدف بدجلوه‌دادن گروه‌های قومی خاص منتشر می‌کنند. بعضی از پاسخ‌دهندگان متعلق به جامعه شیعه هزاره ادعا کردند که آن‌ها بسیار مورد هدف قرار می‌گیرند.

باین‌حال، پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت توافق دارند که گروه‌های تندرو به‌طور عمده، دولت

افغانستان و جامعه بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند. این دیدگاه توسط مردمی که در هرات با آن‌ها مصاحبه صورت گرفته بود تایید شد. آن‌ها باور داشتند گروه‌های افراطی، اقوام خاصی را هدف قرار می‌دهند اما هدف اصلی آن‌ها نفرت‌پراکنی علیه دولت افغانستان به منظور تضعیف آن است. چندین پاسخ‌دهنده دیگر از مزار و هرات ادعا کردند که گروه‌های رادیکال زنان را هدف قرار داده و مخالف آموزش مختلط زنان و مردان در موسسات آموزشی هستند.



تصویر ۱۳: یک حساب جعلی فیسبوک که با منسب کردن پشتون‌ها به قوم بنی اسرائیل، نفرت قومی را علیه آن‌ها ترویج می‌کند. یک خبرنگار مصاحبه‌شده در کابل ادعا کرد که او به‌طور مستقیم با مطالب رادیکال در رسانه‌های اجتماعی برخورد کرده است؛ با این حال، او باور داشت که دوستان او با این مطالب مواجه شده‌اند. به گفته او، مطالب رادیکال در رسانه‌های اجتماعی متفاوت هستند. برخی مردم دیدگاه‌های افراطی خود را با اشتراک در بحث‌هایی که دیدگاه‌هایی بنیادگرایانه و تندروانه در آن مطرح می‌شود بیان می‌کنند، در حالی که دیگران، علاوه بر انتشار و انتقال مطالب و تصاویر خشونت‌آمیز، به‌طور مداوم در حال پست کردن، لایک، اشتراک‌گذاری و نظردادن در صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های شناخته‌شده افراط‌گرا هستند. این دیدگاه نشان می‌دهد که گروه‌ها یا افراد تندرو، کاربران رسانه‌های اجتماعی را جذب کرده و آن‌ها را وارد بحث‌ها در مورد محتوای آن‌چه تولید کرده و در صفحات مختلف شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، می‌کنند. هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان دیگر این را توضیح نداد و این مساله نیاز دارد تا در تحقیقات آینده مورد بررسی قرار بگیرد.

اکثریت مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که ساده‌ترین و موثرترین تاکتیک‌های استفاده‌شده توسط افراد یا گروه‌های افراطی برای به‌دست‌آوردن حمایت، تغییر دادن آموزه‌های دینی برطبق اهداف خودشان است. برای مثال، یک معلم مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که افراط‌گرایان پیام‌های خشونت‌آمیز را منتشر کرده و بنا بر یک تفسیر کاملاً غلط از متون دینی، آن را به قرآن ارجاع می‌دهند. وی افزود گروه‌های افراطی مختلف،

جوانان را هدف قرار می‌دهند که به دلیل ضعف برنامه‌های آگاهی‌دهی عمومی در افغانستان، به آسانی طعمه تبلیغات آن‌ها می‌شوند. تمام پاسخ‌دهندگان توافق داشتند که جوانان هدف اصلی گروه‌ها و افراد افراطی هستند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ادعا کردند که پیام‌های افراطی در شبکه‌های اجتماعی در چند سال اخیر افزایش یافته‌اند. آن‌ها اشاره می‌کنند که مسایلی چون ماهیت غیراسلامی دولت افغانستان، نقض تعالیم اسلام توسط توانمندسازی زنان و ترویج سکولاریسم، ناسازگاری چندین برنامه تلویزیونی با ارزش‌های اسلامی و غیره، از سوی افراد و گروه‌های افراطی مختلفی برای توجیه ایده‌هایشان استفاده می‌شود. یک پاسخ‌دهنده ادعا کرد که بیشتر صفحه‌های افراطی از طریق حساب‌های جعلی اداره می‌شوند. ناشناس بودن و استفاده از حساب‌های جعلی، انتشار هرگونه محتوای افراطی را برای این افراد، نسبت به کسانی که با هویت شناخته‌شده این کار را انجام می‌دهند، آسان‌تر کرده است. برای مثال، یک رهبر مذهبی مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که برخی مردم، با وجود این‌که با دولت افغانستان و سازمان‌های جامعه مدنی کار می‌کنند، به‌طور ناشناس در شبکه‌های اجتماعی، حضور ایالات متحده در افغانستان را تهاجم کفار می‌نامند. این صفحه‌ها به‌شکل مستقیم به جنگ علیه کفار، و حضور جامعه بین‌المللی و ایالات متحده در افغانستان دعوت می‌کنند.

تمام پاسخ‌دهندگان مدعی هستند که روایت‌های افراطی، عمدتاً گروه خاصی از مردم را هدف حمله قرار می‌دهند که به برداشت غربی از مفهوم دموکراسی و آزادی اعتقاد دارد. همچنین باور بر این است که گروه‌های تندرو، علاوه بر حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان، تمام مقامات دولتی و نیروهای امنیت ملی افغانستان را نیز هدف قرار می‌دهند. تعدادی از پاسخ‌های دیگر به این مساله اشاره دارند که تمام گروه‌های افراط‌گرا، فرقی نمی‌کند که گروه‌های افراطی قومی یا مذهبی یا سکولار باشند، هرکسی را که با ایدئولوژی آن‌ها مخالف باشد هدف قرار می‌دهند. تمام گروه‌های افراطی که در بالا ذکر شدند، جوانان را تشویق می‌کنند در برابر افرادی که معتلق به دین یا قوم دیگری هستند، بیشتر محافظه‌کار باشند.

بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که گروه‌های تندرو، به‌طور مستقیم دعوت به اعمال خشونت‌آمیز نمی‌کنند. آن‌ها اظهار داشتند که به‌جای آن، روند با دعوت مردم به حمایت از انگیزه‌های آن‌ها شروع شود که اولین قدم به‌سمت افراط‌گرایی به شمار می‌رود. با این حال، بسیاری از پاسخ‌دهندگان به صفحه‌هایی اشاره کردند که توسط افراد ناشناس با استفاده از حساب‌های جعلی اداره می‌شوند و مردم را به جهاد و اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت، حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان و هرکسی که از دولت یا ایالات متحده یا

ناتو حمایت کند، فرا می‌خوانند. این صفحه‌ها معمولاً ادعا می‌کنند که اقدامات خشونت‌آمیز علیه ماهیت سکولار مقامات دولت افغانستان، از لحاظ دینی توجیه شده است. علاوه بر این، آن‌ها دولت افغانستان را با اشاره به ضعف در وضعیت سیاسی کنونی مورد انتقاد قرار داده و به دلیل روابط خوب آن با کشورهای غیراسلامی سرزنش می‌کنند.

یکی از پاسخ‌دهندگان در مزار ادعا کرد که او توسط یکی از عناصر تندرو از طریق رسانه‌های اجتماعی دعوت شده بود تا برای گروه فیسبوکی آن‌ها به‌عنوان یک تبلیغ‌گر کار کند و بعدها به دلیل امتناع از انجام این کار مورد تهدید قرار گرفته بود. باین‌حال، یک خبرنگار مصاحبه‌شده در کابل دیدگاه متفاوتی نسبت به محتوای افراطی در فضای آنلاین داشت. او گفت مشاهده شده است که تنها بخش کمی از محتوای تحریک‌کننده در رسانه‌های اجتماعی آنلاین، در خارج از آن تبدیل به عمل می‌شوند. او استدلال کرد که رسانه‌های اجتماعی جوانان افغانستان را بسیار تنبل کرده است، آن‌ها خود را در فضای آنلاین ابراز می‌کنند اما در زندگی حقیقی، هم‌چنان به زنده گی خود ادامه می‌دهند. باین‌وجود، تحریک جوانان با انتشار پیام‌های نفرت‌آمیز توسط لایک‌ها و اشتراک‌گذاریها آسان شده، چنانچه برای تعدادی از کاربران رسانه‌های اجتماعی به نوعی اعتیاد تبدیل شده است.

گروهی از مردم متعلق به جامعه شیعه هزاره در کابل ادعا کردند که آن‌ها با روایت‌های افراطی مذهبی و هم‌چنان قومی مواجه شده‌اند. آن‌ها باور داشتند که عناصر تندرو گاهی دین و قومیت و فرهنگ را با هم ترکیب می‌کند. پاسخ‌دهندگان، با استناد به جشن نوروز، به‌عنوان نمونه، گفتند که تندروهای مذهبی هم‌زمان تجلیل از نوروز و مردمان فارسی‌زبان متعلق به گروه‌های قومی تاجیک و هزاره را که از آن تجلیل می‌کنند محکوم می‌کنند. علاوه بر این، پاسخ‌دهندگان افزودند که برخی افراد آشکارا در پست‌های خود در رسانه‌های اجتماعی دین را انتقاد می‌کنند که این باعث ایجاد تنش میان افراد مذهبی میانه‌رو و هم‌چنان افراط‌گرایان می‌شوند. برای مثال، چند تن از مصاحبه‌شونده گان از یک کاربر تحصیلکرده که خود را سکولار می‌داند یادآوری کردند که در صفحه فیسبوک خود مطلبی منتشر کرده بود با این ادعا که جنگ میان امام حسین - نوه حضرت محمد - و یزید بن معاویه - فرزند امیر معاویه - در کربلا، مقدس نیست بلکه تنها جنگی میان دو خاندان برای به‌دست‌آوردن قدرت بوده است. برطبق گفته‌های کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده، استدلال‌هایی از این دست احساسات مسلمانان به‌ویژه جامعه شیعه را که علاقه قلبی بسیاری به امام حسین دارند، خدشه‌دار می‌کند.

۴.۴.۴. واکنش جامعه مدنی و مردم به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی

پاسخ‌دهندگان به طیف گوناگونی از واکنش‌ها به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی اشاره کردند. برای مثال، تعدادی از پاسخ‌دهندگان آشکارا با افراد و گروه‌های افراط‌گرا بحث می‌کنند. یک مشاور تجارتي مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که او در بحث‌های مختلفی به رهبری افراد و گروه‌های افراطی شرکت کرده و آشکارا ایدئولوژی آن‌ها را نقد می‌کند. در هرات، تنها چند نفر از پاسخ‌دهندگان گفتند که پیام‌های افراطی را نادیده می‌گیرند. اکثریت پاسخ‌دهندگان ادعا کردند آن‌ها بلافاصله هر نوع روایت افراطی را رد کرده و ایده‌های میانه‌رو را در رسانه‌های اجتماعی ترویج می‌کنند. برای مثال، یک فعال جامعه مدنی مصاحبه‌شده در هرات گفت که او تلاش دارد تا با مردم مختلفی از میان گروه‌های میانه‌رو و افراط‌گرا در تماس باشد تا بتواند دیدگاه‌های متعادلی را در رابطه با مذهب گسترش دهد. برخی از مصاحبه‌شوندگان در مزار، به پیام‌هایی واکنش نشان می‌دهند که هدف آن‌ها گسترش نفرت در میان اقوام مختلف در افغانستان باشد. آن‌ها ادعا کردند که اگرچه تلاش می‌کنند تا با حامیان طالبان بحث منطقی داشته باشند، اما تاکید کردند که اعضای طالبان به منطقی و عقل‌باور ندارند و بنابراین، هرگونه تلاش برای گفتگو با طالبان تا حد زیادی اتلاف وقت است.

برخی از پاسخ‌دهندگان ترجیح داده‌اند تا تنها با حساب‌های متعلق به افرادی با هویت معلوم وارد بحث شوند. این پاسخ‌دهندگان به خطرات ناشی از پاسخ به نویسندگان ناشناس اشاره کردند. برای مثال، یکی از استادان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، انتقاد روایت‌های افراطی را کار خطرناکی توصیف کرد. به‌طور مشابه، یکی از دانشگاهیان مصاحبه‌شده در کابل نیز از پاسخ‌گویی به پیام‌های پست‌شده توسط افرادی با هویت جعلی اجتناب می‌کند اما به پیام‌های افراطی از کسانی که هویت معتبری دارند پاسخ می‌دهد. او باور دارد که انتقاد از پست‌های افراطی ناشناس، آشکارا یک خطر بزرگ است؛ چراکه ممکن است آن شخص در نزدیکی شما زندگی کند. با این حال، یک استاد دانشگاه جلال‌آباد چنین استدلال کرد که پیام‌های افراط‌گرایانه تحریک‌کننده هستند و علی‌رغم خطراتی که دارد، برخی افراد نمی‌توانند از شرکت در بحث در بخش نظرات پست‌های فیسبوکی خودداری کنند.



تصویر ۱۴: تصویر پست شده توسط حزب التحریر در صفحه فیسبوک رسمی آن، نشان دهنده گردهمایی دانشجویان در محکومیت دموکراسی و نظری از یک کاربر میانه‌رو رسانه‌های اجتماعی که نوشته است: «عجیب است با استفاده از فضای ایجاد شده به اساس معیارهای دموکراسی که آزادی بیان را تضمین می‌نماید، گروهی به نام محصل! در تلاش خفه نمودن این امکان حداقلی برآمده اند».

گروهی از پاسخ‌دهندگان استراتژی متفاوتی را اتخاذ کرده بودند. آن‌ها تمام انواع مطالب و روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی را نادیده می‌گرفتند. برای مثال، یک فعال جامعه مدنی مصاحبه شده در هرات گفت که او عمداً از مطالب افراطی در رسانه‌های اجتماعی چشم‌پوشی می‌کند. به گفته او عناصر افراطی در پی جلب توجه و واکنش مردم هستند تا محبوبیت به دست بیاورند. او اظهار داشت که بهترین راه برای مقابله با چنین مردمی سرکوب آن‌ها از طریق نادیده گرفتن کامل پیام‌هایشان است. این دیدگاه توسط یک فعال جامعه مدنی دیگر از مزار و یک خبرنگار در کابل نیز تایید شد که باور داشت بهترین راه برای مواجهه با افراد و گروه‌های افراطی در فیسبوک یا هر رسانه اجتماعی دیگر نادیده گرفتن یا مسدود کردن آن‌ها است. به این ترتیب، افراد می‌توانند از دریافت پیام‌های افراطی جلوگیری کنند.



تصویر ۱۵: صفحه فیسبوک ایجاد شده توسط تعدادی از فعالان جامعه مدنی که خواستار عدالت برای فرخنده هستند.

گروهی دیگر از پاسخ‌دهندگان، رویکرد کاملاً متفاوتی را برای مقابله با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی درپیش گرفته‌اند. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان در هرات ادعا کرد که او هرشکلی از پیام‌های افراط‌گرایانه در رسانه‌های اجتماعی را محکوم می‌کند، چه علیه دولت افغانستان باشند، یا علیه مردمی که به شدت معتقد به هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در رابطه با دموکراسی و حقوق بشر هستند، و یا اگر پیامی از فردی لیبرال باشد که هدف آن صدمه‌زدن به احساسات افراد مذهبی است. در حالی که یکی از زنان فعال حقوق زنان در هرات، پست‌هایی در فیسبوک و تویتر خود منتشر می‌کند که با هدف توسعه حقوق زنان در افغانستان، در آن‌ها ارجاعاتی به متون دینی و قوانین بین‌المللی دارد؛ یک فعال جامعه مدنی مصاحبه‌شده در مزار ادعا می‌کند او تلاش بر برجسته‌سازی چالش‌هایی دارد که افغانستان در حال حاضر با آن مواجه است و همچنین بر حقایق تاریخی تاکید می‌کند که می‌تواند افغانستان را به نابودی بکشاند. او برای مقابله با روایت‌های افراطی که هر گروه یا فردی را در رسانه‌های اجتماعی هدف می‌گیرند، این شیوه را برگزیده است. به گفته او، مهم است که مردم در مورد پیامدهای خشونت و ایده‌هایی که بالقوه می‌توانند به خشونت بینجامند، آگاهی داشته باشند.

باین‌حال، پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت اتفاق نظر داشتند که هیچ تلاش جمعی برای مقابله با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. آن‌ها اشاره کردند که افرادی از دولت، جامعه مدنی، جوانان تحصیل‌کرده و دانشگاهیان، با این روایت‌ها در فضای آنلاین مقابله می‌کنند و از افرادی نام بردند، از جمله: ویس بارکزی، عنایت‌الله کاکر، حمدالله عرب، داود وفا، اجمل پسرلی، مطیع‌الله عابد، دولت وزیر، بختیار تلاش، عبدالفتاح جواد، و خوشحال خلیل. این افراد فعالانه در مقابله با روایت‌های افراط‌گرایانه‌ای که روزانه در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند سهم می‌گیرند و همچنین هرگونه حمله تروریستی در خاک افغانستان را محکوم می‌کنند. به علاوه، این افراد ایده‌هایی در حمایت از دموکراسی و حقوق زنان را ترویج می‌دهند. یکی از پاسخ‌دهندگان در کابل گفت که افرادی مانند ویس بارکزی - که به دلیل نقش فعالی که در بازجویی مطالب تحریک‌آمیز دارد، طرفداران زیادی را جمع کرده است - همچنین سعی می‌کند با به اشتراک گذاشتن پیروزی‌های ورزشی و مانند آن، مردم را در رویدادهای شادی‌آور گردهم بیاورد.

همچنین تعدادی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند افغان‌ها در حال متحدشدن علیه تهدیدات از سوی کشورهای همسایه هستند. این مساله با توجه به واکنش‌های مختلف ارسال‌شده در رسانه‌های اجتماعی که بلافاصله پس از انجام حمله‌ای در افغانستان منتشر شدند، واضح می‌شود. تمام افرادی که در رسانه‌های

اجتماعی از ایران یا پاکستان حمایت می‌کنند، بلافاصله محکوم می‌شوند. احساسی از نفرت در میان عامه مردم در برابر این کشورها وجود دارد که دلیل آن نقش منفی‌شان در افغانستان است. برای مثال، یک سازمان داخلی به نام «تغییر مثبت در جامعه» و تعدادی از افراد مانند هجرت‌الله اختیار، عبدالصبور مبارز، سید شینواری، مهندس ظهیر، مجیب لمر، و شاپور بختیار، از کمپاین «تحریم پاکستان و محصولات پاکستان» در فیسبوک به دلیل ارتباط پاکستان با انفجارهای کابل، حمایت کردند.^۱ یک محقق مصاحبه‌شده در کابل مثال‌هایی از یک صفحه فیسبوک به نام «افغانستان عشق من (Afghanistan My Passion)» ذکر کرد که در واکنش به ادعای دخالت پاکستان در انفجارهای متعدد در سراسر افغانستان، مردم را به تحریم محصولات پاکستانی در افغانستان فرا می‌خواند. او افزود که استفاده از هشتگ «۳۱ هزاره را بازگردانید (bringback31hazaras)» توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی، مردم سراسر کشور را بسیج نموده و دولت را مجبور کرد تا برای بازگرداندن ۳۱ هزاره ربوده شده توسط مردان مسلح ناشناس در زابل در فبروری ۲۰۱۵ اقدام کند.^۲

دیگر پاسخ‌دهندگان ادعا کردند که رسانه‌های اجتماعی در بالابردن سطح آگاهی مردم افغانستان در مورد امور سیاسی و اجتماعی روزمره کمک می‌کنند. تعدادی از آن‌ها به نمونه تظاهرات‌های فرخنده که پس از قتل یک زن افغان به نام فرخنده توسط ارادل و اوباش به‌اتهام سوزاندن کپی قرآن برگزار شد استناد کردند.^۳ در مثال دیگر، تعدادی از پاسخ‌دهندگان به مورد «کابل تاکسی (Kabul Taxi)» اشاره کردند. در این مورد، نیروهای دولتی تعدادی از خبرنگاران را به‌اتهام ارتباط با صفحه «کابل تاکسی» بازجویی کردند. «کابل تاکسی» یک صفحه طنز در فیسبوک بود که دولت افغانستان را به دلیل شکست در جلوگیری از خشونت، افزایش بیکاری، فساد، سقوط اقتصادی و مسایل دیگر انتقاد می‌کرد.^۴ در واکنش به این عمل دولت، کاربران رسانه‌های اجتماعی در سراسر کشور، دولت را بخاطر تلاش برای محدود کردن حق آزادی بیان محکوم

1. Mokhtar Wafayi, Afghans Boycott Pakistani Goods Over Taliban Claims, The Observers, August 20, 2015, <http://observers.france24.com/en/20150820-taliban-attacks-afghanistan-boycott-pakistan-goods>

2. Afghanistan kidnap: Gunmen seize 30 Hazara men in Zabol, BBC, February 24, 2015, <http://www.bbc.com/news/world-asia-31600476>

3. Zarghuna Kargar, Why was a Young Woman Killed by a Mob in the Streets of Kabul?, Prospect Magazine, August 4, 2015, <http://www.prospectmagazine.co.uk/world/why-was-a-young-woman-killed-by-a-mob-in-the-streets-of-kabul-farkhunda-afghanistan>

4. Sudarshan Raghavan and Mohammad Sharif, Afghan Flock to Kabul Taxi, a Satirical Facebook Page that Spares no one, The Washington Post, July 11, 2015, https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-spare-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78_story.html

کردند.

دیگر مصاحبه‌کنندگان نشان دادند که تعدادی از کاربران رسانه‌های اجتماعی، فعالانه مخالف هر نوع ایدئولوژی افراطی هستند. برای مثال، امام مسجد جامع هرات، مجیب الرحمان، در تابستان سال ۱۳۹۱ کنسرت یک خواننده جوان افغان به نام شفیق مرید را تحریم کرد. بعد از انتشار خبر، مردم آن را در رسانه‌های اجتماعی مطرح کرده و تحریم کنسرت از سوی امام را محکوم کردند.^۱ کاربران رسانه‌های اجتماعی در هرات، همچنین ادعا کردند که آن‌ها هرگونه فعالیت‌های غیرانسانی و تمام افرادی که از آن حمایت کنند را نیز محکوم می‌کنند. تعدادی از پاسخ‌دهندگان نیز معتقد بودند حقوق زنان حمایت‌های زیادی در رسانه‌های اجتماعی به دست آورده است. آن‌ها به انتصاب سیما جوینده به عنوان والی ولایت غور استناد می‌کردند.^۲ در پی آنکه برخی از عناصر افراطی شامل تعدادی از ملاها انتصاب او را محکوم کردند، افراد زیادی در رسانه‌های اجتماعی از انتصاب او حمایت کرده و پیام‌هایی در حمایت از حقوق زنان و محکومیت افرادی که با انتصاب او مخالف بودند منتشر می‌کردند. در جامعه مردسالار مانند افغانستان، زنان همواره قربانیان خشونت‌های خانگی می‌شوند و موارد متعددی در سراسر کشور اتفاق افتاده است. باین حال، پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که با ظهور رسانه‌های اجتماعی، مردم این خشونت‌ها را در این رسانه‌ها محکوم می‌کنند. برای مثال، کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در هرات، به نمونه‌ای اشاره کردند که یک مرد بینی و لب همسرش را پس از مخالفت او با فروش جواهراتش برای خرید مواد مخدر برای آن مرد، بریده بود.^۳ این عمل به‌طور گسترده توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی در سراسر کشور محکوم شده و برخی افراد نیز پیشنهاد کردند که برای تامین هزینه‌های درمان آن زن، کمک‌های مالی ارایه دهند.

۴.۴.۵. واکنش دولت به روایت‌های افراط‌گرایانه و رویکرد ضد افراط‌گرایی

علاوه بر مصاحبه با کاربران رسانه‌های اجتماعی، مصاحبه‌هایی با مقامات ارشد وزارت دفاع، وزارت داخله، ریاست امنیت ملی، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، و وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز انجام شد. تمام این وزارت‌خانه‌ها از رسانه‌های اجتماعی به اهداف سازمانی برای انتشار فعالیت‌ها و برنامه‌های

۱. کانسرت شفیق مرید در ولایت هرات لغو شد، شبکه اطلاع رسانی افغانستان، ۳۱ اسد، ۱۳۹۱، <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=40359>.

۲. رشاد شکوه، برگزاری تظاهرات در مخالفت و حمایت از سیما جوینده والی غور، خبرگزاری افق، ۲۶ میزان، ۱۳۹۴،

<http://www.ufuqnews.com/archives/21181>

۳. Syed Zafar Mehdi, 'Refused Money to Buy Drugs, Husband Chops off Wife's Nose, Lips', Afghan Zariza, December 18, 2013, <http://www.afghanzariza.com/2013/12/18/refused-money-to-buy-drugs-husband-chops-off-wifes-nose-lips>

خود و همچنین ارتباط‌های مردمی استفاده می‌کنند. از میان پنج وزات‌خانه‌ای که در بالا ذکر شد، وزارت داخله، وزارت دفاع و ریاست امنیت ملی، به دلایل امنیتی بر رسانه‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. با این حال، ریاست امنیت ملی، مسئولیت اصلی نظارت بر شبکه‌های اجتماعی را در رابطه با انتشار پیام‌های افراط‌گرایانه برعهده دارد در حالی که وزارت امور داخله و وزارت دفاع، عمدتاً برای رسیدگی به سوالات و مشکلات مردم و علاوه بر آن، برخورد با تبلیغات دروغینی که توسط گروه‌های افراطی علیه دولت افغانستان منتشر می‌شوند، بر رسانه‌های اجتماعی نظارت می‌کنند.

یک مقام ارشد وزارت امور داخله ادعا کرد که این وزارت دارای یک بخش نظارتی برای پیگیری فعالیت‌های مختلفی است که در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتند. اما او گفت که آن‌ها هیچ‌گونه تحقیقات یا کنترلی بر مطالب اجرا نمی‌کنند، بلکه بیشتر آن‌چه در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد را پیگیری کرده و تلاش می‌کنند تا به سوالات مطرح شده توسط مردم پاسخ بدهند.

ریاست امنیت ملی، افراد و گروه‌های افراطی را که در رسانه‌های اجتماعی در سراسر افغانستان نفرت‌پراکنی می‌کنند مورد نظارت قرار می‌دهد. به گفته یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی، دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، حزب التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان، و طالبان، فعال‌ترین گروه‌های افراطی هستند که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. علاوه بر توجه به گروه‌های افراطی که در بالا ذکر شد، اداره امنیت ملی صفحات و وبسایت‌های متعلق به سایر گروه‌های اسلام‌گرا مانند جمعیت اصلاح را نیز برای یافتن هرگونه شواهدی که نشان‌دهنده دخالت آن‌ها در فعالیت‌های خشونت‌آمیز باشد، پیگیری می‌کند.^۱ ریاست امنیت ملی، داعش را به‌عنوان اصلی‌ترین گروه پیکارجویان در انتشار ایدئولوژی‌های افراطی و جذب نیرو به‌صورت آنلاین در نظر می‌گیرد و جنبش اسلامی ازبکستان و طالبان در درجه‌های بعدی قرار دارند. این مقام افزود که طالبان تاکتیک‌های خود را در مواجهه با ظهور داعش تغییر داده‌اند. پیش از این، طالبان، از کاربران فعال و تاثیرگذار رسانه‌هایی مانند رادیو و وبسایت‌ها برای جذب نیرو بودند اما با ظهور تبلیغات داعش در افغانستان، طالبان کمپاین‌های جذب نیروی خود در رسانه‌های اجتماعی را افزایش دادند.

یک مقام ارشد وزارت دفاع در مصاحبه گفت که وزارت دفاع به‌طور کامل با ریاست امنیت ملی در نظارت بر مطالب افراطی که دولت افغانستان را از طریق رسانه‌های مختلف هدف قرار می‌دهند، همکاری می‌کند.

۱. مصاحبه با یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی

در ماه اگست ۲۰۱۵، ریاست عمومی امنیت ملی با انتشار یک ویدیوی تعدادی از اعضای دستگیر شده داعش در افغانستان، تایید کرد که داعش آن‌ها از طریق فیسبوک استخدام کرده است. به گفته ریاست امنیت ملی، داعش پیش از این تعدادی از دختران افغان را که در کابل زندگی می‌کردند برای پیوستن به صفوف آن‌ها در سوریه جذب کرده است. باین‌حال، هنوز هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند مواد تبلیغاتی داعش در افغانستان تولید میشوند. برای مثال، یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی گفت که کلیپ‌های ویدیویی حافظ سعید -والی انتصابی داعش در ولایت خراسان که اوایل امسال کشته شد- در پاکستان تولید شده و از طریق صفحات اصلی رسانه‌های اجتماعی داعش در عراق به نشر می‌رسیدند. مثال دیگر، ویدیویی منتشر شده توسط داعش در اگست ۲۰۱۵ است که اعدام تعدادی افغان‌ها توسط اعضای داعش را نشان می‌دهد. داعش ادعا کرده بود که این اعدام‌ها در ولایت ننگرهار انجام شده‌اند. باین‌حال، پس از تحقیقات کامل توسط ریاست امنیت ملی افغانستان مشخص شد که این ویدیو در پاکستان ثبت شده و مردمی که کشته شده‌اند افغان نبوده‌اند.

هر سه وزارت‌خانه مسئول برای تامین امنیت در افغانستان ادعا کردند که منابع اصلی ایدئولوژی‌های افراطی، گروه‌های مسلح افراطی مانند داعش و طالبان هستند. در طول مصاحبه‌ها مشخص شد که ریاست امنیت ملی و وزارت داخله بیشتر در مورد روند افراط‌گرایی مذهبی نگران هستند، در حالی که نگرانی اصلی وزارت دفاع در مورد تنش‌های قومی و زبانی میان نیروهای امنیت ملی افغانستان است.

در مصاحبه‌ای با یک مقام ارشد امنیت ملی، او ادعا کرد که ریاست امنیت ملی متعهد به پیگیری گروه‌های افراطی و تروریستی است. باین‌حال، او حاضر نشد استراتژی‌های فعلی یا استراتژی‌هایی که ریاست امنیت ملی در گذشته برای مقابله با روند افراط‌گرایی در افغانستان اتخاذ کرده است، افشا کند. ریاست امنیت ملی ادعا می‌کند که سازمان اطلاعاتی افغانستان، یکی از بهترین‌ها در منطقه است. باین‌وجود، این سازمان فاقد پشتیبانی از سازمان‌های دولتی دیگر در افغانستان است که مانع تلاش‌های آن‌ها برای پیگیری عناصر تندرو در افغانستان می‌شود.

یک مقام ارشد وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ادعا کرد که این وزارت برای پیگیری کردن هر گروه یا فردی که ایدئولوژی‌های افراطی را از طریق رسانه‌های اجتماعی به نشر برسانند، همکاری نزدیکی دارد. این وزارت در گذشته برای پیگیری افراد و گروه‌های افراط‌گرا، با پلیس اینترپل، ریاست امنیت ملی، دادگاه و سارنوال کل همکاری کرده است. به‌عنوان مثال، پس از دریافت درخواست رسمی از ریاست امنیت

ملی، وزارت مخابرات علیه تعدادی از کاربران رسانه‌های اجتماعی که تبلیغات دروغین و نگران‌کننده‌ای درمورد مرگ مارشال فهمیم - معاون سابق رییس‌جمهور کرزی که در سال ۲۰۱۴ درگذشت - منتشر می‌کردند، اقدامات قانونی روی دست گرفته و صفحات تبلیغاتی آن‌ها را در رسانه‌های اجتماعی شناسایی و مسدود کرد.^۱ با این حال، مقام مصاحبه‌شده پذیرفت که با وجود این نمونه‌ها، کمبودهای متعددی وجود دارند که به منظور اجرای قانون جرایم اینترنتی، نیازمند رسیدگی هستند. با توجه به گفته‌های یک مقام ارشد دیگر، وزارت اطلاعات و فرهنگ به تازگی رسانه‌های اجتماعی را در قانون رسانه‌های همگانی شامل کرده است. براساس این تعریف، شکایات علیه افراد یا گروه‌های خاص در رسانه‌های اجتماعی، با توجه به قانون رسیدگی خواهد شد. همچنین وزارت اطلاعات و فرهنگ، برای اطمینان از این که کارمندان رسانه‌های اصلی به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه، از طریق انتشار پیام‌های خصمانه در رسانه‌ها از جمله رسانه‌های اجتماعی، اقدام به انتشار ایدئولوژی‌های افراطی نکنند، در حال تهیه یک مرامنامه برای خبرنگاران در افغانستان است. یک مقام ارشد وزارت اطلاعات و فرهنگ ادعا کرد که این وزارت کمیسیون‌هایی را به منظور ترویج آزادی بیان و دفاع از وضعیت خبرنگاران، ایجاد کرده است؛ از جمله: کمیسیون دسترسی آسان به اطلاعات، کمیسیون جلوگیری از خشونت علیه خبرنگاران، کمیسیون دفاع از وضعیت حقوقی خبرنگاران، و کمیسیون تهیه پیش‌نویس قانون‌نامه رفتاری برای خبرنگاران. این گام‌های قانونی، فضایی برای خبرنگاران فراهم می‌کند تا با آزادی عقاید خود را در رسانه‌های مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی مطرح کنند و همزمان تضمین می‌کند که خبرنگاران به هیچ عنوان پیام‌های نفرت‌پراکنی منتشر نکنند. با این حال، هیچ‌گونه سیاست‌گذاری رسمی آشکاری توسط دولت افغانستان، برای مقابله با افراط‌گرایی یا روایت‌های افراطی در افغانستان شامل شبکه‌های اجتماعی، شکل نگرفته است

۴.۴.۶ دیدگاه پاسخ‌دهندگان درمورد سیاست‌های دولت برای مقابله با افراط‌گرایی

اکثریت پاسخ‌دهندگان در هر چهار ولایت به فقدان سیاست‌های دولتی برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی اشاره کردند. یکی از معلمان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد گفت که به غیر از چند اعلان تلویزیونی برای بالابردن آگاهی مردم، هیچ‌گونه سیاست خاصی توسط ریاست امنیت ملی برای پیگیری افرادی که روایت‌های افراطی را گسترش می‌دهند یا سیاست‌های ضدافراط‌گرایی وجود ندارد. این دیدگاه توسط پاسخ‌دهندگان در مزار نیز تایید شد که باور داشتند فقدان سیاست‌های مناسب برای پیشگیری از

۱. مصاحبه با یک مقام ارشد وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی، سپتامبر ۲۰۱۵

افراط‌گرایی، کمکی به عناصر افراط‌گرا است. یکی از استادان در شهر جلال‌آباد استدلال کرد که مشکل در درون سیستم نهفته است. به گفته او، اخیراً چند نفر که پیام‌های افراطی منتشر می‌کردند، توسط ریاست امنیت ملی ردیابی و دستگیر شده‌اند. این بدان معناست که دولت برای ممانعت افراد افراطی از انتشار ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه خیلی دیر وارد عمل می‌شود. یک کارمند دولتی از کابل نیز دیدگاه مشابه داشت و می‌گفت که دولت، اغلب با مسدود کردن یا از بین بردن صفحات فیسبوک و تویتر طالبان، تمام تلاش خود را برای پیشگیری از انتشار ایده‌های رادیکال انجام می‌دهد اما این هرگز به معنای یک سیاست ضدافراط‌گرایی نیست. تعدادی از پاسخ‌دهندگان ادعا کردند که سیاست ضدتروریسم تاحدی به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای افراط‌گرایی عمل می‌کند، اما دولت افغانستان هنوز نیاز به انجام اقداماتی موثر برای مقابله با افراط‌گرایی دارد. یک فعال حقوق زنان که در کابل با او مصاحبه شده بود اظهار داشت که هیچ‌گونه سیاست رسمی برای مقابله با اثرات افراط‌گرایی از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. او همچنین افزود که او از یک استراتژی ملی برای جلوگیری از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز حمایت می‌کند.

تعدادی از پاسخ‌دهندگان پیشنهادهایی به دولت افغانستان برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی ارائه دادند. برای مثال، یکی از پاسخ‌دهندگان از مزار پیشنهاد کرد که دولت باید مراکز «گزارش شهروند» ایجاد کند، جایی که مردم افغانستان بتوانند شکایت‌های خود را در مورد هر فرد یا گروهی که ایده‌های افراط‌گرایانه را در شبکه‌های اجتماعی ترویج می‌کنند، مطرح کنند. مخاطب دیگر پیشنهاد می‌دهد که دولت پیش از آن‌که بتواند به مردم افغانستان کمک کند تا با عناصر افراط‌گرا مبارزه کنند، نیازمند مهار فساد درون دولت است. تعداد دیگر بر این باور بودند که دولت افغانستان بسیار ضعیف است و نیاز به یک استراتژی درازمدت دارد تا انتشار ایدئولوژی‌های افراطی در شبکه‌های اجتماعی را کنترل کند. مصاحبه‌شوندگان در کابل توصیه کردند که باید یک وزارت‌خانه ویژه برای جوانان ایجاد کند که تنها به بررسی مشکلات جوانان در افغانستان پرداخته و استراتژی‌های موثری برای پیشگیری از به‌دام‌افتادن جوانان در تبلیغات دروغین عناصر افراطی پیاده کنند.

کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در این تحقیق، نسبت به رویکرد اتخاذشده توسط دولت افغانستان برای مقابله با افراط‌گرایی، رضایت ندارند. اکثریت آن‌ها بیان داشتند که هیچ‌گونه سیاست رسمی در دولت برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد.

۵. نتیجه‌گیری

بخش ارتباطات آنلاین افغانستان به سرعت در حال رشد است و این مساله پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی اساسی در پی داشته است. ظهور کامل اثرات منتج از قرارگرفتن جامعه‌ی افغانستان در معرض نیروهای جهانی‌سازی از طریق اینترنت، به مرور زمان رخ خواهد داد. با این حال، آنچه مسلم است آن است که گروه‌های اجتماعی و سیاسی مختلفی، از جمله فعالان افراطی، میانه‌رو، ستیزه‌جو و صلح‌طلب، به وضوح نشان داده‌اند ظرفیت انطباق‌پذیری بالایی در پذیرش تغییرات در تکنولوژی‌های ارتباطی دارند.

این تحقیق، بر انتشار روایت‌های ایدئولوژیک و سیاسی از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان تمرکز داشته است. این مطالعه صفحات رسانه‌های اجتماعی تعداد انتخاب شده از گروه‌های فعال اسلام‌گرای صلح‌طلب و هم‌چنین گروه‌های شبه‌نظامی شناخته‌شده را مورد بررسی قرار داده است. در گروه اول، روایت‌هایی شناسایی شدند که در رابطه با نگرانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گروه‌های فعال صلح‌طلب مانند جمعیت اصلاح و حزب التحریر شکل گرفته‌اند و در گروه دوم روایت‌ها و سخنان خشونت‌آمیزتر از گروه‌های مسلح مانند طالبان، شاخه‌ی نظامی حزب اسلامی و داعش، بررسی شده‌اند. در حالی که گروه‌های صلح‌طلب از لحاظ ایدئولوژی و الهیاتی، مشترکات زیادی با گروه‌های خشونت‌طلب دارند، همیشه باعث برانگیخته‌شدن نگرانی‌های امنیتی فوری نیستند. با توجه به این مساله، بخش‌های محافظه‌کار اجتماعی جامعه و فعالان مذهبی صلح‌طلب، می‌توانند به‌عنوان قاعده‌ی هرم افراط‌گرایی در نظر گرفته شده و در جنبه‌ی گفتار یا استدلال افراط‌گرایی سهم بگیرند. روایت‌های گروه‌های صلح‌طلب نگرانی‌های اساسی اجتماعی و سیاسی مانند ناامیدی نسبت به فساد در دولت افغانستان را با درجات مختلفی از روایت‌ها و جهان‌بینی‌های افراطی درهم ادغام می‌کند. برعکس، گروه‌های ستیزه‌جو اگرچه از بخش‌های محافظه‌کار جامعه نیز حمایت می‌کنند، اما تمرکز اصلی آن‌ها بر استراتژی‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه در تعقیب برنامه‌های اجتماعی و سیاسی‌شان است. نکته‌ی کلیدی این است که هر دو گروه در جنبه‌های مهمی از روایت‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی در مورد افغانستان پس از ۲۰۰۱ اشتراک نظر دارند، البته یک روایت بر تهاجم فرهنگی خارجی‌ها و دیگری بر مداخلات نظامی و سیاسی غربی‌ها تاکید دارند.

به هر حال، افراط‌گرایی الهام‌گرفته از مذهب، باید تنها به‌عنوان یکی از اشکال پدیده‌ی گسترده‌تر رفتارها و ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و ناروادارانه در نظر گرفته شود. چنانچه تعدادی از پاسخ‌دهندگان به مصاحبه‌های این تحقیق تاکید داشتند، افراط‌گرایی باید به‌عنوان بخشی از فراینده‌ی گسترده‌تر گرایش‌ات

رفتاری و ایدئولوژیکی دیده شود. در نتیجه، اگرچه این مهم است که خطرات افراط‌گرایی الهام‌گرفته از مذهب در افغانستان را بپذیریم، دیگر اشکال افراط‌گرایی شامل افراط‌گرایی الهام‌گرفته از قومیت، ملیت، و ایدئولوژی‌های سکولار نیز، ممکن است به همان میزان خطرات قابل‌توجهی ایجاد کنند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به نفوذ ایدئولوژی‌های نفرت‌آمیز، متعصبانه و روایت‌های خشونت‌بار از سوی کاربران قوم‌گرا-ملی‌گرا در رسانه‌های اجتماعی افغانستان اشاره کرده‌اند.

با وجود این‌که رسانه‌های اجتماعی مسلماً در دسترس و مورد استفاده‌ی هر دو گروه افراط‌گرا و ستیزه‌جو و محافظه‌کار و لیبرال قرار دارند، به نظر می‌رسد گروه اول محرک‌های مشخصی برای بهتر عمل کردن از دومی در استفاده‌ی موثرتر از این تکنولوژی‌ها دارد. افراط‌گرایی براساس تعریف، به این معناست که افراد و گروه‌هایی که ایدئولوژی‌های افراطی را پذیرفته‌اند، نسبت به میانه‌روها، آماده‌ی سپری کردن زمان و منابع بیشتری برای پیشبرد اهداف مشخص ایدئولوژیکی و سیاسی-اجتماعی خود هستند. در مقایسه، گروه‌ها و افراد میانه‌رو احتمال دارد که علایق متنوع‌تری داشته باشند، و این مساله هم‌چنین می‌تواند تمرکز و پرداختن پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی میانه‌رو به دسته‌ی گسترده‌تری از مسایل را توضیح بدهد. این بدان معناست که در مقایسه با گروه‌ها و افراد میانه‌رو که استفاده‌های متفاوتی از رسانه‌های اجتماعی می‌کنند، از سرگرمی و ارتباطات شخصی گرفته تا بحث‌های سیاسی، گروه‌های افراطی انگیزه‌های بیشتری برای پیشی گرفتن از دیگران در استفاده‌ی جدی و مداوم از این تکنولوژی برای به‌اشتراک‌گذاری و پست کردن روایت‌های ایدئولوژیک و سیاسی دارند.

در نتیجه، فضای رسانه‌های اجتماعی افغانستان، آینه‌ای از محیط سیاسی و اجتماعی استراتژیک افغانستان است، که ویژگی آن مداخلات خارجی‌ها، جنگ و خشونت مداوم، و عدم اطمینان و بدگمانی ریشه‌دار است. ادامه‌ی درگیری‌های مسلحانه در دوران پس از ۲۰۰۱ به این معناست که تصاویر جنگ و خشونت به‌تعداد زیادی توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی به‌اشتراک گذاشته شده و دیده می‌شوند، حتی اگر آن‌ها هیچ‌کدام از جهان‌بینی‌های ستیزه‌جویانه و افراط‌گرایانه را نپذیرفته باشند. در حالی که اقتباس تکنولوژی‌های مدرن به‌عنوان بخشی از استراتژی بسیج اجتماعی و سازمانی گروه‌های افراط‌گرا، باید نگرانی‌های قابل‌توجهی را برانگیزد، رسانه‌های اجتماعی افغانستان، کاملاً تیره و تاریک نیستند. تکنولوژی‌های رسانه‌ای و تلفن‌های موبایل، هم‌چنین توسط گروه‌هایی که هدف آن‌ها مقابله با ایدئولوژی‌های افراطی و ستیزه‌جویانه

است و فعالان جامعه‌ی مدنی که حامی اصلاحات سیاسی و اجتماعی‌اند به‌سرعت در حال تبدیل شدن به ابزارهای مهمی برای بسیج اجتماعی و سیاسی است.

با در نظر داشت خطرات و فرصت‌های ایجاد شده در نتیجه‌ی گسترش اخیر رسانه‌های اجتماعی، دولت افغانستان باید ابتکاراتی برای کنترل قابلیت آن با هدف تغییرات سیاسی و اجتماعی مثبت، روی دست بگیرد. نخست، دولت باید یک سیاست ضد افراط‌گرایی را تدوین و تطبیق کند که به جنبه‌های مختلف افراط‌گرایی به‌عنوان یک فرایند سیاسی و اجتماعی پردازد، به شمول انتشار ایدئولوژی‌های افراطی از طریق رسانه‌های اجتماعی. دوم، دولت باید وسعت مباحث جاری در رابطه با قانونمند ساختن رسانه‌های اجتماعی را با همکاری جامعه‌ی مدنی افغانستان، موسسات آموزشی، گروه‌های فعال اسلام‌گرا و سازمان‌های رسانه‌ای گسترش بدهد. یک چارچوب قانونی و نظارتی برای رسانه‌های اجتماعی در آینده، باید میان مقررات استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نگرانی‌ها در رابطه با محدود شدن آزادی بیان توازن برقرار کند.

در نهایت، رسانه‌های اجتماعی هنوز یک پدیده‌ی تازه - اگرچه به‌سرعت در حال گسترش - در افغانستان هستند. اثرات گسترده‌تر سیاسی و اجتماعی آن، شامل نقش آن در فرایندهای افراط‌گرایی ممکن است در طول زمان آشکارتر شود و در نتیجه، جامعه‌ی جهانی باید این کشور را با حمایت از تحقیقات آینده و ارایه‌ی مشورت و مهارت‌های تخصصی برای طراحی سیاست‌های مناسب دولت‌های شکننده مانند افغانستان، پشتیبانی کند.

منابع و مأخذ:

- بارکزی، ویس، جلب و جذب برای داعش از طریق فیسبوک، صفحه رسمی فیسبوک،
<https://www.facebook.com/WaisBarakzai/videos/vb.367376293298903/891482617554932/?type=2&theater>، دیده شده در ۷ اگست، ۲۰۱۵
- بصری، سمیع، چرا شنیدن ترانه‌های طالبان در میان جوانان افغان بیشتر شده است؟ رادیو آزادی، افغانستان،
۱۰ جولای ۲۰۱۱، <http://da.azadiradio.org/content/article/24261145.html>
- داعی، عبدالظاهر، قوت‌های خارجی در افغانستان باید نباشد، پیام حق،
۲۰۱۵، <https://www.youtube.com/watch?v=3RVb1or9cPM> دیده شده در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵
- خواهرم! مواظب باش، بازار کمین‌گاه گرگ‌هاست، اصلاح آنلاین، ۷ اپریل، ۲۰۱۳،
<http://www.eslahonline.net/?p=42317>
- شکوه، رشاد، برگزاری تظاهرات در مخالفت و حمایت از سیما جوینده والی غور، خبرگزاری افق، ۲۶
میزان، ۱۳۹۴، <http://www.ufuqnews.com/archives/21181>
- عابد، آیا حزب اسلامی ته منصوب نور دولتی مامورین با استعفا ورکری؟ (آیا اعضای حزب اسلامی در
مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟)، شهادت، ۲۳ جون، ۲۰۱۵،
http://www.daillyshahadat.com/site/lekani_details/1106
- عابد، عبدالسلام، چگونه از قرآن دفاع کنیم؟،
۲۰۱۵، <https://www.youtube.com/watch?v=YLKmqQevncg> دیده شده در ۱۶ مارچ ۲۰۱۵
- عرفانی، محمد، آخرالزمان فرهنگ، پدیدارها،
http://padidarha.blogspot.com.es/2015/01/blog-post_97.html، دیده شده در ۲۰ جولای،
۲۰۱۴
- عضویت دائمی شانگهای، برای افغانستان چرا مهم است؟ اصلاح آنلاین، ۱۳ جولای ۲۰۱۵،
<http://www.eslahonline.net/?p=59573>
- ندا، فرشته، مخالفان با ایجاد صفحات جعلی در فیسبوک میان افغان‌ها تفرقه‌اندازی می‌کنند، رادیو آزادی، ۷
اکتبر، ۲۰۱۵، <http://da.azadiradio.org/content/article/27292802.html>

نور عباد، عبدالله، حادثه‌ی شهادت خواهر فرخنده زیر ذره‌بین اسلام و موقف علما در قبال آن، پیمان فیلم،

[https://www.youtube.com/watch?v=Jtkv"ykpTknA/](https://www.youtube.com/watch?v=Jtkv): دیده شده در ۲۷ مارچ ۲۰۱۵

کانسرت شفیق مرید در ولایت هرات لغو شد، شبکه اطلاع رسانی افغانستان، ۳۱ اسد، ۱۳۹۱،

<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=40359>

متوکل، ابو عبدالله، حکم عملیات انتحاری، استشهادی، فدایی؟ خراسان طاغوت شکن،

<https://www.youtube.com/watch?v=sT6xNrHpq-4>، دیده شده در ۱۶ اپریل ۲۰۱۵

متوکل، ابو عبدالله، نوروز و ملاحای شکم پرست، راشد مسلم، ۱۶ مارچ ۲۰۱۵،

<https://www.youtube.com/watch?v=iOyl5FGJKaA>

معروف، آصف، جبهه‌ی جنگ تبلیغاتی طالبان، بی‌بی‌سی فارسی، ۲ اکتبر، ۲۰۱۵،

http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002_taliban_propaganda_war_asif_marroof

Afghanistan kidnap: Gunmen seize 30 Hazara men in Zabul, BBC, February 24, 2015, <http://www.bbc.com/news/world-asia-31600476>

Akil N. Awan, Radicalization on the Internet? The Virtual Propagation of Jihadist Media and its Effects, RUSI, June 2007, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A46728254DE4AE/#.VhzkAuyqpHw>

Arun Kundnani, 'Radicalization: The Journey of a Concept', Race & Class, 2012, <http://rac.sagepub.com/content/54/2/3.short?rss=1&ssource=mfr>

Bashir Ahmad Gwakh, The Taliban's Internet Strategy, Radio Free Europe Radio Liberty, September 9, 2011, http://www.rferl.org/content/the_talibans_internet_strategy/24323901.html

Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>, Accessed on July 21, 2015

Bill Gertz, Inside the Ring: Taliban infiltrate social media, The Washington Times, August 22, 2012

<http://www.washingtontimes.com/news/2012/aug/22/inside-the-ring-taliban-inflate-social-media/?page=all>

Borhan Osman, The Fall of Kunduz: What does this tell us about the strength of post-Omar Taliban?, Afghanistan Analysts Network, September 30, 2015, <https://www.afghanistan-analysts.org/the-fall-of-kunduz-what-does-it-tell-us-about-the-strength-of-the-post-omar-taliban/>

Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>

Della Porta, 'Guest Editorial: Processes of Radicalization and De-Radicalization', International Journal of Conflict and Violence, 2012, <http://ijcv.uni-bielefeld.de/index.php/ijcv/article/view/266>

Farid Hussainkhail, 60,000 Afghan Police Are Illiterate, Tolonews, April 22, 2015, <http://www.tolonews.com/en/afghanistan/19181-60000-afghan-police-are-illiterate>, Afghanistan

Haroro J. Ingram, Three Traits of the Islamic State's Information Warfare, RUSI, December 2014, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A54AAAB6F80360/#.VhznIOyqpHw>

Henry Farrell, 'The Consequences of the Internet for Politics', Annual Reviews, 2012, <http://www.annualreviews.org/doi/full/10.1146/annurev-polisci-030810-110815>

J. M. Berger & Jonathan Morgan, The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter, Brookings, March 2015, <http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/isis-twitter-census-berger-morgan>

Jennifer Earl, 'Studying Online Activism: The Effects of Sampling Design on Findings', Mobilization, 2013,

<http://www.mobilization.sdsu.edu/articleabstracts/184Earl.html>

Joshi Herrmann, How Social Media is Empowering Young Afghan Women: The Facebook Effect, The Independent, February 10, 2015,

<http://www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/features/how-social-media-is-empowering-young-afghan-women-the-facebook-effect-10375022.html>

Larry Diamond, Liberation of Technology, Journal of Democracy, 2010, Volume 21, Issue 3, Pages 69-83

Mark Mazzetti & Michael R. Gordon, ISIS Is Winning the Social Media War, U.S. Concludes, The New York Times, June 12, 2015,

http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?_r=0

Mokhtar Wafayi, Afghans Boycott Pakistani Goods Over Taliban Claims, The Observers, August 20, 2015, <http://observers.france24.com/en/20150820-taliban-attacks-afghanistan-boycott-pakistan-goods>

Peter R. Neumann, The Trouble with Radicalization, Chatham House, July 2013, <https://www.chathamhouse.org/publications/ia/archive/view/193091>

Robert Zaman & Abdul Ahad Mohammadi, Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan, Afghan Institute for Strategic Studies, Kabul, 2014, <http://www.aiss.af/wp-content/uploads/2015/09/English-version-Trends-in-Radicalization-across-Unregistered-Madrassas-in-Afghanistan.pdf>

Saifullah Mustanir, The Peace Process in Afghanistan is a Political Suicide, The Khilafah, <http://www.khilafah.com/the-peace-process-in-afghanistan-is-political-suicide>, Afghanistan, March 9, 2015

Social Media in Afghanistan: Measuring the Usage & Perceptions of the Afghan Population, GIZ, Kabul, 2014, http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social_Media_251114.pdf

Stefania Milan, 'Social Movements and Their Technologies Wiring Social Change', Palgrave Macmillan, London, November 2013,

<http://www.palgrave.com/page/detail/social-movements-and-their-technologies-stefania-milan/?K=9780230309180>

Sudarshan Raghavan and Mohammad Sharif, Afghan Flock to Kabul Taxi, a Satirical Facebook Page that Spares no one, The Washington Post, July 11, 2015, https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-spare-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78_story.html

Syed Zafar Mehdi, 'Refused Money to Buy Drugs, Husband Chops off Wife's Nose, Lips', Afghan Zariza, December 18, 2013, <http://www.afghanzariza.com/2013/12/18/refused-money-to-buy-drugs-husband-chops-off-wifes-nose-lips>

Telecom Sector's Recent Achievements, Official Website of the Ministry of Telecommunication and Information Technology (MCIT), <http://mcit.gov.af/en/page/4876/6005>, Accessed on October 27, 2015

The Puppets and Their Masters are Playing With Our Blood, The Khilafah, June 9, 2015, <http://www.khilafah.com/the-puppet-rulers-and-the-crusader-invaders-are-equally-playing-with-our-blood/> Afghanistan

We Strongly Condemn the Airstrike of the Colonialist Invaders and the Statement of Abdullah, Hizb ut-Tahrir, June 30, 2015, <http://ht-afghanistan.com/article.php?lang=english&parent=43&category=13&aid=4315>, Afghanistan

Women Under the Uthmani Khilafah: Challenging the Myths Women and Their Economic Rights, The Khilafah, March 8, 2015, <http://www.khilafah.com/women-under-the-uthmani-khilafah-challenging-the-myths-women-and-their-economic-rights-part-2>

Zarghuna Kargar, Why was a Young Woman Killed by a Mob in the Streets of Kabul?, Prospect Magazine, August 4, 2015, <http://www.prospectmagazine.co.uk/world/why-was-a-young-woman-killed-by-a-mob-in-the-streets-of-kabul-farkhunda-afghanistan>

ضمیمه ها

ضمیمه ۱: پرسشنامه نمونه

۱. شما چه مدت است که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنید؟
 ۲. مهمترین پایگاه‌های رسانه‌های اجتماعی میان دوستان و اطرافیان شما کدام هستند؟
 ۳. شما به چه شیوه‌هایی از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنید؟
- الف) سرگرمی
- ب) در تماس بودن با اعضای خانواده و دوستان
- ج) پیگیری اخبار و امور جاری
- د) تبادل نظر در مورد امور سیاسی و اجتماعی
۴. کسانی که شما می‌شناسید، تا چه میزان برای پیگیری اخبار و تبادل نظر بر رسانه‌های اجتماعی تکیه دارند؟
 ۵. آیا شما در شبکه‌های اجتماعی با پیام‌ها و روایت‌های خشونت‌آمیز و افراطی برخورد داشته‌اید؟ اگر بله، مشکلات/مسائل اصلی که این روایت‌ها و ایده‌ها بر منبای آن شکل گرفته‌اند چه چیزهایی هستند؟
 ۶. آیا این ایده‌ها و روایت‌ها مخاطبان مشخصی دارند، مانند جوانان یا هر کدام از جوامع خاص دیگر؟
 ۷. آیا این ایده‌ها و روایت‌های افراطی علیه گروه‌های سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته‌اند؟
 ۸. این ایده‌ها و روایت‌ها تا چه میزان به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خشونت‌آمیز دعوت می‌کنند؟
 ۹. شما یا مردمی که می‌شناسید، به چه شیوه‌هایی نسبت به پیام‌ها و ایده‌های افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیزی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند واکنش نشان می‌دهد؟ لطفاً یکی از گزینه‌ها را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) نادیده می‌گیرم و کاری انجام نمی‌دهم.

ب) راجع به محتوا و پیامدهای آن با دوستان و اعضای خانواده بحث و اظهار نظر می‌کنم.

ج) فعالانه با آن مخالفت کرده و ایده‌های ضدافراط‌گرایی را ترویج می‌کنم.

د) شیوه‌های دیگر (لطفا مشخص کنید).....

۱۰. رسانه‌های اجتماعی به چه شیوه‌هایی مورد استفاده می‌گیرند تا بسیج اجتماعی را در منطقه‌ی شما تسهیل کنند لطفاً یک گزینه را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) اعلام برنامه‌های رویدادهای عمومی و اطلاع‌رسانی به کسانی که قصد شرکت دارند.

ب) برنامه‌ریزی و هماهنگی آمادگی‌ها برای رویدادهای عمومی.

ج) انتشار اخبار و پیام‌های رویدادها به شکل عمومی (لطفاً توضیح بدهید)

۱۱. گروه‌های افراط‌گرا و خشونت‌آمیز چگونه از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؟ لطفاً یک گزینه را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) جذب، استخدام و آموزش اعضای جدید

ب) انتشار و انتقال روایت‌ها و ایده‌هایی که دعوت به اقدامات خشونت‌آمیز می‌کنند

ج) همکاری و سازمان‌دهی فعالیت‌های خشونت‌آمیز

د) موارد دیگر (لطفاً توضیح دهید)

۱۲. مهم‌ترین روایت‌ها/ایده‌های ضدافراط‌گرایی که در شبکه‌های اجتماعی شما منتشر می‌شود کدام هستند؟

۱۳. نمونه‌هایی از واکنش‌های گروه‌های جامعه‌ی مدنی و فعالان مستقل به روایت‌های افراط‌گرایی را بگویید.

۱۴. اگر سیاست‌های رسمی دولتی برای مقابله یا محدود کردن تأثیرات افراط‌گرایی از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود دارند، توضیح بدهید.

ضمیمه ۲: معرفی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی است که در اکتبر ۲۰۱۲ با هدف ایجاد فضای تحقیقاتی برای بررسی مسایل استراتژیک مرتبط با افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تاسیس شد. ترویج گفتگو در بین ذی‌نفعان ابزار اساسی و نهایی برای دستیابی به اهداف AISS است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد تا با انجام دادن تحقیقات مستقل، ترجمه و چاپ کتابها و مقالات علمی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت داری خوب و... در جامعه کمک کند.

هیئت مدیره مشاورین انستیتوت:

- سفیر کای آیدی (بازنشسته)، نماینده‌ی خاص پیشین دبیرکل سازمان ملل
- پروفیسور رادا کومار، رئیس عمومی، دهلی پالیسی گروپ (DPG)
- آقای نادر نادری، رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، و رییس بنیاد انتخابات آزاد و منصفانه در افغانستان (FEFA)
- دکتر بارنت روبین، رئیس و عضو ارشد مرکز همکاری‌های بین‌المللی، و پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه نیویورک
- دکتر سیما سمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)
- دکتر رنگین اسپنتا، مشاور پیشین امنیت ملی دولت افغانستان
- پروفیسور شهربانو تاج‌بخش، مشاور ارشد علمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مدیر برنامه‌ی امنیت بشری در ماستری امور عامه انستیتوت مطالعات سیاسی ساینس پو در پاریس، و محقق در انستیتوت تحقیق صلح اسلو (PRIO)
- دکتر دیوید ساموئل سدنی، معاون دستیار سابق سازمان دفاع برای امور امنیتی آسیا و اقیانوسیه؛
- پروفیسور وانگ جیسی، رئیس دانشکده‌ی مطالعات بین‌المللی و رییس مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، دانشگاه پکنگ.

درمورد نویسندگان:

نعمت الله ابراهیمی: پژوهشگر در بخش مطالعات صلح در انیستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان. آقای ابراهیمی فعلا در حال کار بر تز دکترای خود در دانشگاه ملی استرالیا است. او در زمینه مسایل سیاسی، تاریخ و اوضاع جاری افغانستان به طور گسترده تحقیق انجام داده و نوشته است. او ماستری اش را در رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل از مکتب اقتصادی و علوم سیاسی لندن به دست آورده است.

مصعب عمر: پژوهشگر و هماهنگ کننده پروژه ها در بخش مطالعات صلح در انیستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان. حوزه خاص مطالعات او بر خشونت سیاسی و افراطگرایی و همکاری منطقه ای تمرکز دارد. آقای عمر در زمینه جریانات افراطگرایی در مدارس غیر رسمی و نیز افراطگرایی در میان دانشجویان دانشگاه های افغانستان تحقیقاتی انجام داده است. او همچنان در پروسه قلب آسیا تحقیقی را با تمرکز به امنیت و انکشاف افغانستان و همسایه گانش انجام داده است. قبلا آقای عمر در مورد ایتم و زنان بیوه در مناقشه کشمیر تحقیق کرده و نیز در ارزیابی نظام مدارس که دولت هند آنرا تطبق کرده، همکاری داشته است. او ماستری اش را در رشته تحلیل مناقشه و صلح آفرینی از مرکز نلسون ماندلا برای صلح و حل مناقشه، جامعه ملی اسلامی دهلی نو به دست آورده است.

محمد عرفانی: پژوهشگر در بخش مطالعات صلح در انیستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان. آقای عرفانی قبلا با تعدادی از رسانه های بین المللی مانند بی بی سی و دوچوله و تعدادی از رسانه های داخلی افغانستان کار کرده است. او از دانشگاه ابن سینای کابل در رشته جامعه شناسی مدرک لیسانس دارد. آقای عرفانی از اعضای گروه جامعه شناسی افغانستان است و مقالاتی از او در زمینه مسایل اجتماعی و فرهنگی منتشر شده است.

تماس با ما:

موسسه‌ی مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

() کدپستی: ۵۲۱۴، کارته پروان، کابل، افغانستان

مصعب عمر

محقق و هماهنگ‌کننده‌ی پروژه، گروه مطالعات صلح

ایمیل: musab.omer@aiss.af

www.aiss.af | contact@aiss.af

فیسبوک: www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies

تویتر: [@aissofficialpag](https://twitter.com/aissofficialpag)

لینکدین (LinkedIn): Afghan Institute for Strategic Studies

استفاده‌ی تجاری از تمام مطالب AISS، بدون اجازه‌ی کتبی از AISS ممنوع است.

تجزیه و تحلیل‌های ارائه‌شده در این گزارش، متعلق به تیم تحقیقاتی هستند و موضع رسمی موسسه‌ی

مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) یا موسسه‌ی ایالات متحده برای صلح (USIP) را نمی‌رسانند